



یک سوزن به خودت بزن ...

استعدادهای پنهان در انسان و لزوم کشف آنها

عجب و عواقب آن

علامه میر حامد حسین هندی

تاریخ، تاریخ نگاری، نقد تاریخی و وقایع نگاری

پشت پرده خطرناک ترین پروژه فرهنگی غرب

هنر قفل سازی

زندگی و کرامات سید علی قاضی طباطبایی

ایرانیان همراهان قدیمی اهل بیت (علیهم السلام)

دلایل تمایل کودکان و نوجوانان به دنیای غریب مد

روش هایی برای تقویت عزت نفس

راه کارهای اقتصادی

امان از شرشر و چکچک!

از غدیر تا الغدير

نانو تکنولوژی علم ابعاد کوچک

بزرگترین تبلت جهان

ماهگیری عاقل

شرح گلشن راز





الْعُجْبُ صَارِفٌ عَنِ طَلَبِ الْعِلْمِ، دَاعٍ إِلَى الْغَمَطِ وَالْجَهْلِ

خودپسندی، آدمی را از دانش جویی باز می‌دارد و به ناسپاسی و انکار حق می‌خواند.

بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۱۹۹

- ۴. یک سوزن به خودت بزن ...
- ۵. استعدادهای پنهان در انسان و لزوم کشف آنها
- ۶. آخر کار
- ۷. عجب و عواقب آن
- ۸. علامه میر حامد حسین هندی
- ۱۰. تاریخ، تاریخ نگاری، نقد تاریخی و وقایع نگاری
- ۱۲. پشت پرده خطرناک ترین پروژه فرهنگی غرب
- ۱۴. هنر قفل سازی
- ۱۶. زندگی و کرامات سید علی قاضی طباطبایی
- ۱۸. ایرانیان همراهان قدیمی اهل بیت (علیهم السلام)
- ۲۰. زیباترین کتابخانه های جهان
- ۲۴. اخبار مسجد
- ۳۰. مدگرایی افت است؟
- ۳۱. دلایل تمایل کودکان و نوجوانان به دنیای غریب مد
- ۳۳. روش هایی برای تقویت عزت نفس در نوجوانان مدگرا
- ۳۴. آتش انار / مرغ شکم پر با انار
- ۳۵. انار
- ۳۶. روش های مختلف استفاده از برجسب برای تزئین فضاها
- ۳۷. راه کارهای اقتصادی
- ۳۸. ذهنم قفل شده است
- ۳۹. امان از شرشر و چکچک!
- ۴۰. از غدیر تا الغدیر
- ۴۱. کافه اسپریس
- ۴۲. نانو تکنولوژی علم ابعاد کوچک
- ۴۳. بزرگترین تبلت جهان
- ۴۴. پیراهن وصله داری
- ۴۵. ماهیگیری عاقل
- ۴۶. حق آموزگار و دانشجو
- ۴۷. سال های مدرسه / یادش بخیر یاد مدرسه
- ۴۸. شرح گلشن راز



خودمان از زمانی که چشم باز می‌کنیم از کوچکترین فرصت برای بازی کلش آف کلنز و کندی کرش یا پست گذاشتن در گروه‌های مختلف وایبر و تلگرام استفاده می‌کنیم، انتظار داریم که فرزندانمان وقت زیادی را با موبایل و بازی‌های کامپیوتری صرف نکنند!!! به نظران انتظار بی‌جایی نیست؟

اینانا نباید یاد آن مثل معروف یک سوزن به خودت بزن یک جوالدوز به دیگران بیفتیم؟!...

اینانا نباید از خودمان شروع کنیم؟!...

اینانا نباید در خانه قوانین جدیدی وضع کنیم؟!...

و صدها اینانایدهای دیگر...

اما نکته مهم اینکه وقتی بچه‌های ما در این مسائل از ما پیروی می‌کنند در مسائل دیگر از چه کسی پیروی می‌کنند؟ اگر ما به فکر آموزش بچه‌های خودمان نباشیم حتما دیگران خواهند بود.

پس باید به فکر بود هم برای تربیت خودمان و هم فرزندانمان!!

حتما این عکس را شما هم دیده‌اید که صحنه‌ای از یک اتاق پذیرایی خانه مادربزرگ را نشان می‌دهد که همه خانواده (بچه‌ها و نوه‌های بزرگسال) در آن حضور دارند و مادر بزرگ هم روی میل نشسته است و در حالی که همه افراد حاضر در موبایل‌هایشان فرو رفته‌اند، مادر بزرگ همچنان با تعجب به آنها نگران می‌کند. «کپشن این عکس هم این است که یه روز تعطیل همگی رفتیم دیدن مادر بزرگ!»

اگر پیش از این خیلی گذرا از کنار این عکس رد شده‌اید، خواهش می‌کنم یک بار آن را از بین صدها عکس گالری موبایل تان پیدا کنید و فقط یک دقیقه با دقت به آن نگاه کنید. با دیدن این تصویر چه حس و حالی پیدا می‌کنید؟! اگر هم که عکس را ندارید، تصور آن تصویر نه سخت است نه دور از ذهن. این روزها در هر مهمانی بارها و بارها شاهد این تصویر هستیم. وقتی در خانه اصولا هیچ قانونی برای استفاده از موبایل و تبلت و غیره نداریم و

یک سوزن به خودت بزن ...





استعدادهای پنهان در انسان و لزوم کشف آن‌ها



سید علی حسینی خامنه‌ای

«و من کلام له صلى الله عليه و آله: النَّاسُ معادن کمعادن الذهب و الفضة»^۱

خدادادی که در انسان‌ها هست، استفاده کنند، باید این استعدادها را بشناسند، قدر این استعدادها را بدانند، بعد بروند دنبالش. همچنان که ما در زمین‌شناسی می‌رویم تحقیق می‌کنیم، ببینیم آیا این زمین دارای معدن هست یا نیست، معدن آن چیست، اندازه و مبلغ و حجم آن چقدر است، راه درآوردن آن چیست، در مورد انسان‌ها هم همین جور است. بعضی، استعدادهای برجسته و فراوانی دارند؛ بعضی، استعدادهای کمتری دارند.

نوع استعدادها هم فرق می‌کند؛ طلا یک جا لازم است، نقره هم یک جای دیگر لازم است؛ آنجائی که شما از نقره باید استفاده کنید، اگر از طلا استفاده کردید، به نتیجه نمی‌رسید؛ آنجائی که از آهن باید استفاده کنید، اگر از طلا استفاده کردید، به نتیجه نمی‌رسید؛ هر کدامی برای یک کاری لازم است. انسانها با استعدادهای گوناگونشان، تأمین‌کننده‌ی نیاز جوامع بشری برای سیر الی‌الله و سیر الی‌الکمال‌اند؛ همه‌ی این استعدادها باید استخراج شود. این، وظیفه‌ی مربیان جوامع را سنگین می‌کند؛ وظیفه‌ی حکومت‌ها را سنگین می‌کند. استعدادیابی، استعدادشناسی، قدر استعداد را دانستن، راه استخراج این استعدادها و به فعلیت رساندن آنها را بلد بودن، بعد با ظرافت تمام این را دنبال کردن، این آن چیزی است که بروز استعدادها را نتیجه خواهد بخشید؛ پیغمبران این کار را می‌کردند: «لیستأدوهم میثاق فطرته و یدکروهم منسی نعمته ... و یشیروا لهم دفائن العقول»^۲. پیغمبران خرد انسان‌ها را برمی‌آشفتنند، آنها را مبعوث می‌کردند، آنها را به کار وامیداشتند؛ این همان کشاندن استعداد است. بنابراین «النَّاسُ معادن کمعادن الذهب و الفضة». به هیچ انسانی نباید با نگاه تحقیر نگاه کرد؛ نه، در او یک استعدادی هست که ای بسا جامعه به آن استعداد نهایت نیاز را دارد.

بله، بعضی‌ها هستند می‌آیند دنیا، هفتاد سال، هشتاد سال هم عمر می‌کنند، می‌روند، اما این استعدادشان کشف نمی‌شود؛ در واقع به اینها ظلم می‌شود، اینها مظلوم واقع می‌شوند. اگر استعداد او کشف می‌شد، ممکن بود یک نابغه‌ای بشود، یک شخصیت برجسته‌ای بشود. این، وظیفه‌ی مربیان جامعه را، از جمله روحانیون را، معلمان را، اجزاء حکومت را، دستگاه‌های مختلف تربیتی را زیاد می‌کند. میباید به این استعدادها بی‌اعتنائی شود.

آنچه که در این جمله‌ی شریف و کوتاه و پرمغز مورد نظر است، وجود استعدادهای پنهان در هر فردی از افراد انسان است. اینکه حالا بعضی این بحث را به بحث جبر و تفویض و این چیزها متصل می‌کنند، این دور شدن از محتوای واضح و ظاهر این حدیث شریف است. در این حدیث می‌خواهد بفرماید: همچنان که معادنی وجود دارد که در اینها طلا هست، نقره هست - حالا این دو تا را به عنوان مثال ذکر کرده‌اند؛ معادن گوناگونی وجود دارد - و ظاهر کار، سنگ است، خاک است، زمین است، چیزی محسوس نیست، اما اگر بکاوید، اگر بشناسید، اگر قدر بدانید، در زیر همین سنگ و خاک معمولی، یک عنصر گرانبها پیدا خواهید کرد که ارزش آن با ارزش آنچه که در ظاهر دیده می‌شود، قابل مقایسه نیست، انسان‌ها هم همین جورند؛ یک ظاهری وجود دارد که در حرکات و سکنات و گفتار و رفتار و کردار انسان‌ها، آدم اینها را می‌بیند؛ اما یک باطنی هم وجود دارد که آن عبارت است از استعدادهای متراکمی که خدای متعال در وجود انسان گذاشته است. البته این استعدادها یکسان نیستند - همچنان که معادن یکسان نیستند - اما همه در این جهت شبیه همند که آنچه در کمون است و آنچه در باطن وجود انسان است، بسی ارزشمندتر است از آنچه که شما در ظاهر مشاهده می‌کنید. همچنان که اگر روی معدن کار کردید، تلاش کردید، زحمت کشیدید، می‌توانید به آن ماده‌ی ذی‌قیمتی که در آن هست، برسید، در انسان هم همین جور است؛ احتیاج به تلاش دارد؛ باید کسانی سعی کنند این استعدادها را به فعلیت برسانند. شرط لازم هم این است که شما این ماده را بشناسید. کسی که نداند طلا چیست یا نقره چیست، اگر در این معدن به طلا هم برخورد کند، چون نمی‌شناسد، از آن صرف‌نظر خواهد کرد.

باید بدانید طلا یعنی چه و چه ارزشی دارد، بعد بروید استخراج کنید، زحمت بکشید، طلا را استحصال کنید. در انسان هم همین جور است. مربیان بشر، مربیان کودکان و بالخصوص جوانان که می‌خواهند از این استعدادهای



آخرین کار

فرمود و حلال و حرام را در گفتار او را حرام و حلال الهی دانست و منکران وی را همسنگ منکر رسالت خود انبیاء پیشین و خداوند قرار داد، سپس در بیان مقام خلافت و ولایت امیرالمومنین (ع) برای اینکه هرگونه شک و شبهه‌ای را برطرف نموده فرمود: «قرآن و تفسیر آن را برای شما بیان نمی‌کند مگر این کسی که دست او را می‌گیرم و او را بلند می‌کنم» آنگاه بازوی علی (ع) را در دست گرفت و آن قدر بالا برد که کف پای علی (ع) کنار زانوی رسول الله (ص) قرار گرفت و همگان او را در کنار رسول خدا دیدند و شناختند. سپس فرمود: ای مردم هر کس که من مولا و رهبر اویم این علی هم مولا و رهبر اوست و این جمله را سه بار تکرار کرد و چنین ادامه داد: علی بن ابی طالب (ع) برادر وصی و جانشین من است و این آن حکمی است که خدا بر من نازل کرده است پس مردم را شاهد بر ابلاغ تفهیم این مهم گرفت و لقب امیرالمومنین را بر ایشان نهاد و نامیدن دیگران به این لقب را حرام اعلام کرد و گفت خدایا به امر تو اینچنین دعا می‌کنم «خدایا دوستان او را دوست بدار و دشمنانش را دشمن بدار و منکران او را از رحمت دور بدار و بر دشمنانش غضب بفرما» پس از آن آیه اکمال دین را قرائت فرمود و گفت که ای مردم خداوند دین را به واسطه ولایت امیرالمومنین و فرزندان او تا قیامت کامل فرمود پس هر کس که این مهم را قبول ننماید خداوند هیچ یک از اعمال او را نخواهد پذیرفت سپس فرمود: لازم است حاضران این خبر را به غایبان برسانند و ابلاغ این پیام را تا روز قیامت واجب گردانید که پدر به پسر پیر به جوان همه به یک دیگر برسانند. پس از بیان مقام‌های رفیع امیر المومنین و ائمه معصومین و بیان کار شکی کفار و منافقین در این زمینه دستور داد که همگان با علی (ع) به عنوان امیرالمومنین بیعت کنند و این بیعت را نیز بخشی از دستور خدا خواند و فرمود از آنجا که بیعت به یک باره با تک تک شما به دلیل شمار زیاد و کمی وقت نیست خداوند متعال دستور می‌فرماید که همه شما به زبان اقرار کنید سپس جملاتی با این مضمون که دستور تو ای رسول خدا را شنیدیم و به آن گردن می‌نهیم را فرمود که همه با هم تکرار کنند. وقتی بیعت عمومی گرفته شد. در مراسم بیعت، پیامبر (ص) عمامه خود را که «سحاب» نام داشت، به عنوان تاج افتخار بر سر امیرالمومنین (ع) قرار دادند. هنوز اجتماع به حال خود باقی بود که فرمان داد دو خیمه برپا شد یکی برای رسول اکرم و یکی برای امیرالمومنین که مسلمین به آن دو خیمه بروند و با رسول خدا و جانشین او با عنوان امیرالمومنین بیعت کنند.

سال دهم هجرت بود و پیامبر از آخرین سفر حج خود باز می‌گشت، گروه انبوهی که تعدادشان را تا صد و بیست هزار رقم زده اند او را بدرقه می‌کردند تا این که به پهنه بی‌آبی به نام غدیر خم رسیدند.

نیم روز هیجدهم ذی الحجه بود که ناگهان پیک وحی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد و از جانب خدا پیام آورده که: «ای رسول آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده به گوش مردم برسان و اگر چنین نکنی رسالت او را ابلاغ نکرده‌ای و خداوند تو را از گزند مردمان حفظ خواهد کرد» پیامبر دستور توقف و اجتماع همگان در آن برکه را داد بعد از اینکه افراد به محل غدیر خم رسیدند پیامبر بر روی منبری که در زیر درخت کهنسالی که در آنجا ساخته بودند رفته و سپس دستور داد تا امیرالمومنین (ع) را فراخوانند پس به وی امر کرد تا بالای منبر پیامبر و دست راست آن حضرت بایستد، پس پیامبر منتظر ایستادند تا مردم کاملاً جمع شدند و آنگاه خطابه خود را اینگونه شروع کردند:

در ابتدا خدای را سپاس فرموده و از بدی‌های نفس اماره به او پناه برده و فرمود جبریل که درود خدا بر او باد سه بار بر من نازل شده و فرمود که در این مکان (غدیرخم) توقف نمایم، و به سیاه و سفید شما اعلام کنم که علی بن ابیطالب وصی و جانشین و پیشوای شما بعد از من است، جایگاه او نسبت به من، مانند هارون نسبت به موسی پیامبر است، با این تفاوت که پس از من پیامبری نخواهد آمد پس او جان صاحب اختیاران بعد از خدا و رسول او خواهد بود پس از آن آیه ولایت را قرائت نمود و فرمود شان نزول آن علیست و اوست که در همه هنگام خدا را در نظر دارد و از علت ترس خود فرمود که از منافقان و کفار امتش می‌ترسیده چرا که او را به سخره می‌گرفتند و فرمود اگر بخواهم میتوانم آنان را معرفی کنم لکن بر آنان کرامت می‌کنم و نامشان را نمی‌برم اما اگر خواست خدا که ابلاغ این امرست اجرا نکنم خدا از من راضی نخواهد شد.

پس فرمود بدانید که خدا شما صاحب اختیاری قرار داده که او علیست و فرمان بری از او بر عرب و عجم پیر و جوان شهری و روستایی برده و آزاد سیاه و سفید و خلاصه هر یکتا پرستی واجب است و قدری در منزلت علم وی بیاناتی



مقدمه

عجب و عواقب آن

• تنهایی

امیرالمومنین در جای جای نهج البلاغه به این مسئله اشاره کرده اند و می فرمایند: ترسناکتر از خودپسندی نیست.

مجلسی (ره) در شرح این کلام گوید: عجب یعنی اینکه انسان خود را و صفات و کارهای خود را از دیگران برتر ببیند و این باعث برتری جویی و گردن کشی بر مردم می شود و سبب دوری مردم از شخص می گردد؛ همچنین موجب می شود که شخص نتواند عیوب خود را برطرف نموده و آنچه از او ترک شده جبران نماید؛ پس، از رحمت و لطف خدا محروم و از خدا و خلق جدا می شود؛ لذا هیچ تنهایی بدتر از عجب و خودپسندی نیست.

• تجاوز به حقوق دیگران

غرور و خودپسندی تا آنجا پیش می رود که مایه تکذیب و رویگردانی از حق می شود و به انسان اجازه نمی دهد تا در برابر حق کرنش کند و آن را بپذیرد و بر پایه آن عمل و رفتار کند. چنان که این بیماری روحی و روانی موجب می شود تا انسان نسبت به حقوق دیگران بی تفاوت شود و به خود اجازه تجاوز و تعدی به حقوق دیگران را بدهد و رفتاری ستمگرانه در پیش گیرد.

• سرگردانی

البته انسان مغرور پیش از آن که به دیگری ضربه بزند و خسارت وارد کند به خود زیان و ضرر می رساند. از این روست که خداوند می فرماید که انسان خود خواه و خودپسند با آراسته دیدن کارها و اعمال خود، گرفتار تحیر و سرگردانی در زندگی می شود و نمی داند به چه کاری اقدام کند و چگونه آن را به انجام رساند، (نمل آیه ۴) زیرا چنان به خود و اعمالش مغرور است که حاضر نیست آن را تغییر دهد و هماهنگ با حق کند، این گونه است که بسیاری از کارهایش به نتیجه دلخواه نمی رسد و باعث سرگردانی و تحیر وی می شود.

• شکست، نتیجه تنهایی غرور

خداوند در آیات ۴۷ و ۴۸ سوره انفال، غرور و خودپسندی در کنار فریب و نیرنگ شیطان را عامل شکست بر می شمارد و در آیه ۲۵ سوره توبه تبیین می کند که غرور و خودپسندی به خود و نیروهای رزمی موجب می شود تا لشکر در میدان کارزار شکست بخورد و نتواند چنان که بایسته و شایسته است عمل کند.

در رفتار اجتماعی، انسان های خودپسند و مغرور انسان هایی هستند که گرفتار بخل هستند و حتی دیگران را به آن ترغیب می کنند (نساء آیات ۳۶ و ۳۷ و حدید آیات ۲۳ و ۲۴) اینان به سبب خودپسندی و به ویژه غرور مالی، احسان و انفاق را ترک می کنند و زکات واجب مالی خویش را پرداخت نمی کنند (قصص آیات ۷۶ و ۷۷)

فردی به معشوقه خود گفته بود که من تو را خیلی دوست دارم توچی؟؟ و معشوقه در جواب او گفته بود: «من هم مثل تو، خودم رو خیلی دوست دارم!» هر چند که عزت نفس یکی از فضایل بزرگ اخلاقی در انسان است که در زندگی او نقش بسیار مهم و اساسی را ایفا می کند و به دیگران اجازه نمی دهد تا فرصت ها و ظرفیت های وجودی شخص را از میان برداشته و در مسیر دیگر و باطلی به کار گرفته شود و معنای مثبتی از اعتماد به نفس در شخص پدید می آورد، با این همه غرور و خودپسندی از جمله راذیل پست اخلاقی است که بسیاری از مردم حتی از شنیدن آن چندش می شوند و بیزاری و نفرت درونی خویش را آشکار می سازند؛ زیرا غرور و تکبر، آدمی را در حالتی قرار می دهد که جز خود دیگری را نمی بیند و برای دیگران ارزش و ارج و منزلتی قایل نمی شود. چون انسان خود را دوست دارد آثار و کردار خود را دوست دارد. اگر این غریزه حب ذات تعدیل نگردد انسان تبدیل به موجودی مغرور شده و به مشورت کردن روی نمی آورد و بدین ترتیب راه سعادت را بر خود می بندد پس بهترین راه کنترل عجب تقوا و معنویت است.

نفس انسان همیشه او را به سوی پلیدی ها تحریک می کند و اگر رحمت خداوند شامل حال او نشود در منجالب ذلت سقوط خواهد کرد. این وسوسه به سوی هواهای نفسانی و فساد برای نخبگان و صاحبان قدرت بیشتر بوده، چون آنان زمینه های بیشتر و مناسب تری برای انحراف و فساد دارند. علی بن ابیطالب (علیه السلام) در این زمینه می فرماید: بدان که خودبینی و عجب ضد حق و نیکی، و آفت خردهاست.

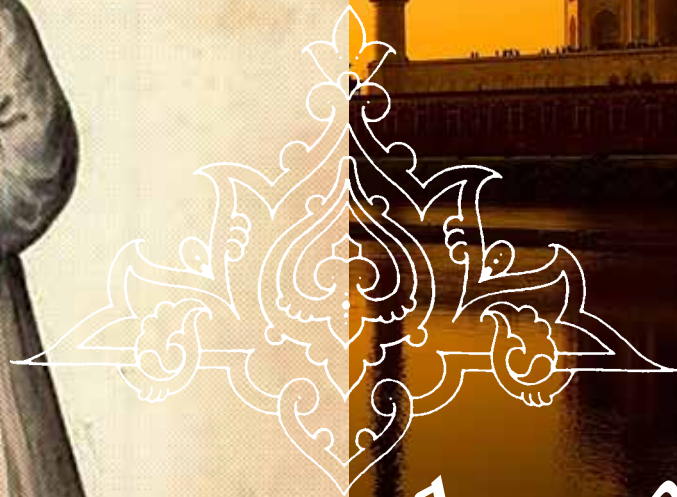
• عامل عجب در نگاه علی (علیه السلام)

گر چه قدرت خود عامل سرمستی و غرور انسان می شود اما علی (علیه السلام) «ستایش دیگران» را عامل به وجود آمدن عجب می داند: تا می توانی با پرهیزکاران و راستگویان ببیوند و آنان را چنان پرورش ده که تو را فراوان نستانند و تو را برای اعمال زشتی که مرتکب نشده ای تشویق نکنند که ستایش بی اندازه خودپسندی می آورد و انسان را به سرکشی وامی دارد.

تعریف و تمجید دیگران حالت دروغینی در انسان به وجود می آورد که نتیجه آن اطمینان کاذب و خودپسندی است.

• آثار خودپسندی در زندگی دنیا

خودپسندی و غرور در آدمی آثار و پیامدهای بسیار مخرب و زیانباری را در زندگی فردی و اجتماعی فرد به جا می گذارد. در حقیقت خودپسندی و غرور، زمینه ساز فخر فروشی بر دیگران است و موجود را به سمت و سویی می کشاند که تکبر و خودبزرگ بینی خویش را نشان دهد. به سخن دیگر، خودپسندی که خود رذیلت اخلاقی است موجب می شود تا رذیلت اخلاقی دیگری به نام تکبر و خودبزرگ بینی در انسان رشد کند که پیامدها و آثار آن بسیار خطرناک تر و زیانبار تر از خودپسندی و غرور است.



علامه میر حامد حسین هندی

مقدمه

هماره علما و محققان در راه دستیابی به علوم جدید و مسائل و منابع بهتر در حال کوشش بوده اند و از آنجا که در زمان قدیم امکانات و لوازم همانند امروز فراهم نبوده است آنان مجبور به در پیش گرفتن راه بیابان ها و سفر بوده اند. در این میان علما اسلامی علی الخصوص علمای شیعه نقش بسیار مهمی در جمع آوری حفظ و نگهداری منابع اسلامی داشته اند.

گر چه سیر و سفر، کاری پسندیده و پرفایده است و در قرآن و روایات اهل بیت - علیهم السلام - بدان سفارش شده و آدایش بیان گردیده است،^۱ لیکن پرداختن به زوایای پنهان تاریخ و افشای جرایم مجرمان و خیانت پیشگان و یا معرفی یک حرکت، عقیده، پویندگی، چگونگی تحول و فراز و نشیب آن در فلان مقطع از زمان، کاری است که از سفرنامه نویسان شایسته و کارآمد بر میآید. نویسنده ای خوب و دانشمند است که می تواند به خوبی از عهده چنین امری برآید و توانمندانه حقایق را به نمایش بگذارد.

در میان علما و بزرگان شیعه که با قلم به مکتب اهل بیت (ع) خدمت کردند و در شناساندن و ترویج علوم آل محمد (ص) کوشیدند، علامه میرحامد حسین، شخصیتی ممتاز است.

سفرنامه حضرت علامه میر حامد حسین هندی - ره - از این گروه سفرنامه‌ها است که به عربی نگاشته و نام «أسفار الانوار» بر آن نهاده است.

میر حامد حسین در «أسفار الانوار» از سفری گزارش کرده که در سال ۱۲۸۲ هجری قمری به همراهی برادرش، سید اعجاز حسین هندی انجام داده است. آن دو، سفر خود را از وطنشان شهر لکهنو در هندوستان آغاز نموده، پس از رسیدن به شهر بمبئی، از راه دریا و بوسیله کشتی رهسپار جدّه میشوند و پس از انجام عمره مفرده، مکه مکرمه را به قصد زیارت مدینه منوره ترک می‌کنند،

سپس جهت انجام فریضه حج از مسجد شجره به احرام عمره تمتع مُحرم می‌شوند. وی سرانجام سفرنامه را با گزارش سفر به عراق و زیارت عتبات عالیات به پایان میرساند.

نسخه خطی این سفرنامه دارای ۳۸۷ صفحه به قطع جیبی است که قسمتی از آن به خط میر حامد حسین بوده و تا کنون چاپ نشده و ظاهراً قسمت‌هایی از نسخه مخطوط، مورد هجوم موریانه قرار گرفته است و شاید همین نکات سبب شد تا بعضی از محققان و نویسندگان پس از ملاحظه و مطالعه سفرنامه، از کار کردن بر روی آن سرباز زنند.

سخنی درباره علامه میر حامد حسین

سید حامد حسین فرزند عالم بزرگ سید محمد قلی موسوی نیشابوری لکهنوی نوی هندی از متکلمان بزرگ امامیه، به سال ۱۲۴۶ ه. ق. در شهر لکهنو دیده به جهان گشود.^۲ حال و هوای مذهبی خانواده، به همراه علاقه او به معنویت و مذهب، سبب شد تا مسیرش را در احیای کلمه اجداد طاهرینش - علیهم السلام - تنظیم نماید. وجود با برکت پدری روحانی و نیک مردی فاضل و متقی و بزرگوار از تبار عالمان، موجب رشد و بالیدن وی گشت. او علم کلام را نزد پدر خواند و فقه و اصول را از سید العلماء، سید حسین فرزند سید دلدار علی نقوی، معقول را از سید مرتضی و ادب را از مفتی سید محمد عباس آموخت.

میر حامد حسین مرد تحقیق و تتبع بود. اطلاعات وسیع و گسترده ای در زمینه‌های مختلف داشت و از آشنایی کامل و درخور تحسین نسبت به احادیث و اخبار و فرهنگ اسلامی برخوردار بود.^۳ وی علاقه وافر به جمع آوری کتب و مصادر علمی و استفاده از مطالب آنها

در راستای اهداف مقدس خود داشته که در جای جای سفرنامه اش بخوبی مشهود است. به هر مکان و دیاری که می رسد از کتابخانه و کتابفروشی آنجا سراغ می گیرد و آنچنان در این راه متحمل رنج و مشقت می شود که برای دستیابی به یک نسخه خطی موجود در کتابخانه یک عالم سنی در رایغ،^۴ تن به نوکری او می دهد.^۵ و شکوه عشق به تلاش علمی علامه میر حامد حسین آنگاه تبلور مییابد که در اثر کثرت نوشتن، دست راستش از حرکت باز میماند و ناگزیر در سال های آخر عمر با دست چپ می نویسد.^۶

گویند که وی در اثر کوشش زیاد و خستگی و فرسودگی، درازکش مطالعه می کرده و کتاب های سنگین را بطور عمودی بر روی سینه می گذارده است؛ به همین خاطر سینه اش پینه بسته و چنان شانه بارکشان تغییر شکل و رنگ می دهد.^۷

او در شهر لکهنو کتابخانه بسیار بزرگ و نفیسی از خود به یادگار گذاشته که حاوی سی هزار جلد کتاب خطی و چاپی است البته کتاب های پدرش و سید ناصر حسین، فرزند وی نیز در این کتابخانه موجود است.^۸

تألیفات

۱. اسفار الأنوار؛ (سفرنامه). تا کنون چاپ نشده است.
۲. عبقات الأنوار؛ (فارسی)؛ در ۱۳ جلد بزرگ، تنها یک جلد این کتاب، حدیث منزلت است که دارای ۹۷۳ صفحه می باشد.
- مرحوم میر حامد حسین، عبقات الأنوار را در ردّ کتاب تحفه اثنا عشریه عبدالعزیز دهلوی، که ظالمانه به نفی امامت حقّه حضرت امیرالمؤمنین - صلوات الله علیه - پرداخته، به نگارش درآورده و عالمانه به شبهات وی پاسخ گفته است.
۳. استقصاء الأفحام؛ (فارسی) در ۱۰ جلد؛ در اثبات حضرت حجت - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و ردّ تحریف کتاب الله .
۴. الشریعة الفراء؛ در مسائل اجماعی فقه، از اوّل طهارت تا آخر دیات.
۵. الشعله الجواله؛ جریان آتش سوزی کتب اسلامی بوسیله دشمنان و مهاجمان.
۶. شمع المجالس؛ (شعر) حاوی قصاید عربی و فارسی در ثنائی حضرت امام حسین - ع -.
۷. شمع و دمع؛ (شعر) به سبک مثنوی.
۸. صفحه الماس فی الإرتماس؛ (فقه).
۹. الطارف؛ (معما و لغز).
۱۰. العشرة الكاملة.
۱۱. الظل الممدود.
۱۲. افحام اهل المین فی ردّ ازالة الغین؛ چند مجلد...^۹

علامه بزرگوار تمامی نوشته هایش را با قلم و کاغذ ساخته شده به دست مسلمین و بوسیله خطاطان مسلمان نگاشته و از دستگاه های چاپ ساخت بیگانگان و دشمنان مسلمین دوری می جسته است و این حاکی از ورع و تقوای سیاسی آن مرحوم است.^{۱۰}

سرانجام پس از سالها تلاش پرتیر علمی، به هیجدهمین روز از ماه صفر سال ۱۳۰۶ ه. ق. در شصت سالگی مزرع شاداب عمر این عالم فرزانه و بزرگ، به خزان نشست و روح پاکش از مجمع زمینیان به مجلس انس ملکوتیان راه گشود و جسم مطهرش در حسینیه غفران مآب شهر لکهنو به خاک سپرده شد.^{۱۱}

اسفار الأنوار / پیش از سفر

علامه میر حامد حسین پیش از نگارش عبقات در نامه هایی به دوستانش از اینکه آن همه دشمنان تشیع در کارهای باطل خود اصرار دارند و در ردّ عقاید شیعه مطالبی می نویسند، اما نیستند کسانی که پاسخی به آنان بدهند و در گمراهی خود خوشحال و یکه تاز میدان هستند و هل من مبارز می طلبند، شکوه می کند. تا آنکه نامه ای به محضر حضرت صاحب الامر (عج) می نویسد و از آن حضرت می خواهد که این امر (توان پاسخگویی به یاوه گویی های مخالفین) را به وی عنایت کنند.

ایشان می نویسد: «در صدد چاره بوم که کسی را واسطه قرار دهم؛ به یاد

شهید بزرگوار قاضی نورالله شوشتری افتاده، به آگرا رفتم. در کنار مزار قاضی گریه کردم. وی را واسطه قرار دادم و نامه را روی قبر وی گذاشتم و پس از آن صاحب فرج عنایت فرمودند و این امر را به حقیر واگذار کردند».

عبقات در اثبات ولایت امیر المومنین (ع) ردیه ای است بر باب امامت کتاب تحفه اثنی عشریه است که به گفته مؤلف آن بیش از سیصد جزء داشته است. علامه امینی در مقدمه کتاب گرانقدر الغدير در عظمت عبقات الانوار می نویسد: «... بوی دلپذیرش در تمامی جهان پیچیده و آوازه اش از خاور تا باختر را فرا گرفته، هرکس این کتاب را مشاهده کرده، دریافته که معجزه و روشنگری است که هیچ باطلی در آن راه ندارد. و من در نوشته هایم از دریای ژرف اندوخته های وی در این کتاب بهره های فراوان بردم».

علامه حامد حسین در راه تألیف عبقات متحمل رنج ها و مشقت های فراوان شد. حوادث ناگوار آزمایش هایی بود که او را در مسیری که در آن قدم نهاده بود، استوارتر می کرد. در چهارده سالگی از سایه رافت پدر محروم شد و پس از پدر که محکم ترین تکیه گاه او بود، برادرش علامه اعجاز حسین شریک و همراه وی در این مسیر سخت و طاقت فرسا بود.

مهری که برای مهملور کردن نامه های دو برادر بود، تنها یک مهر آن هم منقش به نقش «الحمد لله» بود و تا برادرش اعجاز حسین زنده بود، مهر جداگانه ای برای خود ترتیب نداد. در سفر مکه و عتبات عالیات هر دو برادر معین یکدیگر بودند و پایه عبقات الانوار بر منابع و مآخذی که از کتابخانه های مکه و مدینه و نجف و کربلا و یمن گردآوری کردند، بنا نهاده شد.

آغاز سفر

علامه میر حامد حسین هندی - ره - عصر روز جمعه ۲۲ جمادی الاولی سال ۱۲۸۲ ه. ق. شهر لکهنو را به همراهی برادرش سید اعجاز حسین ترک نموده و با دلچنان و کالسکه های پستی به سوی بمبئی و بندرگاه آن شهر طی طریق می کند تا از راه دریا راهی جدّه شود.^{۱۲} وی با ارسال نامه، ارتباط خود با خانواده و دوستان را حفظ کرده و آنان نیز به وسیله نامه پاسخش را می دهند.^{۱۳}

پس از رسیدن به شهر بمبئی در حسینیه ای که جایگاه مسافران بوده، مسکن می گزیند. البته آن محل جای تمیزی نبوده و بخاطر تعفن و ازدحام جمعیت، به ایشان خوش نگذشته است.^{۱۴} به هنگام اقامت در شهر بمبئی، نامه ای از حضرت سلطان العلماء - ره - به زبان فارسی دریافت می کند.^{۱۵}

در دو مرحله، سر به کتابفروشی های شهر بمبئی، که در آن زمان رونق داشته، می زند و از کتاب های چاپ شده آن دیار دیدن می کند و از گرانی کتاب نیز سخن به میان می آورد.^{۱۶}

پی نوشت

۱. بنگرید به: حج : ۴۶؛ روم : ۴۲ و ۴۳؛ فاطر : ۴۴؛ غافر : ۲۱ و ۲۲؛ محمد : ۱۰؛ آل عمران : ۱۳۷؛ انعام : ۱۱؛ نحل : ۳۶؛ نمل : ۶۹؛ عنکبوت : ۲۰؛ سبا : ۱۸؛ توبه : ۴۲ و نیز بنگرید به: کنز العمال، ج ۶ ص ۷۰۱ الی ۷۴۱، ج ۱۷۴۸ تا ۱۷۶۴۹؛ میزان الحکمه، ج ۴، ص ۴۶۷ الی ۴۷۷
۲. علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی،
۳. نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، ج ۱، ص ۳۴۷ همان.
۴. رایغ یکی از شهرهای ساحلی عربستان است که بین جدّه و مدینه منوره واقع شده.
۵. مقدمه کتاب عبقات الأنوار (حدیث منزلت)، ص ۴ همان.
۷. بنا به نقل بعضی از نوادگان ایشان.
۸. محمد رضا حکیمی، میرحامد حسین، ص ۱۳۶
۹. اعیان الشیعه، قطع رحلی، چاپ بیروت، ج ۴، ص ۳۸۱
۱۰. نقباء البشر، ج ۱، ص ۳۴۹
۱۱. اعیان الشیعه، قطع رحلی، چاپ بیروت، ج ۴، ص ۳۸۱
۱۲. اسفار الأنوار، ص ۲ تا ۲۷
۱۳. همان، ص ۷۳
۱۴. همان، ص ۱۰۲
۱۵. همان، ص ۱۰۹ و ۱۱۰
۱۶. همان، ص ۱۳۱، ۱۳۲ و ۱۳۳



تاریخ یعنی نقل وقایع و اتفاقات و حوادث مهم گذشته که می‌توان گفت ذکر رخدادها و حوادث در چارچوب زمان و مکان مشخص است. گرچه در ابتدا بیشتر حالت روایی یا روایتی تاریخ مطرح بود و تأکید آن بیشتر بر زمان وقایع و حوادث مهم بود اما به تدریج جنبه تعقلی و اندیشه ورزی و تحلیل وقایع تاریخی پا به عرصه وجود نهاد و با این تحول بنیادین جنبه تحلیلی تاریخ نمایان تر گردید و از چارچوب وقایع نگاری صرف بیرون آمد و به تجزیه و تحلیل حوادث و وقایع مهم پرداخت. مورخین از چارچوب وقایع نگاری و ذکر حوادث (که شاهد عینی بوده اند و یا به واسطه راویان دیگر شنیده‌اند) پا را فراتر نهاده و با اندیشه و تعقل خود در چارچوب اصول تاریخ نگاری به تجزیه و تحلیل حوادث و وقایع پرداخته‌اند، این تحول را شاید بتوان نتیجه رنسانس و دیگر تحولات علمی دانست.

تاریخ نگاری معاصر گرچه وقایع و زمان وقوع را در نظر دارد اما به بررسی موضوعات تاریخی به شکل غیر انتزاعی می‌پردازد؛ یعنی وقایع را در ارتباط با شرایط زمانی و مکانی و دیگر نیروهای تأثیر گذار، شرایط جامعه پیرامونی و جهانی بررسی می‌کند. تاریخ نگاری معاصر از بررسی انتزاعی صرف پرهیز داشته و کنش و واکنش جریانهای اجتماعی و شرایط زمانی و مکانی و جهانی را تأثیر گذار دانسته و در نظر می‌گیرد.

با پیشرفت علم و جوامع انسانی مورخان در چارچوب سنتی تاریخ نگاری باقی نماندند بلکه از وقایع و وقایع نگاری به عنوان داده‌های تاریخی برای بررسی و تجزیه تحلیل تاریخی و ارتقا تاریخ نگاری استفاده کرده‌اند و در این میان نقش مورخ برجسته‌تر گردیده است.

در واقع انتظارات جامعه از تاریخ و مورخ بیشتر شده است و وظیفه تجزیه و تحلیل و ریشه یابی و پی بردن به کنه وقایع و حوادث بر عهده مورخ گذاشته شده است. مورخ با جمع آوری داده و پالایش و صافی نمودن داده‌ها و گفته‌ها درصدد ریشه یابی قضایا و روشن نمودن واقعیت‌ها و حقایق بر می‌آید. در این جاست که هم ماهیت عدالت خواهانه مورخ و تاریخ نمایان می‌گردد و هم جنبه تجربه آموزی و آگاهی به پیشینه تاریخی ملل و جوامع گوناگون به عهده مورخ گذاشته می‌شود.

مورخ است که می‌تواند علی رغم موانع و هیاهو و تبلیغات زورمداران حقیقت امر را به مردم برساند و آنها را آگاه سازد و باعث تجربه آموزی آنها شود و سره را از ناسره مجزا سازد و به قول استاد باستانی پاریزی تاریخ را از تاریخ شاهان و زورمداران به تاریخ همه مردم و زندگی‌شان تبدیل کند و ماندگار سازد.

/ چارچوب تاریخ نگاری /

تاریخ همانند دیگر زمینه‌های علمی چارچوب خاص خود را دارد که به طور کلی می‌توان آن را بر چهار عنصر یا پایه قرار داد:

۱. شناخت (معرفت) ۲. حوادث مهم یا قابل توجه و تأثیر گذار ۳. ظرف زمان که همان گذشته است ۴. وجود انسان و جوامع انسانی.

پس برای تاریخ نویسی هم شناخت لازم است هم زمان هم حادثه مهم و هم وجود انسان. چون تاریخ در جهت شناخت است و چارچوب و نظم خاص خود را دارد به تاریخ علمی یا بررسی علمی مشهور گشته است.

وجه اول تاریخ شناخت یا همان علم است. لازمه تاریخ هم انسان است و اگر انسان موجودیتی نداشته باشد تاریخ معنا پیدا نخواهد کرد و دیگر موضوعات هم حالت تابعی نسبت به انسان دارند.

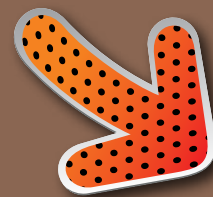
تاریخ به مسائل مهم می‌پردازد البته این مهم بودن برای افراد و جامعه‌های گوناگون متفاوت است برای یک فرد با یک بینش یا یک جامعه حادثه‌ای مهم است که ممکن است برای فرد یا جامعه دیگری مهم نباشد و به آن نپردازد.

بنابر این باید اول امری رخ بدهد (تاریخ) بعد شاهدان عینی یا وقایع نگاران آن را بیان کنند (واقعه نگاری) بعد کسانی با استفاده از داده‌های ارائه شده توسط وقایع نگاران (بعد از طی روند حذف و انتخاب)، آن را بررسی و تجزیه و تحلیل نمایند (مورخ) که اگر بخواهیم به ترتیب وقوع نام ببریم ۱. تاریخ ۲. وقایع نگاری و ۳. مورخ جای دارند.

می‌توان گفت تاریخ نگار باید رویکردی علمی به حوادث و وقایع داشته باشد و دارای دانش تاریخی و آشنا به اصول تاریخ نویسی و نقد تاریخی هم باشد و داده‌های تاریخی را مورد بررسی قرار داده و بر اساس آگاهی علمی از تاریخ و بررسی تاریخی و تجزیه و تحلیل علمی به تاریخ نویسی بپردازد. یعنی در مورد کار خود حرفه‌ای باشد و با اندیشه و تامل و تفکر با پیروی از اصول علمی مسائل را توصیف کند و نظم منطقی میان رویدادها را دریابد و به کنه و ریشه و علل حوادث بپردازد و فقط راوی صرف حوادث و وقایع خام نباشد بلکه رابطه علت و معلولی و منطقی بین حوادث را دریابد.

/ خلاصه این که /

- تاریخ نگار داده‌های وقایع نگاران و اسناد را بعد از حذف و انتخاب مورد استفاده قرار می‌دهد.
- تاریخ نگار وقایعی را مورد توجه قرار می‌دهد که سرنوشت ساز بوده و مسیر زندگی انسان‌ها را دگرگون ساخته‌اند.



تاریخ، تاریخ نگاری، نقد تاریخی و وقایع نگاری

- گذشته بار دیگر در دسترس قرار نمی گیرد اما امکان باز نمایی تاریخی و واکاوی آن وجود دارد.
 - تاریخ از دریچه حال به گذشته نظر افکندن است، البته گذشته با حال در آمیخته است و رویدادهای گذشته سرنوشت حال را رقم زده اند.
 - از نظر تاریخ نگاری معاصر نباید فقط شرح حال قهرمانان باشد بلکه زندگی افراد جامعه نیز باید مورد توجه قرار گیرد.
 - تاریخ نگاری کاری تفسیری است که حقایق و واقعیات را به وسیله این تفاسیر و شرح ها در دسترس مردم قرار می گیرد.
 - وظیفه تاریخ نگاری معاصر آشکار کردن و نشان دادن نیروهای اجتماعی است که در زمان رویداد نقش آفرینی داشته اند و با همدیگر در کنش و واکنش بوده اند، همچنین علت هایی که به وسیله نیروهای مختلف در حاکمیت آن زمان نهفته مانده اند و به بوته فراموشی سپرده شده اند، باید بازگویی و بازنمایی شوند و بیان شود.
 - تاریخ نوعی روایت پردازی است و حاصل فهم مورخ از رویدادهای گذشته است و این فهم تاریخی چون امری ذهنی است بدون تاثیر از شخصیت مورخ نخواهد بود. هرچه پیش داورى ها و تعصبات در بررسی های تاریخ کم باشد تاریخ ارزشمندتر و به واقعیت نزدیک تر خواهد بود.
- بسته به ماهیت و مختصات فکری تاریخ نگاران، یک رویداد تاریخی مشخص ممکن است تفسیر و روایات مختلفی یابد، یعنی تاریخ نویسی همگون و یک نواخت نیست. در هر حال نباید قدرت مداران یا حاکمان به تاریخ نویسان امر و نهی کنند که چگونه بنویسند و چگونه تفسیر و تعبیر کنند و یا در جهت تحکیم قدرت خود از آن ها استفاده کنند که البته برخی تاریخ نویسی ها و توسط حاکمان و به فرمان آنان صورت می گرفته. یکی از موانع تاریخ نگاری صحیح همین تلاش قدرتمندان برای کتمان حقایق تاریخی و کنترل نگارش تاریخ به نفع قدرت خود است.



/ تاریخ نگاری سنتی /

این نگارش که کاملاً منسوخ نشده مربوط به دوران پیش از تاریخ نگاری معاصر است و بیشتر به ثبت و ضبط وقایع حکومتی، سرگذشت شاهان و شاهزاده و ... - محافل رسمی حکومتی - وقایع نظامی و جنگی و حاکمان در رده های مختلف می پردازد و همچنین بر شرح حال قهرمانان تکیه دارد و کمتر به نقش و زندگی افراد جامعه و مسائل روزمره مردم و زندگی شان می پردازد. تاریخ نویس سنتی محلی هم که به حاکمان و خاندان های محلی و جنگ ها و رویدادهایشان می پردازد و چون رعایت اسلوب علمی تاریخ نگاری و راهکارهای آن را ندارد، بیشتر به بررسی انتزاعی رویدادها می پردازد و رویدادها را در ارتباط متقابل با روند کلی جامعه و اوضاع بین المللی بررسی نمی کند. تاریخ، علم بررسی رویداد های جامعه است و تاریخ نویسی سنتی در بررسی و روایت انتزاعی نمی تواند جامع و همه جانبه باشد و از درک کنه رویدادها

و ریشه یابی علل آنها عاجز است. در زیر پوست هر جامعه عوامل تاثیر گذار و کنش گرهای مختلفی وجود دارد که برآیند آن ها منجر به یک رویداد تاریخی می شود، تاریخ نگاری سنتی از تجزیه. تحلیل این عوامل غافل است و نگاه آن به روابط علت و معلولی کافی و همه جانبه نیست و نمی تواند به ریشه رویدادها نقب بزند و کندوکاو کند. به بیان واضح تر می توان گفت که در تاریخ نگاری سنتی شاهان و حاکمان و صاحبان زور و زر همانند بقیه امور تاریخ و تاریخ نگاری را غصب و مصادره کرده اند که به زندگی و وضعیت مردم و جریان های موجود در جامعه کمتر پرداخته شود. در سطح بین المللی، رنسانس و به تبع آن در ایران مشروطیت مبدا تاریخ نویسی معاصر به شمار می رود گرچه پیش از آن هم طلیعه هایی از تاریخ نویسی معاصر وجود داشته است.

/ نقد تاریخی /

نقد تاریخی مقوله دیگری است که ضمن ارزیابی نقاط قوت و ضعف یک اثر تاریخی مکتوب آن را بررسی می کند و میزان مطابقت و رعایت موازین و اصول بررسی علمی - تاریخی را مورد بررسی و تحقیق قرار می دهد و کنکاش می کند که آیا یک اثر به درستی و با رعایت اصول علمی به تجزیه و تحلیل پرداخته است یا نه؟

/ وقایع نگاری /

وقایع نگاری در واقع ثبت رویداد های تاریخی به وسیله مشاهدات عینی است. "مشاهده عینی" مزیت آن است زیرا بر همه چیز اشراف دارد و به قولی "شنیدن کی بود مانند دیدن". وقایع نگار می تواند تاریخ نگار نباشد، رویکرد علمی به حوادث نداشته باشد و از اصول و اسلوب تاریخ نویسی هم بی بهره باشد. اما مسائل فوق الذکر به این معنی نیست که اهمیت وقایع نگاری کم است و یا اینکه نقش مهمی ندارد بلکه تفاوت در زمینه کاری آن هاست. بر اساس همین داده های وقایع نگاران است که مورخ به بررسی تاریخی می پردازد، اولین قدم در راه تکامل تاریخ نویسی همین استفاده از کار وقایع نگاران (داده های تاریخی شان) و مشاهدات و وصف آن ها از رویدادهایی است که شاهد آن بوده اند.

مسئله دیگری که باید به آن پردازیم اطلاعات و روایات شفاهی بزرگان و مطلعان و کهن مردان و کهن زنان از رویدادهای گذشته است که به خصوص در زمینه تاریخ نگاری محلی ارزش به سزایی دارند زیرا وقایع و رویدادهای محلی کمتر مورد توجه قرار گرفته اند و به علل مختلف آثار مکتوب کمی از آن ها به جامانده است و بیشتر روایات شفاهی است که جمع آوری آن ها همت و زحمت زیادی را می طلبد که در چند دهه اخیر عده ای به آن همت گماشته اند. رنج و زحمتهای آن ها بسیار قابل ستایش است زیرا برخی رویدادها کمتر مکتوب بوده و در سینه آگاهان و بزرگان محفوظ و مضبوط بوده و هر آن امکان به خاک سپرده شدن این اطلاعات وجود دارد. این عزیزان نویسنده همت گماشتند و رویدادها را که شفاها نزد شاهدان عینی رویدادها بوده یا اینکه از مطلعان دیگر شنیده بودند جمع آوری نموده و به شکل مکتوب در آوردند. این خود کاری بسیار با ارزش و ستودنی است. می توان گفت ما در مرحله جمع آوری و ثبت و مکتوب نمودن رویدادهای گذشته ایم و راه برای تاریخ نگاری علمی آماده شده است که امید است که تاریخ نگاران آینده با استفاده از این داده ها بتوانند به بررسی علمی رویدادها و تاریخ نگاری علمی بپردازند.

اما برخی آثار رویکرد کافی تاریخ نگاری علمی را ندارند و دچار بررسی انتزاعی اند و به ارتباط منطقی بین رویدادها و روند کلی جامعه و جهان بی توجه اند و همانند تاریخ نگاری سنتی از نقد و ارزشیابی و سنجش و تحقیق و تجزیه و تحلیل رویدادها بی بهره اند و به زندگی مردم و نقش شان نمی پردازند و آثارشان پیرامون رویدادهای نظامی - جنگی، سرگذشت حاکمان، کلانتران محلی، قدرتمندان حکومتی و محلی، جنگ ها و رقابت هایشان دور می زند و از استدلال و استقرا هم خبری نیست. اما در هر صورت ما مدیون زحمات و تلاش های بیکران این نویسندگان هستیم و آثارشان سنگ پایه ای است برای بررسی های علمی آینده که توسط ما و یا آیندگان انجام شود و در این راه گام بردارند. در واقع این عزیزان خوان نعمتی فراوان تدارک دیده اند که نسل حال و نسل های آینده هر یک به نوعی از آن بهره ببرند و هر گوشه ای از آن را که بخواهند و بتوانند بررسی علمی نمایند.

همین خود بزرگترین ارزش کارشان است و برای ماندگاری نام و زحمت شان کافی است، بنگریم که دیگر رهروان چه تدبیر کنند و چه نقشی و اثری بیافرینند تا تاریخ نگاری سنتی را به سوی رویکرد تاریخ نگاری نوین و علمی سوق دهند.

پشت پرده خطرناک ترین پروژه فرهنگی غرب

آیا از خطرناک ترین پروژه فرهنگی غرب اطلاع دارید؟
از دین نوین جهانی چه می دانید؟

مبانی آنچه در این نوشتار دین نوین جهانی نامیده می شود را باید در سال های اولیه قرن بیستم جستجو کرد. زمانی که انجمن تئوسوفی و جریان عصر جدید (New Age Movement) برای بازسازی ساختار معنوی و دینی جوامع مختلف بر اساس آموزه های پیشامسیحی کابالستی و تئوسوفیستی نظریات متنوعی ارائه نمودند. با این حال این جریان تا دهه اول قرن بیست و یکم به یک فرهنگ و ایده عمومی تبدیل نشد و در کتاب ها و محافل خاص باقی ماند. اوج این عمومیت و فراگیری را در عرصه رسانه ای باید فیلم آواتار به شمار آورد که کاملاً برگرفته از این آموزه های پیشامسیحی است و اقبال فراگیر جهانی از آن می تواند محکی برای آغاز زمان ارائه عمومی مبانی این دین نوین جهانی دانست.

در این گزارش، به بررسی پروژه رسانه ای خواهیم پرداخت که بر اساس مدل پلکانی مدیریت پیام تنظیم شده است و هدف نهایی آن تمهید شرایط لازم برای ظهور «دین نوین جهانی» است. در ادامه نیز فیلم سینمایی آواتار محصول ۲۰۰۹ آمریکا از این منظر مورد بررسی قرار می گیرد.

پروژه دین نوین جهانی چیست؟

دین نوین جهانی را باید بخشی از پروژه نظم نوین جهانی و برگرفته از آموزه های پساساختارگرانه ای متفکران و استراتژیست های پست مدرن غرب دانست. این ایده که تحت عناوینی چون دین واحد جهانی و سازمان ادیان متحد در حال رشد است، بسیار نو پا بوده و در واقع به بازار داغ فرهنگی سال های آینده تعلق دارد. هرچند که همانطور که توضیح داده شد ریشه های آن در اوایل قرن بیستم قابل شناسایی است. پیش بینی می شود با تمهیدهای رسانه ای تدارک شده در سال های آتی جریان فرهنگی مرتبط با این ایده به سرعت گسترش یابد و محصولات متنوع تصویری و مکتوب مرتبط با آن به بازارهای فرهنگی سراسر دنیا سرازیر شود.

تئوری دین نوین جهانی از پیچیدگی قابل توجهی برخوردار است که تشخیص آن و اتخاذ تدبیر مناسب در برابر آن را مشکل می سازد. پروژه دین نوین جهانی برخلاف آنچه که شاید از عنوان آن به ذهن متبادر شود به دنبال از میان بردن تمام ادیان و معرفی یک دین جدید و واحد جهانی نیست. با این حال مکانیسم پروژه دین نوین جهانی به نحوی است که سبب می شود اصول عقاید و آموزه های متافیزیکی مشترکی مورد پذیرش پیروان تمام ادیان قرار گیرد و پیروان تمامی ادیان و حتی افراد لائیک و غیر دینی همگی زندگی خود را بر اساس این آموزه ها تنظیم نمایند. به این ترتیب در عین حال که در ظاهر هیچ یک از ادیان مورد تعرض قرار نگرفته است، آموزه های عقیدتی مشترکی در مناطق مختلف فرهنگی و مذهبی زمین حاکم خواهد شد. تحقق این هدف، از پیش نیازهای غیر قابل چشم پوشی آن چیزی است که نظم نوین جهانی نامیده می شود.

دین نوین جهانی را بهتر است الهیات طبیعی بنامیم. رصد فعالیت هایی که تا کنون در چارچوب پروژه دین نوین جهانی انجام شده است، برخی از باورهای اعتقادی این آئین را برای ما آشکار می سازد. اگر شما کسی باشید که در زمان استقرار دین نوین جهانی زندگی می کنید، صرف نظر از اینکه اسماً مسلمان باشید یا مسیحی یا سیک و یا بودیست، به چند گزاره باور عمیق خواهید داشت:

- جهان یک مجموعه واحد و هماهنگ است و من جزئی از این مجموعه هستم.
- یک روح مقدس در همه اجزا جهان جریان دارد.
- اجزای جهان اعم از درختان، دریاها و خشکی ها، حیوانات و عناصر گوناگون روح مقدس جهان را در خود دارند و تعادل خود را از آن روح کسب می کنند.
- به دیگر عبارت روح مقدس ساری در اجزا جهان، تعادل و هماهنگی جهان را تضمین می کند.

- روح مقدس جهان در وجود تک تک انسان ها نیز حضور دارد.
- روح مقدس جهان وجود مشخص ندارد. او شعور مطلق است که در جهان جاری است. او نمی شنود و متأثر نمی شود. نقش او ایجاد تعادل است. چه



درخواستی باشد و چه نباشد تعادل انجام می‌شود. عشق و نفرت که از مظاهر تأثر است در او راه ندارد. آنچه مهم است تعادل است.

● روح مقدس آهنگ هستی را می‌نوازد و حرکت اجزا جهان اعم از همه جانداران، رقص و توافقی متناسب با آهنگ نواخته شده از سوی اوست.

● راز سعادت انسان هماهنگ شدن با ملودی طبیعت ذی شعور است. شناخت طبیعت و همراه شدن با آن کلید خوشبختی است. انسان در صورت هماهنگی با طبیعت و نظم موسیقایی جهان پس از مرگ نزد روح مقدس باز می‌گردد، چرا که جان او ودیعه‌ای از جانب اوست. جان رفته، در چرخه تکرار شونده هستی در کالبدی جدید به جهان و طبیعت باز می‌گردد. این چرخه همواره ادامه دارد. حیات در پس حیات است و جاودانگی حق مسلم همه است.

● روح مقدس تعادل را تضمین می‌کند. گاهی برای تعادل لازم است روح مقدس متشخص شود و در کالبدی طبیعی حلول کند تا با آموزش دیگر انسان‌ها ضامن بقا تعادل در جهان باشد.

● هر انسانی روح مقدس را تنها باید در وجود خود جستجو کند. بیرون از او راهی به سوی شنیدن ملودی جهان نیست. روح مقدس حلول یافته در انسان‌های خاص نیز جز آنکه انسان‌های دیگر را متوجه درون خود کند وظیفه‌ای ندارد. همه از درون موسیقی جهان را می‌شنوند و باید با آن به رقص در آیند تا بازگشتشان به جهان و طبیعت تضمین شود. این چرخه بخشی از تعادل است. ● هماهنگی و تعادل با طبیعت سلامت کالبد را به همراه دارد. نوید به فرادرمانی، انرژی درمانی، خوددرمانی و سلامت جسم و کالبد نیز از آموزه‌های این دین نوین جهانی است.

همانطور که ملاحظه می‌شود این آموزه‌ها بر پایه مفاهیم بنیادین روح مقدس، تعادل، تناسخ، دریافت درونی موسیقی هستی، ستایش و هماهنگی با طبیعت و در نهایت مفهوم تجسد (حلول روح مقدس در کالبد طبیعی) استوار گشته است. توضیح بیشتر مضامین و آموزه‌های دین نوین جهانی و ارتباط آنها با میراث قبائل، سَمَنیسم بومیان آمریکا، هندوئیسم و بودیسم نیازمند مجال جداگانه‌ای است. آنچه اکنون در اینجا مهم و مد نظر است، ابتدای این دین نوین بر پایه هماهنگی با طبیعت، پذیرش تناسخ، باور به تعادل موسیقایی هستی در قالب چرخه‌های حیات و در نهایت پذیرش تجسد و به عبارت دیگر آواتاریسم می‌باشد.

■ پروژه دین نوین جهانی در خدمت منافع چه کسانی است؟

سازمان ادیان متحد به ابتکار بنیانگذاران آمریکایی‌اش راه اندازی شد و ششیداً مورد حمایت دولت ایالات متحده و همچنین سازمان ملل متحد می‌باشد. کتاب‌ها، فیلم‌های سینمایی، برنامه‌های تلویزیونی و وبگاه‌هایی که این ایده را دنبال می‌کنند به نحو متمرکزی از ایالات متحده کنترل می‌شوند.

شورای روابط خارجی، مهمترین و تأثیرگذارترین مؤسسه مطالعاتی در تعیین سیاست خارجی ایالات متحده در قبال کشورها و مناطق مختلف است. این مؤسسه که به شدت مورد اعتماد کاخ سفید و کنگره می‌باشد، پروژه‌های تحقیقاتی متعددی را در خصوص مسأله ادیان در خاورمیانه و دیگر نقاط جهان، به انجام رسانده است.

رضا اصلان که در چند رشته مرتبط با دین شناسی و مطالعات ادیان دارای مدرک دکتراست از جمله نظریه پردازان درجه اول دین نوین جهانی به شمار می‌آید.

بسیاری از اعضای برجسته وزارت خارجه، وزارت دفاع و بسیاری از نمایندگان کنگره در کنار پژوهشگرانی با نژادهای مختلف از کشورهای ویژه عضو این شورا هستند. رضا اصلان و ولی نصر دو پژوهشگر ایرانی عضو این شورا هستند. رضا اصلان که در چند رشته مرتبط با دین شناسی و مطالعات ادیان دارای مدرک دکتراست از جمله نظریه پردازان درجه اول دین نوین جهانی به شمار می‌آید.

انجام پژوهش‌های مربوط به دین نوین جهانی در مهمترین و راهبردی‌ترین مرکز مطالعات آمریکا، نشان می‌دهد این پروژه برای دولتمردان و سیاستمداران پنهان و آشکار ایالات متحده از اهمیت عملیاتی خاصی برخوردار است و با جدیت آن را دنبال می‌کنند. فیلم‌های درجه اول سینمای هالیوود نیز از سال ۲۰۰۰ به این سو، به طور سامان یافته و گسترده‌ای تمهید رسانه‌ای جهت باور به مؤلفه‌های دین

نوین جهانی را فراهم نموده است. در ادامه این گفتار به نحو تفصیلی‌تری به بخش رسانه‌ای پروژه دین نوین جهانی پرداخته خواهد شد.

می‌توان گفت مهمترین مانع در تحقق طرح‌های نظم نوین جهانی بویژه در منطقه خاورمیانه، مسأله دین و باورهای مذهبی است. تلاش‌های چند صدساله کانون‌های انگلوساکسون از زمان استعمار کهن انگلیس تا کنون، اکنون در پروژه دین نوین جهانی به زعم این کانون‌ها در آستانه ثمر دهی قرار دارد. کانون‌های اسلامی خاورمیانه به دلیل ارائه ساختارهای اجتماعی برای پیروان اسلام، که تبلور کامل آن در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران خود را نشان می‌دهد، مانع اصلی تحقق طرح‌های کلان اقتصادی و سیاسی در قالب برنامه‌های نظم نوین جهانی است. پروژه دین نوین جهانی که قلب ماهیت کانون‌های اسلامی خاورمیانه در عین حفظ ظاهر و پوشش آنها را هدف خود قرار داده است می‌تواند این مانع بزرگ در راه تحقق اهداف کانون‌های سرمایه دار انگلوساکسون را از میان بردارد.

■ سینمای آمریکا چه نقشی در اجرای پروژه دین نوین جهانی دارد؟

مفاهیم تعادل طبیعی، مراقبه و هماهنگی، کشف خدای درون، تناسخ، آواتاریسم (تجسد روح مقدس) و بسیاری از دیگر مفاهیم مرتبط با آموزه‌های دین نوین جهانی در طول دهه اخیر به شکل سامان یافته و وسیعی در فیلم‌های هالیوودی مورد پرداخت و تأکید قرار گرفته است. جدیدترین تولید هالیوودی که در راستای بخش رسانه‌ای پروژه دین نوین جهانی ساخته شده است، سینمایی (۲۰۰۹) AVATAR تازه‌ترین شاخص رسانه‌ای این پروژه است که باید نقطه عطفی در این خصوص به شمار آید.

به طور کلی هالیوود از سال ۲۰۰۰ به این سو در دو فاز متعاقب، این پروژه را دنبال می‌کند. فاز نخست که باید آن را از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ دانست دوره تثبیت مفاهیم بنیادین مورد نیاز در پروژه دین نوین جهانی است. همانطور که مستند و مستدل خواهد شد، مفاهیمی چون تعادل طبیعی، تناسخ و تجسد با به کارگیری مدل پلکانی مدیریت پیام، اکنون به مفاهیمی آشنا و مأنوس برای طیف وسیع مخاطبان جهانی هالیوود تبدیل شده اند. اکنون و پس از تثبیت این مفاهیم در جان و ذهن مخاطبان، زمان استفاده عملیاتی از این مفاهیم و معرفی نظام فکری معنوی است که بر پایه این مفاهیم بنیان نهاده شده است. فیلم سینمایی (۲۰۰۹) AVATAR و (۲۰۱۰) THE BOOK OF ELI نخستین

نشانه‌های دین نوین جهانی در هالیوود به شمار می‌آیند.

در بخش دیگری مستندات مربوط به این دو دوره در سینمای آمریکا ارائه خواهد شد؛ در اینجا به طور اجمال به این نکته می‌توان اشاره کرد که فیلم سینمایی (۲۰۰۹) AVATAR و (۲۰۱۰) THE BOOK OF ELI نخستین نشانه‌های این فصل جدید به شمار می‌آیند. فیلم کتاب الی نیازمند تحلیل مستقلاً است که به زودی انجام خواهد شد. جالب اینکه کمتر از یک ماه پس از اکران آواتار، فیلم جدید شیمالیان کارگردان آمریکایی هندی تبار که مشخصاً روی بحث‌های معنویت نوین تمرکز دارد با نام THE LAST AIRBENDER که به مسأله آواتاریسم می‌پردازد، اکران خواهد شد. انیمیشن آخرین الهه هوا نیز به صورت یک مجموعه تلویزیونی در سال گذشته وارد بازار شد.

■ آواتار به چه فرا می‌خواند؟

فیلم آواتار در این میان یک شاخص است و بدنه این جریان طیف وسیعی از تولیدات و محصولات رسانه‌ای را شامل می‌شود که متأسفانه برخی رسانه‌های داخلی ناخواسته گرفتار مشارکت در مدل پیچیده دین‌زدایی و دین‌ستیزی شده اند که در حال حاضر فعال می‌باشد. این مسأله در حوزه تبلیغ و ترویج آموزه‌های دینی اهمیت مضاعفی می‌یابد چرا که به همان اندازه که ترویج آموزه‌های دینی می‌تواند با مدیریتی درایت محور و هوشمندانه، ابتکار عمل را در مواجهه با این جریان به دست گیرد، کاستی و ناکارآمدی آن می‌تواند پاشنه آشیل جریان سازی فرهنگی در این مسأله باشد. قدم آغازین در حرکت فرهنگی قوام‌مند و استوار و به کار گیری شیوه‌های هوشمندانه جنگ نرم، ترسیمی درست و فراگیر از مختصات فرهنگی است که در حال حاضر در آن قرار داریم.



هنر قفل سازی

در هنرها و فنون سنتی ایران، باورهای مردم با هنر پیوند خورده است. قفل برای ایرانی‌ها، چیزی بیشتر از یک ابزار بوده است و برایشان گره و گشایش را تداعی می‌کرده؛ نمونه‌اش قفل‌هایی که برای بستن دخیل از آنها استفاده می‌کرده‌اند یا می‌کنند.

نوشتن آیه‌های قرآن، اشعار، اوراد و علائم و حروف و نشانه‌های طلسم‌گونه یا ساختن قفل در اشکال حیوانی نشان‌دهنده اهمیت فراکاربردی قفل است. قفل‌ها بسته به محل کاربریشان، مثل امامزاده‌ها و مساجد برای نذورات علائم هم متفاوت بوده‌اند.

استاد عبدالله (عبدالوهاب) ریاحی اولین سازنده این نوع قفل‌ها بوده که بیش از ۹۰ سال پیش فوت کرده است. استاد ریاحی در سفری که به مکه معظمه داشته به مدت یک سال در آنجا اقامت گزیده و طی این مدت به قفل‌سازی پرداخته منجمله قفلی جهت درب کعبه ساخته که هنوز به یادگار باقی مانده است.

از جمله قفل‌های ساخت استاد نیکزاد هم قفلی با وزن یک کیلو و ۲۸۰ گرم از طلاست که در موزه حضرت رضا (علیه السلام) نگهداری می‌شود و کم‌وزن‌ترین قفل جهان به وزن ۱/۵ گرم با ۲ قطعه که در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود. بعد از استاد ریاحی، احمد نیکزاد چالشتی در این رشته به نیکویی درخشید وی با ساخت قفل‌هایی با طراحی جدید تحولی در این فن ایجاد نمود.

نمونه‌هایی از آثار استاد نیکزاد در موزه‌های دنیا چون موزه لندن، لوور، هامبورگ، شیکاگو و غیره موجود است. استاد در خرداد ماه ۱۳۶۷ دار فانی را به درود گفت. ادامه کار آقای نیکزاد توسط پسران وی (عبدالله - یادالله هومان و نریمان) پیگیری می‌شود که یادالله نیکزاد از همه علاقه‌مندتر است استاد یادالله نیکزاد به سال ۱۳۳۲ در چالشتی متولد شده و مراحل قفل‌سازی را نزد پدر فرا گرفته از جمله قفل‌های ساخت وی دو قفل بسیار ظریف که هر کدام با حدود ۳۰ قطعه وزنی معادل ۴ گرم دارد ضمناً قفلی با همان قطعات به وزن ۵ کیلوگرم ساخته که نشان از مهارت او دارد. وی علاوه بر کار قفل‌سازی به هنر فرش بافی و طراحی نقشه نیز اهتمام می‌ورزد.

قفل‌سازی، یکی از صنایع بسیار مهم ما در گذشته بوده است که به صورت اشکال حیوانی و انسانی ساخته می‌شد. قفل‌های ایرانی به لحاظ فنی شامل دو نوع است:

الف: قفل‌های ثابت در مثل کلون دان، کلون و قفل پخش شو.
ب: قفل‌های فلزی مثل قفل فتری با کلید پیچی، قفل فتری با کلید فشاری، قفل لوله با کلید پیچی و قفل رمز (بی کلید).

در کتاب *قفل‌های ایران*، نوشته پرویز تناولی، قفل‌ها به دو دسته تصویری و هندسی تقسیم شده‌اند. قفل‌ها در گذشته تنها کاربرد ایمنی نداشتند و کاربرد آیینی و دینی هم داشتند. چنانچه زیباترین قفل‌ها آنهایی بودند که برای ضریح ساخته می‌شده‌اند.

قفل‌سازی از دوره ساسانی در ایران رواج داشته است، هر چند قفل‌هایی که ملهم از اشکال حیوانی هستند، مربوط به قرون چهارم تا نهم هجری می‌باشند. ما جنبه آیینی قفل‌ها را در دوره ساسانی نمی‌بینیم. این جنبه‌ها بعد از اسلام و خصوصاً در دوره صفویه به اوج می‌رسد ظهور قفل‌های فولادی در دوره صفویه تحولی عظیم را در صنعت قفل‌سازی به وجود آورد. این هنر در دوران صفویه و توسط استاد "صنایع الصنایع" به جهانیان معرفی شد و به شهرهای مختلف گسترش یافت.

برای قفل‌سازی از انواع ابزار و وسایل فلز کاری استفاده می‌شود. مواد اولیه مورد استفاده در ساخت قفل‌ها فولاد، آهن و الیاف‌های آن می‌باشد. برای ساخت قفل ابتدا ورق و مقول آهنی یا فولادی را در ضخامت‌های مختلف آماده می‌کنند.

سپس متناسب با طرح محفظه و اجزای داخلی قفل مواد اولیه را برش می‌زنند و قوطی یا محفظه قفل را پس از خم کاری ورقه برش خورده، لچیم و درز گیری کرده و قطعات داخلی قفل را سوهان کاری می‌کنند و متناسب با نوع قفل بدنه اصلی را سوراخکاری و قطعات مختلف شامل دسته فنر و تیغه را به هم پرچ می‌کنند. و آن را اسید کاری کرده و پرداخت نهایی روی آن انجام می‌شود.



نمونه هایی از قفل های تزئینی و نمادین

قفل هایی به شکل پیکره آهو که در پرده های مصیبت، همیشه نماد مظلومیت و بی گناهی بوده است و به همین دلیل نیز در نمایش صحنه های جنگ امام حسین و واقعه عاشورا همواره مظلومیت و بی گناهی این حیوان دیده می شود. این تصویر همچنین بیانگر نمادهای دیگری چون اندام زیبا، خوراک لذیذ، ظرافت و وقار است و در سنت های عربی و عبری نماد بی گناهی، زیبایی، کم رویی به شمار می آید.

نقش دیگری که در هنر قفل سازی دیده می شود نماد ظاهری اسب می باشد که در باورهای هنری نماد اسب همچون نماد خورشید، مرگ، شجاعت، قدرت و سرعت تجلی می یابد. نقش این حیوان در هنر قرون وسطی به شکل نماد جنگ، فتح، قحطی و مرگ دیده می شود.

از نمادهای دیگر که به این حیوان نسبت داده می شود، نجابت خانوادگی، آزادی، انرژی خورشیدی، حرکت، خیرخواهی، دانش، هوش، لجاجت، فهمیدگی و سرسختی است. که هنرمندان این خصوصیات را با استفاده از نقش و تندیس اسب در آثار خود به ظهور می رسانند.

نماد دیگر به کار گرفته شده در هنر فلز کاری که شاید پیشینه ای دورتر و قدیمی تر از نقوش دیگر داشته باشد نمادی از گاو است.

گاو در باورهای قومی و اساطیری نماد نجابت خانوادگی، بزرگواری، دلیری، شجاعت، و علو طبع و مبین ارزش های مادی است که در اسطوره های کشورهای مختلف نقش نیروی زاد و ولد و حیوان قربانی را نیز یافته است.

از خصوصیات دیگر این حیوان در نمادگرایی می توان به قدرت، آفرینش، حاصلخیزی، حیات، تحمل و رنج، قدرت زندگی، کشاورزی، گرما و روشنایی اشاره کرد.

جدایی از موارد فوق نمونه ی دیگری که می توان به آن اشاره کرد، نماد بز کوهی است که تصویر او معرف حیوان مورد توجه در فرهنگ ایران است.

اقوام باستانی بز کوهی را مظهر یکی از عوامل طبیعی سودبخش می دانستند. به عنوان مثال در لرستان این حیوان خورشید یا وابسته به خورشید بود و گاهی نیز نقش فرشته بالدار را تداعی می کرد.

علاوه بر این به دلیل اعتقاد مردم باستان بر رابطه کره ماه با نزول باران و ارتباط خورشید با خشکی و گرما شاخ های خمیده بز کوهی با هلال ماه ارتباطی تنگاتنگ داشت و شاخ های پریچ و خم او در نزول باران مؤثر بود.

بز کوهی در شوش و ایلام نیز مظهر فراوانی و رب النوع روئیدی ها و در اعتقادات مردم سومر نمایان گر خصیصه حیوانی خدای بزرگ به شمار می آمد چلیپا نیز از دیگر نمادهایی است که در هنر مردم سرزمین های مختلف جایگاه به سزایی داشته است.

نقش چلیپا یا گردونه خورشید در میان اقوام گوناگون وجود دارد و نمونه های آن در تمدن ایران و هند باستان نیز دیده می شود.

این نقش گویا همان مهری بوده که بر پیشانی ها، دست و سینه مهربدینان داغ می شده تا نشانی از اعتقادات آن ها باشد. علاوه بر این نقش چلیپا نشان دهنده چهار گوشه زمین و نماد (هو آشتی) یا آشتی بزرگ یا همان (صلح اکبر) است که برادری و یگانگی را میان همه جهانیان برقرار می کند.

تصویر چلیپای شکسته نیز، نماد نیک بختی در آیین هندو است. نقوشی از این نماد و صلیب شکسته در آیین هندو با صورت خورشید و نیز رب النوع گانشه از میان بردارنده موانع و راهگشا بوده است که تندیس آن را در تقاطع جاده ها قرار می دادند.



❑ ولادت

آیت الله علامه سید علی آقا قاضی طباطبایی تبریزی، فقیه، حکیم و عارف کم نظیر و بزرگ شیعه و اسلام، روز ۱۳ ذی حجه سال ۱۲۸۲ یا ۱۲۸۵ قمری در تبریز به دنیا آمد. پدرش آیت الله سید حسین قاضی طباطبایی از علمای معروف و همواره پناهگاه مردم و عاشقان اهل بیت بود.

❑ تحصیلات

پدرش، او را به مکتب خانه سپرد تا با آموختن قرآن مراحل رشد و ترقی را به خوبی بییماید. سید علی که از هوشی سرشار برخوردار بود، گوی سبقت را از دیگر هم کلاسی‌هایش می‌رباید و دروس مکتب خانه را به سرعت طی می‌کند؛ از طرف دیگر، پدرش او را با تکالیف الهی آشنا می‌سازد. سید علی پس از گذراندن مراحل اولیه، جهت سیراب کردن روح تشنه خود به حوزه علمیه تبریز روی می‌آورد و از محضر اساتید آن حوزه بهره‌ها می‌برد.

❑ استادان سید علی قاضی در تبریز

۱. میرزا موسی تبریزی؛ وی از شاگردان شیخ انصاری و سید حسین کوه کمره‌ای بوده و کتاب اوثق الوسائل که حاشیه بر رسائل شیخ انصاری است را به نگارش در آورده است.
۲. میرزا محمد علی قراچه داغی؛ وی در فقه و اصول تبحر داشته و در علوم تفسیر

از تألیفاتی برخوردار بوده است.

۳. پدر گرامی‌اش؛ ایشان به سبب علاقه و رغبت خاص، در زمینه علم تفسیر تبحر داشت؛ چنان چه سید علی آقا خود می‌گوید: تفسیر «کشاف» را در خدمت پدرش خوانده است.

۴. میرزا محمد تقی تبریزی، معروف به «حجة الاسلام» و متخلص به «نیر»؛ سید علی آقا ادبیات عرب و فارسی را پیش این شاعر نامدار یاد گرفته و اشعار زیادی از ایشان نقل کرده است.

❑ هجرت به نجف و استمداد از شاه نجف

روح سید علی که از دانش حوزه علمیه تبریز سیراب نشده بود به جانب حوزه کهن نجف اشرف تمایل پیدا می‌کند و وی با گروهی از اهالی تبریز به نجف اشرف مشرف می‌شود.

زمانی که سید علی آقا قاضی به شهر نجف می‌رسد، به حرم علوی مشرف شده و از آن حضرت برای رشد و شکوفایی کمک می‌خواهد و خود را به آن امام همام می‌سپارد تا راهی را که رضایت خداوند در آن است، به وی نشان دهد و همیشه در تمام مراحل زندگی همراهی‌اش نماید. این درخواست، مورد قبول امیر المومنین علیه‌السلام واقع شده و آن حضرت، راه سعادت و خوشبختی را به وی نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که از اساتید بزرگواری استفاده نموده و به درجات بالای علمی و معنوی نائل می‌شود.

زندگی‌نامه
و کرامات
سید علی قاضی
طباطبایی

I



استادان علامه قاضی در نجف اشرف

وی در نجف اشرف از محضر اساتید مبارز و زبده‌ای بهره مند شد؛ همانند آیات عظام:

۱. محمد کاظم خراسانی (آخوند خراسانی)؛ نویسنده کفایه الاصول.
۲. میرزا فتح الله شریعت اصفهانی (شیخ الشریعه)؛ این فقیه نام آور بعد از رحلت میرزای شیرازی، رهبری نهضت ضد انگلیسی را به عهده گرفت.
۳. میرزا حسین تهرانی؛ وی از علمای عارف بوده و در بین الطلوعین جمعه هنگامی که در مسجد سهله مشغول عبادت بود، به رحمت ایزدی پیوست.
۴. شیخ محمد حسن مامقانی؛ ایشان از اساتید برجسته و متبحر علم رجال، درایه، تراجم و نسب به شمار می‌آیند.
۵. سید محمد کاظم یزدی؛ یکی از آثار گرانبهای وی کتاب فقهی «عروه الوثقی» است.
۶. فاضل شریانی؛ وی در مکارم اخلاق و صفات پسندیده و دلسوزی به بینوایان، زیانزد مردم کربلا و نجف بود.
۷. شیخ محمد بهاری؛ معظم له از اوتاد شاگردان عارف نامدار، ملا حسینقلی همدانی محسوب می‌شود.
۸. سید احمد کربلایی؛ وی نیز از شاگردان ممتاز ملا حسینقلی همدانی به شمار می‌آید که در تهذیب نفس و عرفان، از کمالات والایی برخوردار بود. بیشترین استفاده عرفانی مرحوم قاضی، از این عارف بزرگ بوده است.

شاگردان علامه سید علی آقا قاضی

لامه قاضی شاگردان بسیار برجسته‌ای در عرفان و معنویت تربیت کرد که از جمله شاگردان وی عبارتند از:

۱. آیت الله شیخ محمد تقی آملی؛ وی یکی از علمای بزرگ حوزه علمیه تهران بود و خود می‌گوید که: «علوم ظاهری مرا غنی نکرد و عاقبت گمشده خود را در وجود سید علی قاضی طباطبایی یافتیم.»
- و آیت الله قاضی در خصوص وی می‌فرمود: «ایشان از جمله کسانی هستند که شرف دیدار با امام زمان علیه‌السلام را داشته است.
۲. علامه سید محمد حسین طباطبایی نویسنده تفسیر المیزان؛ شاید بتوان ادعا کرد، مهمترین و زبده‌ترین شاگرد مرحوم قاضی، علامه طباطبایی، فقیه، مفسر، فیلسوف و عارف بزرگ معاصر است.
- علامه حسن زاده آملی می‌نویسد: روزی به محضر مبارک آیت الله حاج شیخ محمد تقی آملی در تهران مشرف شدم و ایشان فرمودند: «در میان شاگردان مرحوم آقای قاضی، ایشان - یعنی استاد طباطبائی - و مرحوم سید احمد کربلایی کشمیری از همه بهتر بودند» (در ادامه علامه حسن زاده آملی می‌نویسد: این بنده به حضور استاد آملی عرض کرده است: آقا آیا این سید احمد کربلایی کشمیری همان سید احمد کربلایی معروف است؟ فرمود ایشان غیر از آن آقا بود. آن آقای سید احمد کربلایی را اصلاً ما ندیده‌ایم، که از شاگردان مرحوم

ملا حسینقلی همدانی، و از اساتید حاج سید علی قاضی بود، اما این آقا سید احمد کربلایی کشمیری است و از شاگردان مرحوم قاضی بود و جوان مرگ شده است.)

۳. سید محمد حسن الهی طباطبایی؛ برادر علامه طباطبایی
۴. محمد تقی بهجت؛
۵. سید یوسف حکیم؛
۶. سید محمد حسینی همدانی؛
۷. شهید محراب، سید عبدالحسین دستغیب شیرازی؛
۸. شیخ حسینعلی نجابت شیرازی؛
۹. سید محمد هادی میلانی.
۱۰. محمد رضا مظفر؛
۱۱. سید عبدالاعلی سبزواری؛
۱۲. میرزا علی غروی علیاری؛
۱۳. سید شهاب الدین مرعشی نجفی؛
۱۴. سید ابوالقاسم خوئی؛
۱۵. حاج شیخ ابوالفضل خوانساری؛
۱۶. شیخ عبدالحسین حجت انصاری؛
۱۷. شیخ محمد ابراهیم شریفی زابلی؛
۱۸. شیخ عباس قوچانی؛
۱۹. شیخ علی اکبر مرندی؛
۲۰. سید حسن مسقطی؛
۲۱. سید هاشم حداد؛
۲۲. سید عبدالکریم کشمیری؛

و ...

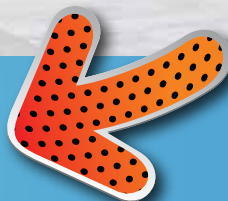
اجتهاد در ۲۷ سالگی

سید علی قاضی در فقه و اصول نیز مجتهد مسلم و برجسته بود و در سن ۲۷ سالگی به درجه اجتهاد رسیده بود.

تسلط بر لغت و شعر عرب، وی در لغت عرب نیز کم نظیر بود؛ به طوری که چهل هزار لغت عرب را از حفظ داشت و شعر عربی را چنان می‌سرود که عرب‌ها از تشخیص آن عاجز می‌ماندند و نمی‌فهمیدند که شعر، از یک شاعر عجم است. روزی در بین مذاکرات، آیت الله شیخ عبدالله مامقانی به ایشان می‌گوید: من آن قدر در لغت و شعر عرب تسلط دارم که اگر شخص غیر عرب، شعر عربی بگوید، تشخیص می‌دهم؛ گرچه آن شعر در اعلی درجه فصاحت و بلاغت باشد. آیت الله قاضی یکی از قصاید عربی را که سراینده‌اش عرب بود، شروع به خواندن کرد، و در بین آن چند بیت از اشعار خود را اضافه و سپس از آیت الله مامقانی پرسید: کدام یک از این‌ها را غیر عرب سروده است؟ و ایشان نتوانستند تشخیص دهند.



ایرانیان همراهان قدیمی اهلیت (علیهم السلام)



سلمان نخستین ایرانی بود که به پیامبر اسلام و دین مقدس آن ایمان آورد و در این راه آن قدر ابراز محبت و ارادت نسبت به پیامبر - صلی الله علیه و آله - نمود تا مدال افتخار «السلمان منا اهل البیت» را به خود اختصاص داد^۱ و گوی سبقت را در محبت به پیامبر و اهل بیتش از همه اعراب ربود، به طوری که مورد حسادت و غیبه آنها قرار گرفت. سلمان فارسی شخصیتی است که بارها پیامبر بزرگوار اسلام - صلی الله علیه و آله - و امیر مومنان علی(ع) و ائمه معصومین(ع) از او به بزرگی و عظمت یاد کرده‌اند.

روزی سلمان فارسی داخل مسجد شد و پیامبر - صلی الله علیه و آله - احترامش کرد، او را مقدم داشت و در بالای مجلس نشاند و از او با عظمت یاد کرد و وی را از خالصان مصطفی و آتش دانست و این کار مثل همیشه مورد اعتراض اعراب قرار گرفت. پیامبر بالای منبر رفت و در ضمن خطبه‌ای فرمودند: «... سلمان دریایی است که کم نمی‌شود و گنجی است که از بین نمی‌رود، سلمان از ما اهل بیت است که همواره حکمت و برهان از او می‌جوشد»^۲ حضرت علی(ع) بارها یار و غمخوار روزهای مظلومیت خود سلمان را ستوده است و اینها همه بخاطر ارادت و محبت سلمان فارسی به اهل بیت(ع) بود چون همان طور که سلمان به پیامبر - صلی الله علیه و آله - عشق می‌ورزید بعد از رحلت آن حضرت جزء چهار نفری بود که از شیعیان وفاداران علی(ع) در کنار آن حضرت باقی ماند و علی(ع) هم بارها و بارها از او تمجید نمودند. حضرت در مورد سلمان به ابوذریه گفت: «ای ابوذریه، سلمان از باب‌های الهی است، کسی که او را درست بشناسد و بپذیرد مؤمن است و کسی که او را انکار کند و فضایل او را نپذیرد کافر است و سلمان از ما اهل بیت است».

منصور بزرگ می‌گوید به امام صادق(ع) عرض کردم: ای آقای من! چه بسیار از شما یاد سلمان فارسی را می‌شنوم؟ فرمودند: نگو سلمان فارسی، بگو سلمان

ایرانیان از دیرباز مورد توجه ویژه پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - و امامان شیعه (ع) بوده‌اند و در احادیث بسیاری، اسلام ایرانیان با اهمیت تلقی گردیده و از ملت ایران بعنوان وفادارترین ملت‌ها به اسلام یاد شده است. بسیاری از این احادیث از پیامبر - صلی الله علیه و آله - قبل از اینکه ایرانیان اسلام را پذیرفته باشند صادر شده است همان طور که پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - پیش بینی نموده بود ملت ایران از همه ملت‌ها حتی عرب که مرکز نزول وحی بود، از اسلام بیشتر بهره گرفت و هیچ ملتی به اندازه مردم ایران تاکنون از منبع روشنایی بخش وحی پرتو نگرفته است.

با همه مشکلاتی که در قرون اولیه اسلام در راه شناخت فرهنگ اصیل اسلامی بود تا آنجا که ایمان و دین و دانش به گفته پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - گویا به ستاره ثریا آویخته و دست یازیدن به آن بسیار دشوار می‌نمود ایرانیان به آن دست یافتند و در رشته‌های مختلف علوم که در رابطه با شناخت اسلام و تبیین ایدئولوژی اسلامی بکار گرفته می‌شود از اعراب سبقت گرفتند و بالاخره همان طور که قرآن کریم پیش بینی نموده بود در رابطه با گسترش ایدئولوژی اصیل اسلامی جایگزین ملتی شدند که وحی آنها نازل شده بود. و به گفته متفکر شهید علامه مطهری: «ایرانیان بیش از هر ملت دیگر نیروهای خود را در اختیار اسلام و اهل بیت(ع) قرار دادند و بیش از هر ملت دیگر در این راه صمیمیت و اخلاص نشان دادند، در این دو جهت هیچ ملتی به پای ایرانیان نمی‌رسد»^۱

در این بخش به پاره‌ای از ابراز ارادت و علاقه و خدمات ایرانیان نسبت به اسلام و ائمه معصومین(ع) اشاره می‌کنیم:

سخن را با اولین مسلمانان ایرانی و بزرگترین صحابه پیامبر - صلی الله علیه و آله - و دلسوزترین همراه حضرت علی(ع) سلمان فارسی شروع می‌کنیم.

محمدی! آیا می‌دانی چرا از او یاد می‌کنم؟ عرض کردم نه. فرمود برای سه صفت:

۱. مقدم داشتن خواسته امیر مومنان (ع) برخواسته خودش، ۲. دوست داشتن فقراء، ۳. دوست داشتن علم و علماء.^۲
آری ایرانیان بعد از اسلام همواره به اهل بیت (ع) عشق می‌ورزیدند و شهرهای آنها از پایگاه‌های اولیه تجمع شیعیان و دوستداران اهل بیت (ع) بودند. شهرهای قم، ری، طبرستان، ... مأمین ارادتمندان به اهل بیت (ع) بود و ایرانیان بارها و بارها به طور پنهانی به خدمت ائمه (ع) می‌رسیدند و ضمن پرداخت وجوهات شرعی ابراز محبت و ارادت می‌نمودند و در حوادث تلخ و دشوار پناهگاهی برای سادات و علویان بودند و در آینده نیز طبق روایات بیشتر یاران و همراهان انقلاب بزرگ حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه - را ایرانیان تشکیل می‌دهند و با این کار ارادت و محبت خود به اهل بیت (ع) را به اوج و نهایت درجه می‌رسانند.

نقل شده که امام صادق (ع) غلامی داشت که وظیفه‌اش نگه داشتن افسار مرکب آن حضرت بود. روزی که امام (ع) در مسجد بود و غلام بیرون مسجد نشسته و افسار مرکب امام را در دست داشت با گروهی از مردم خراسان رو به رو شد، مردی از آن گروه به غلام گفت: «آیا حاضری من به جای تو باشم و مملوک امام قرار گیرم و در مقابل همه اموال برای تو باشم؟ من مال بسیاری دارم. هر چه می‌خواهی برو برای خودت بردار. غلام گفت باید از مولایم بپرسم» خدمت امام آمد جریان را گفت و امام غلام را نصیحتی کرد و گفت تو آزادی ولی غلام گفت من خدمت تو می‌مانم و آخرت را بر دنیا مقدم می‌دارم.^۵ در زمان خلافت علی (ع) وقتی جنگ صفین اتفاق افتاد آن حضرت برای فرمانداران خود نامه فرستاد و آنها را به کمک دعوت کرد. خواجه ربیع که از اصحاب امام بود با چهار هزار نفر از سپاه ری به سوی صفین حرکت کرد و امام با سپاه خود منتظر آنها بود، وقتی که آن لشکر رسید بی درنگ امام علی (ع) فرمان حرکت به سوی جبهه صفین را صادر کرد،^۶ این قطعه تاریخی بیانگر محبت ایرانیان به اهل بیت (ع) مخصوصاً علی (ع) می‌باشد.

شهر و فضایل آن از زبان علی (ع) روایتی وارد شده است و این شهر به عنوان حرم و پناهگاه اهل بیت (ع) شمرده شده است. قم تنها شهری بوده است که در آن اثری از آثار و بیانات غیر اهل بیت (علیهم السلام) دیده نمی‌شد و این امر و نظائر آن باعث شد که مردم آن مورد اتهام قرار گیرند، قتل عام و شکنجه شوند و هر نوع صدمه‌ای به آنان وارد آید. ولی با وجود این سختی‌ها و فشارها چون کوه در راه ایمان و عقیده خود استوار ماندند و تمامی این بلاها را به جان خریدند و از حمایت اهل بیت (ع) دست برنداشتند.^۷

بطور کلی هر علوی و شیعی مذهبی که از دست حکام جبار می‌گریخت امیدش ایران و شهر قم بود و بدانجا پناه می‌برد و سخت مورد حمایت مردم قرار می‌گرفت. در زبان ائمه اطهار (ع) بر شهر قم، آشیانه آل محمد - صلی الله علیه و آله - و ماوای فاطمیون و جایگاه شیعیانسان اطلاق شده است و در روایتی اهل قم انصار و یاوران اهل بیت (ع) خوانده شده‌اند، شهری با این صفات، طبیعی است که به یکی از پناهگاه‌های عمده علویان تبدیل شود.^۸ خاک قم با قبول پیکر پاک و مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها فرزند بلافصل امام موسی بن جعفر (ع) در قله رفیع ارادتمندان به اهل بیت ایستاد و امروزه هم به برکت وجود آن حضرت شهر قم عملاً به پناهگاه شیعیان خالص و مرکز طلاب و علما و مراجع تقلید تبدیل شد.

ایرانیان زمینه سازان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

کلیه منابع روایی شیعه و سنی، پیرامون حضرت مهدی (ع) اتفاق نظر دارند که آن بزرگوار بعد از نهضتی مقدماتی که برایش بوجود می‌آید، ظهور می‌کند ... و یاران درفش‌های سیاه، ایرانی‌اند که زمینه ساز حکومت آن حضرت و آماده کننده مقدمات فرمانروایی وی می‌باشند، در این روایات، اتفاق است که دو شخصیت وعده داده شده، سید خراسانی و یا هاشمی خراسانی و یاور او شعیب بن صالح هر دو ایرانی هستند. از جمله روایات ظهور بپا خاستن مردی از قم و یاران وی می‌باشد. از امام کاظم (ع) روایت شده است که فرمود: «مردی از قم، مردم را به سوی خدا دعوت می‌کند، افرادی گرد او جمع می‌شوند که قلب‌هایشان همچون پاره‌های آهن ستر است که بادهای تند حوادث آنان را نمی‌لغزاند، از جنگ خسته نشده و نمی‌ترسند ...»^۹

برخی روایات، تصریح دارد به اینکه فلسفه نامگذاری شهر مقدس قم مناسب با نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه که قائم بحق است می‌باشد. عفان بصری از امام صادق (ع) روایت کرده: «آیا می‌دانی از چه رو این شهر را قم می‌نامند؟ عرض کردم خدا و رسولش آگاه‌ترند فرمود: همانا نامگذاری شده برای اینکه اهل قم، اطراف قائم (ع) گرد آمده و با وی قیام می‌نمایند و در کنار او ثابت قدم مانده و او را یاری می‌کنند»^{۱۰}

روایت پرچم‌های سیاه خراسان را که قبلاً یادآوری شد عده‌ای از علمای اهل سنت مانند ترمذی و احمد بن حنبل و ... نقل کرده‌اند.^{۱۱} که عین عبارت حدیث این است «درفش‌هایی سیاه از خراسان خروج می‌کند که هیچ چیز قادر به برگرداندن آنها نیست تا اینکه در ایلویه به اهتزاز در آیند»

در مورد طالقان هم روایاتی هست که در آنان از اهالی این منطقه به عنوان یاران آخر الزمان یاد شده است.^{۱۲}

پی‌نوشت

۱. شهید مطهری، خدمات متقابل، انتشارات صدرا، صفحه ۳۷۳.
۲. ابن هشام، السیر، ج ۲، ص ۲۲۴.
۳. جعفر مرتضی، سلمان فارسی، ترجمه حسنین، انتشارات اسلامی، ص ۱۴.
۴. نوری، میرزا حسین، نفس الرحمان فی فضایل السلطان، مؤسسه آفاق، ص ۱۳۳.
۵. علامه مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، بحار، ج ۵۰، صفحه ۸۷.
۶. پیچده الامال، ج ۴، صفحه ۱۳۷.
۷. مختصر البلدان، ص ۲۶۴، تاریخ قم، ص ۱۶۶، معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۷۵، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۱۴۴.
۸. تاریخ قم، ج ۱، صفحه ۸۲، تهران، توس.
۹. محمد قمی، ترجمه عبدالملک قمی، بحار، ج ۶۰، صفحه ۳۱۶.
۱۰. همان.
۱۱. منن ترمذی، ج ۲، صفحه ۳۶۲.
۱۲. کنز العمال، ج ۷، صفحه ۲۶۲.



قم و اهل بیت (علیهم السلام)

به طور قطع می‌توان گفت شهر قم اولین مرکز تشیع در ایران بوده است و بطور کلی قم از همان آغاز اسلام مورد توجه ائمه اطهار (ع) بوده و در مورد این

زیباترین کتابخانه‌های جهان

(قسمت اول)

ABBEY / سوئیس

این ساختمان قدیمی‌ترین کتابخانه در سوئیس نیست اما یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین کتابخانه‌ها در جهان به حساب می‌آید و حدود ۱۶۰ هزار کتاب با ارزش در آن قرار دارد و زمان تأسیس این کتابخانه قرن هشتم میلادی است. این کتابخانه عجیب و غریب در اغلب مواقع به عنوان بهترین کتابخانه در جهان شناخته می‌شود و البته ABBEY به عنوان میراث جهانی نیز ثبت شده است.



در سرتاسر جهان کتابخانه‌های بسیاری وجود دارند که برای درک زیبایی آن‌ها روزها وقت لازم است. به این ترتیب علم و هنر ترکیبی است که در کتابخانه‌های زیبای جهان با یکدیگر ادغام شده است. جیل هارنس در طول سفرهای مختلفی که به کشورهای مختلف داشته زیباترین کتابخانه‌های جهان را لیست کرده است.



DELFT / هلند

این کتابخانه که به سبک معماری مدرن ساخته شده چهره جذابی دارد و طراحی کلاسیک آن نیز باعث شده که بسیار زیبا باشد. شاید بتوان گفت کتابخانه دانشگاه فناوری Delft یک استثنا است و نورگیر این ساختمان که در سقف آن قرار گرفته ساختاری فولادی دارد و سقف این ساختمان نیز توسط چمن‌های سازگار با محیط زیست پوشانده شده و تمام این ویژگی‌ها از کتابخانه مذکور یک اثر مدرن می‌سازند.



فرانسه / BIBLIOTHEQUE NATIONALE DE FRANCE

تاکنون بسیار زیاد گسترش یافته و این بنا نسبتاً جدید است و در سال ۱۹۸۸ به شکل کنونی خود در آمده است. این ساختمان که در خیابان RUE DE RICHELIEU ساخته شده است همچنان مورد استفاده قرار می‌گیرد و البته همچنان زرق و برق خود را حفظ کرده است. این بنا ابتدا در سال ۱۸۶۸ ساخته شده و در سال ۱۸۹۶ نیز به عنوان بزرگترین مخزن کتاب در جهان شناخته می‌شد اما مدتی بعد این رکورد از آن گرفته شد.



انگلستان / CODRINGTON

کتابخانه CODRINGTON که مربوط به دانشگاه آکسفورد است در سال ۱۷۵۱ به بهره‌برداری رسیده و از آن زمان تاکنون توسط عالمان مورد استفاده قرار گرفته است. در اواخر سال ۱۹۹۰ این کتابخانه تغییرات گسترده‌ای را به خود دید تا محافظت بهتری از کتاب‌ها صورت بگیرد و افراد نیز بتوانند هرچه ساده‌تر از آن‌ها استفاده کنند. در این دوره سیم‌کشی‌های بهتری در این مکان صورت گرفت و این کتابخانه از سیستم الکتریکی بهتری برخوردار شد.



MELK MONASTERY / اتریش

سبک BAROQUE در طراحی کتابخانه صومعه‌ای MELK MONASTERY مورد الهام بوده است و این بنا در سال ۱۷۳۶ تکمیل شده و طراحی آن نیز توسط JAKOB PRANDTAUER صورت گرفته است. این کتابخانه میزبان مجموعه‌ای مشهور از نسخه‌های خطی موسیقی است و در این مکان شاهد نقاشی‌های خیره کننده‌ای هستیم که توسط PAUL TROGER کشیده شده‌اند.

WIBLINGEN MONASTERY / آلمان

این کتابخانه در سال ۱۷۴۴ ساخته شده و پس از کتابخانه ملی اتریش به سبک BAROQUE ساخته شده است اما در واقع شاید بتوان گفت در این کتابخانه شاهد تقلیدی ضعیف از نسخه اصلی هستیم. در بخش بیرونی این کتابخانه یک کتیبه قرار گرفته که متن نوشته شده بر روی آن معنای "در این بخش گنجینه تمام دانش و عمل قرار گرفته است" را دارد.

BIBLIOTECAA GERAL / دانشگاه کوئیمبرا، پرتغال

این کتابخانه عمومی که در دانشگاه کوئیمبرا قرار گرفته از دو ساختمان تشکیل شده که ساختمان جدید آن در سال ۱۹۶۲ و کتابخانه JOANINA در سال ۱۷۲۵ ساخته شده است. کتابخانه JOANINA توسط BAROQUE DECOR تزئین شده است.

TRINITY COLLEGE / ایرلند

در کنار زیبایی‌هایی که کتابخانه TRINITY COLLEGE دارد طاق‌ها و ساختار چوبی نیز زیبایی خاصی به آن بخشیده و کتابخانه مذکور بزرگترین کتابخانه موجود در ایرلند است. این کتابخانه در حال حاضر به عنوان مرکز کپی رایت ایرلند مورد استفاده قرار می‌گیرد و تمام کتاب‌ها و مجلات جدید برای حفظ قانون کپی رایت به این محل ارسال می‌شوند. نسخه اصلی کتاب BOOK OF KELLS نیز در این کتابخانه قرار گرفته است که نسخه خطی این کتاب حدود ۸۰۰ سال پیش توسط راهبان CELTIC نوشته شده است.



امام باقر علیه السلام

زمانی که قائم آل محمد علیه السلام ظهور کند، ابتدا می دهد:

أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّي

ای اهل عالم!

قَتَلُوهُ عَطَشَانًا

جَدَم حسین را تشنه کام کشتند

(ازمحمّد تقی میر - مسالقه‌های - دیوانه‌ها - ۱۳۳۳)



نسیم دانشجویی
ماهنامه فرهنگی | اعتقادی | اجتماعی
سال دوم - شماره ۱۸ - آبان ۱۳۹۴



مدگرایی آفت است؟

طبیعی است که بچه‌ها از سن خاصی علاقه بیشتری به ظاهرشان پیدا می‌کنند ولی این روزها کمی این موضوع از حد طبیعی بودن فراتر رفته و توجه بچه‌ها به سرو و وضع و لباس و کیف و ساعت مچی و کفش‌شان آنقدر زیاد شده که ناله خیلی از پدرها و مادرها را در آورده. این تمایل به حدی است که دیگر نوبت به پدر و مادرها نمی‌رسد تا فکری برای سر و وضع خودشان بکنند. این روزها والدین شاید فقط بتوانند جواب‌گوی خواسته‌های مختلف فرزندانشان باشند. به نظر می‌رسد بچه‌های امروزی بسیار بیشتر از همسن و سالان خودشان در نسل‌های قدیم به ظاهرشان اهمیت می‌دهند. حالا همه اینها یک طرف علاه بچه‌های امروزی به مقوله مد و برندپوشی هم معضل پدر و مادرهای این قرن است. اولین و آخرین حرفشان هم این که «اینی که من می‌خوام بهتره چون مده!» مشکل اینجاست واقعا این همه علاقه‌مندی به مد و پیروی از آن از کجا پیدا شده که مثل بختک روی بچه‌های امروزی که چه عرض کنم حتی بسیاری از بزرگترها افتاده؟ اصلا آیا توجه کودکان و نوجوانان به سروظاهرشان خوب است یا بد و چطور می‌شود آن را مدیریت کرد؟





دلایل تماایل کودکان و نوجوانان به دنیای غریب مد



یک تجربه جدید است و مد هم برایش تبدیل به آن تجربه تازه و ناب می‌شود که سر حالش می‌آورد. این جواری است که می‌تواند تنوع طلبیاش را ارضا کند.

الگویابی

فرزند ما در این دوران ارتباط بیشتری با همسن و سالانش پیدا می‌کند، گروه دوستیاش بزرگتر می‌شود، شبکه‌های اجتماعی را تجربه می‌کند، ستاره‌های تلویزیونی و سینمایی، ورزشکاران و سبک و سیاق زندگی و لباس پوشینشان برایش تبدیل به یک الگوی جذاب می‌شود، در مدرسه با صدها دانش آموز و هم سن و سال خودش وارد مراوده می‌شود و این طوری است که می‌خواهد روی خط مد باشد تا آن همانندسازی که در این سن و سال دارد برایش اتفاق بیفتد و از دیگر دوستانش به اصطلاح عقب نیفتد.

جلب توجه

کودک یا نوجوان به مد پناه می‌آورد تا توجه دیگران را به خوش جلب کند. او نمی‌خواهد یکی از صدها نفری باشد که بقیه به راحتی از کنارش عبور می‌کنند و او را نادیده می‌گیرند، پس همه تلاشش را می‌کند تا با مدل موی عجیب و غریب، لباس‌های متفاوت، حتی استفاده از زیورآلات خاص خودش را مطرح کند و تبدیل به یک نمونه منحصر به فرد شود. حالا شاید این طوری عکسش روی جلد مجلات نرود ولی حداقلش این است که توجه اطرافیان را به خودش جلب می‌کند و در این دوران حساس زندگی چی از این بهتره؟

دخترها یا پسرها؟

دخترها معمولاً عاطفی‌ترند و هیجانات قویتری دارند، آنها بیشتر از پسرهای

موضوع مهم این است که وقتی ما در مورد مد و علاقه بچه‌ها به آن حرف می‌زنیم، دقیقاً از چه حرف می‌زنیم؟

مد چیست؟

یک تعریف اجتماعی ساده از مد یا آنچه که روانشناسان و جامعه‌شناسان به آن مد می‌گویند، تغییر سلیقه گذرا و ناگهانی و مکرر برخی از افراد یک جامعه است که منجر به ایجاد رفتار خاصی یا سبک زندگی خاصی در افراد می‌شود و این موضوع می‌تواند در زمینه‌های مختلفی نظیر لباس پوشیدن، دکوراسیون و حتی سبک پذیرایی اتفاق بیفتد.

مدگرایی در نوجوانی؛ چرا و چگونه؟

گرایش به مد، سن و سال ندارد و در هر مقطع سنی ممکن است به شکل خاصی خودش را نشان دهد، هر چند در دوره‌های خاصی از زندگی از جمله در نوجوانی این گرایش بیشتر شده یا بیشتر بروز پیدا می‌کند ولی به طور کلی سه ویژگی اصلی دوره نوجوانی که باعث می‌شود دخترها و پسرها بیش از پیش به سمت مد کشیده شوند:

۱. تنوع طلبی ۲. همانندسازی و ۳. تلاش برای جلب توجه دیگران است. البته در جامعه فعلی ما در مقایسه با برخی کشورهای حتی پیشرفته، سن مدگرایی کمی پایینتر هم آمده به طوری که حتی در کودکان کمتر از ۸،۷ ساله هم چنین گرایشی دیده می‌شود.

تجربه‌اندوزی

مساله مهم این است که فرزند ما در این دوران از زندگیش، دنبال پیدا کردن

علاوه بر این، از تاثیرات فردی آن هم نمی‌شود گذشت. به عنوان مثال گرایش کورکورانه در پوشیدن لباسی با مدل یا حتی طرح و رنگ خاص یا حتی گوش دادن به یک نوع موسیقی مد امروزی صرفاً به خاطر این که در بین جوانان و نوجوانان طرفداران زیادی دارد می‌تواند تاثیرات جبران‌ناپذیری در روح و روان فرد بگذارد و به عنوان نمونه باعث شود که نوجوان به شدت دچار اضطراب و پرخاشگری شود. حواستان باشد زمانی که فرزند شما بدون تحقیق لباس خاصی را می‌پوشد که پيامی پنهانی در خود دارد، مطمئن باشید خودش هم قربانی تاثیرات منفی آن قرار می‌شود.

توصیه های یک روان شناس به والدین نگران، سرکوب نه؛ گفت و گو آری

برخی از روانشناسان کودک معتقدند که خیلی وقت‌ها والدین هستند که با روش‌های غلط تربیتی شان الگوهای شخصیت غلط را در کودکان تقویت می‌کنند تا تبدیل به شخصیت‌هایی خودشیفته یا نمایشی شده و مد جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی‌شان شود. در ادامه توصیه‌های یک روانشناس را می‌خوانید تا ببینید چطور باید با این گرایش برخورد کرد.

علاقه به مد؛ از اختلال شخصیت تا تایید طلبی

دلایل گرایش نوجوانان به مد از نظر شما چیست؟ دلایل خیلی زیادی وجود دارد؛ یکی از آنها نیاز سنی کودک است که با توجه به نحوه تربیت و سبک زندگی متفاوت است. یکی دیگر را می‌توان نیاز به جلب توجه و تایید دیگران و همونا شدن با گروه سنی دانست. کودکان در آستانه نوجوانی و نوجوانان به دنبال یافتن یک هویت اجتماعی مقبول نزد دیگران هستند. مثلاً فکر می‌کنند اگر طرز فکر خود را تغییر دهند نزد دیگران مقبولیت بیشتری دارند و کودکان این را در مدل لباس پوشیدن و نوع حرف زدن خود نشان می‌دهند. دلیل دیگر را می‌توان اختلالات روانی عنوان کرد که ریشه در خانواده، تربیت و رفتار والدین دارد و بعضی از کودکان هم هستند که دچار اختلالات شخصیتی خودشیفته، نمایشی و ضد اجتماعی می‌شوند و این مساله با گرایش شدیدشان به دنیای مد ظهور و بروز پیدا می‌کند. این بچه‌ها با چنین اختلالات شخصیتی پرورش پیدا می‌کنند و می‌خواهند زیباتر باشند یا با پناه بردن به دنیای مد در مقابل جامعه قرار بگیرند و آن چیزی را که از نظر جامعه هنجار است زیر پا می‌گذارند.

اساساً این تمایل کودکان و نوجوانان به مد بد است یا باید با آن برخورد شود؟ اگر در چهارچوب صحیحی قرار بگیرد می‌تواند حتی مناسب باشد اما اگر در چهارچوب خوبی قرار نگیرد بسیار آسیب‌زا خواهد بود و حتی می‌تواند روابط خانواده را سرد کند و تاثیرات مخربی خواهد داشت پس باید روند مدرگرایی را هماهنگ با مذهب، قوانین جامعه و شرایط خانوادگی هماهنگ کنیم.

همسن و سال خود به تصویری که از ظاهرشان در ذهن افراد به جای می‌گذارند حساسند و برای همین طبیعی است که توجه بیشتری نه تنها به ظاهرشان بلکه ظاهر اطرافیان و روابط اجتماعی‌شان دارند. شاید به نظر برسد در بعضی از موارد عزت نفس دخترها پایین‌تر از پسرهاست و همین باعث می‌شود که بیشتر به مد به عنوان وسیله‌ای که کمکشان می‌کند زیبا، منحصر به فرد و متفاوت باشند نگاه کنند ولی یادمان باشد میل به زیبایی و زیبایی‌دوستی در نهاد و طبیعت دخترها بیشتر است و به همین خاطر هم هست که زودتر از پسرها راه ورود به دنیای مد را پیدا می‌کنند و بیشتر در عمق آن عرق می‌شوند.

گرایش به مد خوب است یا بد؟

توجه نوجوانان به سر و تیپ و ظاهرشان لزوماً نه خوب است و نه بد. تعجب کردید؟ روانشناسان می‌گویند اگر مد به منظور آراستگی و دوری از یکنواختی باشد بسیار خوب است؛ چون گرایش به زیبایی و تنوع جزئی از نهاد انسان است و حتی در قرآن کریم به آن اشاره شده است. مشکل اینجاست که عده‌ای از بچه‌ها به شکل افراطی سراغ مد آن هم هر مد و با هر ویژگی و مختصاتی می‌روند و این طوری است که بالای جان خودشان و اطرافیان‌شان می‌شوند. روانشناسان معتقدند که مدرگرایی را نمی‌توانیم به‌طور کامل رد کنیم و چیزی که در مورد آن بسیار مهم است، این است که این گرایش باید با میانه روی و همراه و هماهنگ با مذهب، فرهنگ و قوانینی اجتماعی جامعه و خانواده باشد، چون در غیر این صورت نوجوان را اسیر تضادهایی می‌کند که قطعاً در زندگی حال و آینده‌اش آسیب‌زا خواهد بود.

مدرگرایی تقویت می‌شود اگر...

عوامل مختلفی در گرایش افراطی نوجوانان به مد نقش دارد. از جمله آنها می‌توان به رقابت‌های غلط میان همسن و سال‌ها، حسادت، فخر فروشی و احساس حقارت، تقلیدهای کورکورانه و خودنمایی اشاره کرد که بسیاری از آنها ناشی از خلأ عاطفی و تربیتی است که توجه به آنها و پرکردنشان می‌تواند تا حد زیادی کارساز باشد.

تاثیرات مدرگرایی کورکورانه

تاثیرات گرایش کورکورانه به مد یا جریان خاصی در جامعه هم تاثیر اجتماعی دارد هم فردی. در بسیاری از موارد نوجوانان ما صرفاً فقط برای این که از یک موج عقب نمانند بدون اطلاعات کافی راجع به آن جریان و مد، فقط ابزاری می‌شوند برای تبلیغ گروهی با خرده فرهنگی خاص که حتی در کشورهای غربی هم منور هستند.



روش‌هایی برای تقویت عزت نفس در نوجوانان



مدگرا

(قسمت اول)

۵. قادر به تحمل سطحی طبیعی از احساس ناکامی و شکست نیستند
۶. استعدادها و توانایی‌های خود را سرکوب می‌کنند
۷. به راحتی تحت تأثیر اطرافیان و به ویژه گروه‌های همسال خود قرار می‌گیرد

چطور عزت نفس کودک را تقویت کنیم؟

عشق به فرزند را شرطی نکنید

با رفتار و طرز برخورد و البته کلامتان به کودک نشان دهید که او را همانطور که هست دوست دارید و پذیرفته‌اید، فرقی نمی‌کند که چاق است یا لاغر، بلند است یا کوتاه و... حتی به خاطر قدرت و توانایی‌های فرزندان یا اخلاقی که دارد دوستش نداشته باشید بلکه او را به مجموع ویژگی‌های و خصاییش دوست داشته باشید و هر روز مطمئن شوید که این نکته را می‌داند. در ضمن هر وقت لازم است که به فرزندان تذکری بدهید یا از او انتقاد کنید به جای این که کل وجودش را زیر سوال ببرید و بگویید «عجب بچه بد، احمق، زبان نفهم، شیطان، بی‌مسئولیت و... هستی»، از رفتار نادرستش انتقاد کنید.

توجه کنید

یکی از مهمترین علت گرایش نوجوان به مد این است که دیده نمی‌شود و مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد. پس به روش‌های عجیب و غریب متوسل می‌شود تا توجه شما را به دست بیاورد حتی اگر این توجه از نوع منفی باشد. پس دفعه بعد که پسران خواست موهایش را به غریبترین مدل ممکن کوتاه کند، به جای این که به این کارش گیر بدهید و داد و فریاد راه بیندازید به این نکته فکر کنید که آخرین باری که به او توجه بی‌قید و شرط نشان داده‌اید کی بوده است.

ریسک پذیر باشید و بگذارید او هم ریسک کند

بعضی از علاقه‌مندی‌های کودک و نوجوان شما آنقدرها هم بد و خطرناک نیست ولی شما با آن مخالفت می‌کنید چون با علاقه‌مندی‌هایی که خودتان دارید متفاوت است. بهتر است گاهی وقتها شما کوتاه بیایید و بگذارید کارهای کم‌خطر و کم‌هزینه را امتحان کند. ممکن است خودش هم از نتیجه کار خیلی راضی نباشد ولی حداقلش این است که شما نشان داده‌اید به او اعتماد دارید و این حس در نوجوان غوغا به پا می‌کند.

اجازه اشتباه کردن را به او بدهید

شما می‌دانید که فلان مدل لباس یا مو یا طرز حرف زدن برای فرزند شما مناسب نیست ولی قبل از این که اشتباه را مرتکب شود، هر چه قدر هم که توی گوشش بخوانید که راهی که می‌رود نادرست است، قبول نمی‌کند و از خر شیطان پیاده نمی‌شود پس گاهی اوقات بهترین کار این است که اجازه دهید این اشتباه را مرتکب شود تا خودش با نتایج انتخابی که کرده مواجه شود.

مقایسه نکنید

فرزند دوست شما یا همکارتان، دخترخاله یا پسرخاله، بچه دوست و آشنا موجودی متفاوت از فرزندان است و مقایسه این دو با هم هیچ فایده‌ای ندارد جز این که فشار این دوران را روی فرزندان بیشتر می‌کند و باعث می‌شود توی دام عزت نفس پایین بیفتند. شاید فرزند همکار شما بچه درس‌خوانی باشد که جز کتاب و برنامه‌های آموزشی به هیچ چیز دیگری توجه نشان می‌دهد ولی این معنایش این نیست که فرزند شما اجازه ندارد به موسیقی محبوبش گوش دهد یا پوستر خواننده محبوبش را روی دیوار نصب کند.

همدردی کنید

نوجوان‌ها در این سن استعداد عجیبی برای مقایسه کردن خودشان با دیگران دارند و به شدت خودانتقادگر می‌شوند و مدام می‌خواهند توانایی‌های دیگران را بالا ببرند و خودشان را دست کم بگیرند. به جای این که با برخورد غلط تربیتی این احساس را در آنها تقویت کنید، با آنها همدردی کرده و نشان دهید که برای احساس شان اعتبار قایلید.

یکی از مهمترین عللی که باعث می‌شود نوجوان‌های امروزی گرایش بی‌حد و مرزی به دنیای مد داشته باشند و مدام در مجلات سینمایی و ورزشی، در فیلم‌های تلویزیونی و... دنبال تیپ‌های خاص می‌گردند و فلان هنرپیشه یا ورزشکار را الگو قرار می‌دهند و سعی می‌کنند مثل طوطی سبک زندگی و لباس پوشیدن و... او را تکرار کنند و تبدیل به یک مدل کوچک از شخصیت محبوبشان شوند. نداشتن عزت نفس است. چطور می‌شود این ویژگی را در کودکان و نوجوانان تقویت کرد؟ ادامه مطالب را از دست ندهید.

عزت نفس چیست؟

عزت نفس مجموعه‌ای از افکار، احساسات، و نظراتی است که ما در مورد خودمان داریم. این یعنی عزت نفس یک ویژگی ثابت و غیرقابل تغییر نیست بلکه بسته و روشی که ما در زندگیمان پی می‌گیریم و براساس طرز تفکری که داریم عزت نفسمان کمتر یا بیشتر می‌شود. حجم تفکرات منفی که یک فرد نسبت به خودش دارد و ایرادهایی که از خودش و چهره و اندام و طرز لباس پوشیدن و... می‌گیرد باعث می‌شود که به مرور عزت نفسش را از دست بدهد. گاهی اوقات فرزند ما حتی متوجه نمی‌شود که تا چه اندازه نسبت به خودش دچار افکار منفی است. بنابراین یکی از روش‌های تقویت نفس کودک یا نوجوان این است که او را از حجم تفکرات منفی که نسبت به خودش دارد آگاه کنیم.

نوجوانانی که عزت نفس دارند

۱. به طور مستقل عمل می‌کنند
۲. مسوولیت‌پذیر هستند
۳. به دستاوردهای خودشان افتخار می‌کنند
۴. تحمل سرخوردگی و شکست را دارند
۵. برای انجام وظایفش تلاش می‌کنند و می‌توانند با چالش‌های جدید روبه رو شوند
۶. می‌توانند مسوولیت رسیدگی به عواطف مثبت و منفی خود را به عهده بگیرند و آن را مدیریت کنند
۷. آماده ارائه کمک به دیگران هستند

از سوی دیگر، کودکانی که عزت نفس پایین دارند

۱. از تلاش کردن برای داشتن تجربه‌های جدید به شدت اجتناب می‌کنند
۲. احساس می‌کنند که بچه ناخواسته است و هیچکس دوستش ندارد
۳. به خاطر کمبودهای خودشان دیگران به خصوص والدینشان را سرزنش می‌کنند و مقصر می‌دانند
۴. احساس می‌کنند (یا گاهی به داشتن این احساس تظاهر می‌کنند) که از نظر هیجانی با دیگران متفاوتند

آش انار

مواد لازم

- برنج / ۱ لیوان
- سبزی آش / ۱ کیلو
- لپه / نصف لیوان
- دانه انار / ۲ کیلو
- پیاز سرخ کرده / ۴ قاشق غذاخوری
- گوشت چرخ کرده / نیم کیلو
- گلپر / ۲ قاشق غذاخوری
- روغن / ۳ قاشق غذاخوری
- نمک و فلفل / به مقدار لازم

لپه را با پیاز سرخ کرده و ۵ لیوان آب و کمی نمک و فلفل درون آن بریزید و بگذارید تا لپه کمی بپزد سپس برنج شسته شده را داخل لپه‌هایی که کمی پخته شده بریزید و اجازه دهید برنج کاملاً بپزد. گوشت چرخ کرده را با ۲ پیاز رنده شده و کمی نمک و فلفل مخلوط کرده و قلقلی درست کنید و پس از سرخ کردن داخل آش بریزید. سبزی را تمیز کرده و بشویید و خرد کنید سپس به مایه آش اضافه نمایید و بگذاریم آهسته بجوشد تا آش جا بیفتد، باید برنج آش کاملاً بپزد و لعاب ببندد.

دانه های انار را داخل آش بریزید و در انتها گلپر را اضافه کنید، برای سرو کردن آش را در ظرف ریخته و با کمی دانه انار روی آن را تزیین کنید. در صورت دلخواه بجای دانه‌های انار از رب انار نیز می‌توانید استفاده کنید اما دقت کنید که در اینصورت بجای ۲ کیلو دانه انار از نصف پیمانه رب انار استفاده کنید، انار هرچه ترش‌تر باشد آش شما خوشمزه‌تر خواهد شد.

مرغ شکم پر با انار

مواد لازم

- مرغ متوسط / ۱ عدد
- روغن / یک سوم پیمانه
- کره / ۵۰ گرم
- زعفران دم کرده / به میزان لازم
- آلو خورشتی (ملس) / ۱۵ عدد
- گردوی خرد شده / یک دوم پیمانه
- دانه انار / یک دوم پیمانه
- جعفری و گشنیز / ۳۰۰ گرم
- زرشک / ۳ قاشق سوپ خوری
- رب انار / ۵ قاشق غذاخوری
- پیاز / ۱ عدد
- سیر / ۵ حبه
- نمک و فلفل و بودر خردل و زردچوبه به میزان لازم

مرغ رو تمیز بشویید، نمک، فلفل، پودر خردل و زعفران رو با روغن مخلوط کنید و دور مرغ و داخل شکم مرغ رو با این مواد مزه‌دار کنید. برای ۱ ساعت اجازه بدید تا مرغ مزه‌دار بشه. آلوها و زرشک رو خیس کنید و بعد از ۵ دقیقه آبکش کنید. پیاز و سیر رو با هم تفت بدید، وقتی خوب سرخ شدند، سبزی رو اضافه کنید و تفت بدید، حالا آلوها، زرشک، گردو، دانه انار و رب انار رو اضافه کنید و اجازه بدید تا آب مواد کشیده بشه و خوب تفت بخورند. نمک و فلفل و ادویه و زردچوبه اضافه کنید و حرارت رو خاموش کنید. مرغ رو روی سطح کار بذارید، جوری که ساق مرغ رو به بالا باشه. داخل شکم مرغ رو با این مواد پر کنید. قسمت زیر شکم رو با خلال دندان فیکس کنید که باز نشه و پاهای مرغ رو هم با نخ نسوز ببندید تا موقع پخت باز نشه!

فویل آلومینیم رو چرب کنید، مرغ شکم پر رو روی اون بذارید و خوب ببندید و در فر از قبل گرم شده با دمای ۱۸۰ سانتی گراد به مدت ۲ ساعت بذارید بپزه. در این مدت ۲ تا ۳ بار، مرغ رو از فر در بیارید و روی اون مخلوط کره آب شده و زعفران بمالید و دوباره فویل رو ببندید و توی فر بذارید.

بعد از ۲ ساعت، فویل رو باز کنید و گریل رو روشن کنید و دوباره در فر بذارید تا مرغ برشته بشه!

میزان رب انار به ذائقه شما بستگی داره، می‌تونید کم و زیاد کنید.

انار



■ انار برای سلامت قلب و عروق، جلوگیری از تصلب شریان‌ها و بروز سکنه، پیری زودرس، آلزایمر و سرطان پروستات به کار می‌آید.

■ انار خودش کلسترول که ندارد هیچ، کلسترول‌های بد را هم از خون می‌گیرد.

■ مفیدترین ماده «چای سبز» یعنی «آنتی اکسیدان» در انار ۳ برابر بیشتر وجود دارد.

■ اگر دائم عطش دارید و بدنتان گر می‌گیرد، مصرف انار به عنوان برطرف کننده عطش و خنک کننده برایتان مفید است.

■ انار به عنوان یک میوه اشتها آور، می‌تواند پیش‌غذای خوبی باشد.

■ آنهایی که کم‌خونی دارند، کبد و کلیه‌هایشان ضعیف بوده و ترشح صفرایشان هم کم است، انار دوی دردشان است.

■ آب انار شیرین برای بیماری‌های مجاری ادرار مفید است؛ ضمن اینکه انار، در درمان اسهال، آرتрит، زردی و بواسیر هم به کار می‌رود.

■ می‌گویند برای گلودرد و زخم‌گلو، جوشانده پوست انار معجزه می‌کند. خیلی‌ها هم اناری را که با حرارت کم زیر خاکستر یا در فر پخته شود، بهترین مرهم سینه‌های دردناک می‌دانند.

■ انار به دلایل زیادی از جمله داشتن آهن، خون‌ساز به شمار می‌آید؛ به همین دلیل، بهترین زمان برای مصرف آن، صبح‌ها قبل از صبحانه است؛ البته به شرطی که بعد از آن صبحانه هم بخورید و گرنه اوضاع معده را به هم می‌ریزد.

■ با همه این مزایا، کسانی که با مشکل یبوست دست به گریبان هستند، نباید زیاد انار بخورند.

■ انار میوه سردی است. اگر سردمزاج هستید، بعد از خوردن انار، کمی آب جوش و نبات بخورید.

■ کسانی هم که معمولاً معده‌شان نفخ می‌کند، باید مصرف انار را محدود کنند؛ ضمن اینکه زیاده‌روی در مصرف انار ترش، زخم معده به دنبال دارد.

■ یکی از سالم‌ترین غذاهایی که می‌شود در پاییز و زمستان خورد، ترد آب‌انار است. چیزی شبیه آب‌دوغ خیار تابستان با خاصیت‌های بسیار. برای این غذا آب انار شیرین یا ملس بسیار مناسب است. خیار را در آب انار رنده کنید و به همراه نعنا خشک و نان خرد شده میل کنید. البته در صورت تمایل پیاز همراه خوبی برای این غذاست. جالب است بدانید این غذا یکی از خوراکی‌های مورد علاقه مردم استان‌های جنوبی ایران است.

انار ۲ شباهت عمده به هندوانه دارد؛ داخل هر دو معمولاً قرمز و گاهی سفید است، ضمن اینکه تا بازشان نکنی، رنگ و طعم داخلشان را نمی‌شود فهمید. معمولاً انار، میوه ارزانی نیست؛ به‌ویژه که نوع مرغوب و درشتش برای مهمانی اصلاً باصرفه نیست.

خرید انار خوب، نیاز به آگاهی از ویژگی انارهای معروف و نکته‌های ویژه‌ای دارد. می‌گویند در ایران بیش از ۷۴۰ نوع انار وجود دارد اما «شاهسوار دانه قرمز، میخوش، شیرین ساوه، آلك ساوه، ملس اصفهانی دانه قرمز، شیشه کپ خراسان و قجاق قم» از انواع معروف انار ایرانی‌اند. هنگام خرید انار، به غیر از اسم و رسم انار باید ببینید آیا انار، نسبت به جثه‌اش سنگین است یا نه؛ این نکته به همراه پوست صاف و شفاف، نازک و بدون ترک، می‌تواند نشانه مرغوبیت انار باشد.

انار معجزه بسته‌بندی مواد غذایی در طبیعت است؛ یک بسته درسته از دانه‌های رنگی، از قرمز یاقوتی تا سفید مرواریدی و پرآب که کنار هم با لایه محافظ سفیدی نشسته‌اند.

شاعر، همین قدر حوصله کرده که بگوید صد دانه یاقوت آنجاست اما یک انار خیلی بیشتر از این حرف‌ها دانه دارد که با نظم و ترتیب یکجا نشسته‌اند. می‌گویند قدمت این میوه، به ۴ هزار سال قبل برمی‌گردد؛ میوه‌ای که سوغات ایرانی‌ها بوده و از اینجا، به هند و سپس به آفریقای شمالی، چین، اروپا و آمریکا رفته؛ در سوره الرحمن قرآن کریم آنجا که وصف بهشت و میوه‌های بهشتی آمده از انار هم نام برده‌اند؛ یک میوه خوش‌آب و رنگ شفاف‌بخش که انگار، هر دانه‌اش دوی دردی است.

شاید به همین خاطر بعضی‌ها اعتقاد داشتند که در میان دانه‌های انار، حتماً یک دانه بهشتی است و اگر روز جمعه یک انار کامل را طوری بخورند که حتی یک دانه‌اش هم زمین نیفتد، آن دانه از بهشت آمده را خورده‌اند. واژه‌های انار، هنار و نار، از القاب پارسی است.

انگلیسی زبان‌ها اما انار را از روی معادل یونانی‌اش به معنی «سیب پرهسته» ترجمه کرده‌اند. ایران بیشترین تولید و صادرات انار را در دنیا دارد. دانستن راز و رمز انار و قلق‌های خرید و مصرف آن برای هر ایرانی یک ضرورت است. انار فقط یک میوه خوشمزه و خوش‌ترکیب نیست؛ قدیمی‌ها از پوست انار و درخت آن و برگ و ریشه‌اش استفاده‌ها می‌کرده‌اند. الان هم عطاری‌ها کلی با آنها نسخه می‌پیچند.

■ آب انار به عنوان یک رنگ طبیعی (که اتفاقاً اسم رنگ اناری است) برای الیاف غیر سنتتیک (غیرگیاهی) به کار می‌آید.

■ قدیمی‌ها از پوست، شاخه، ریشه، گل و برگ درخت و پوست خود انار در صنایع دباغی، چرم‌سازی و رنگرزی نخ، پشم و پارچه استفاده می‌کرده‌اند.

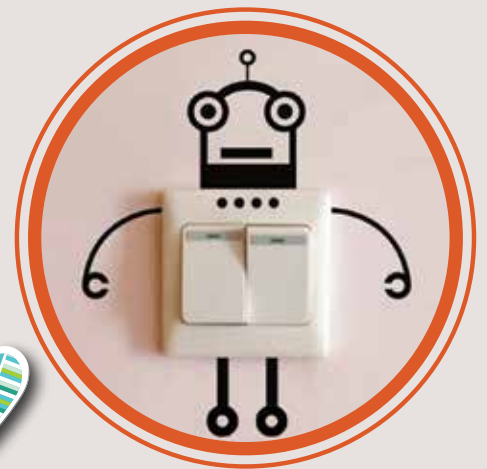
■ روایت است که قوم یهود از پوست انار، رنگ قهوه‌ای تیره یا سوخته می‌گرفته و از آن در رنگرزی و ساخت مرکب استفاده می‌کرده‌اند.

■ پوست انار نرسیده هم از مواد اولیه دباغ‌ها بوده است.

■ توی یک انار متوسط تا ۴۰ درصد نیاز روزانه بدن به ویتامین C وجود دارد. معمولاً ۵۲ درصد وزن کل این میوه را دانه‌های آن تشکیل می‌دهند؛ دانه‌هایی که ۱۰۰ گرم آنها، شامل این میزان مواد غذایی و انرژی است:

انرژی	۳۸ کالری	آب	۸۲ گرم
پروتئین	۰.۴ گرم	چربی	۰.۳ گرم
نشاسته	۱۰ گرم	کلسیم	۴ میلی گرم
سدیم	۳ میلی گرم	پتاسیم	۲۶۰ میلی گرم
آهن	۰.۵ میلی گرم	کلسترول	صفر
ویتامین B۱	۰.۲ میلی گرم		
ویتامین B۲	۰.۰۳ میلی گرم		
ویتامین B۳	۰.۰۲ میلی گرم		
ویتامین C	۴ میلی گرم		

■ آب انار، خاصیت میکروب‌کشی و ضدعفونی‌کنندگی دارد.



روش‌های مختلف استفاده از برچسب برای تزئین فضاها

چسباندن روی شیشه و آئینه تولید شده‌اند. اگر پنجره خانه‌تان مشرف ندارد و می‌توانید با خیال راحت پرده را کنار بزنید یا اگر به خاطر همین مشکل شیشه‌ها را مات کرده‌اید، از این مدل استیکرها برای تزئین پنجره استفاده کنید. این مدل استیکرها برای پنجره استفاده کنید. این مدل استیکرها برای پنجره اتاق فرزندتان و یا حتی آشپزخانه مناسب هستند.

زیر پله‌ها موش بدوانید

بعضی از استیکرها جان می‌دهند برای کارهای خلاقانه. همه‌اش دنبال استیکرهای رایج و شیک نباشید. استیکرهای متفاوت به فضای شما جذابی می‌دهند که در جای دیگری نمی‌شود آن را پیدا کرد. علاوه بر این روش کاربرد شما هم مهم است. فقط استیکرها نباید خلاقانه باشد سطوحی هم که آنها را می‌چسبانید باید با خلاقیت انتخاب شوند.

در سرویس‌های بهداشتی

بعضی از استیکرها مخصوص حمام و دستشویی هستند. در واقع همجنس شان جوری است که در مجاورت با آب و رطوبت مشکل دار نمی‌شوند. هم طرح‌شان، اگر می‌خواهید فضای سرویس بهداشتی‌تان فانتزی شود. به دنبال طرح‌های متفاوت تر باشید. به عنوان مثال در تصویر زیر برچسب، کاربردی هم است همانطور که می‌بینید در کنار آن بوگیر توالت هم آویزان شده است. شاید شما طرح‌های بهتر و جالبتری پیدا کنید. فقط دیوار و یا سطحی انتخاب کنید که برجستگی‌های زیادی نداشته باشد تا برچسب خوب به سطح بچسبد.

دکورهای سه بعدی

اگر در آشپزخانه‌تان دیوار خالی دارید و مشکل کمبود فضا هم ندارید که آن را با کابینت‌های کوچک و بزرگ و انواع و اقسام طبقه‌ها و لوازم روی آن بر کنید. استیکرها بهترین انتخاب هستند. بعضی از استیکرها هم مانند تصویر هم تزئینی هستند هم کاربردی.

تزئین پرزیز کلیدها

مشکل اغلب مادرها این است که بچه‌ها موقع خاموش و روشن کردن چراغ اتاقشان خیلی به دیوار توجه نمی‌کنند و دور پرزیز و کلید اتاق خوابشان همیشه پر است از لکه‌های جورواجور. اگر این مشکل خانه شما هم هست، دنبال استیکرهای تزئینی دور کلید پرزیزها بگردید این روزها انواع و اقسام آنها در بازار یافت می‌شوند که هم فضای اتاق را جذابتر می‌کند هم به این صورت لکه‌ها کمتر به چشم می‌آیند.

چسب‌هایی برای زیبایی!

این خاطره را شما هم حتما به یاد دارید. این که بچه که بودیم داخل دفترهای دیکته مان پر بود از انواع و اقسام برچسب‌ها یا همان به قول خودمان عکسبرگ‌دان‌های ستاره و صدآفرین که معلم یا حتی پدر و مادرمان بالای صفحه می‌چسباندند. بزرگ که شدیم در تولید این برچسب‌ها مثل خیلی از محصولات دیگر تحول عظیمی اتفاق افتاد. دیگر آن برچسب‌ها فقط مخصوص دفر و کتاب‌های ما نیستند. این روزها برچسب‌ها یا به قول خارجی‌ها استیکرهای مختلفی تولید شده‌اند که از آنها می‌توان در دکوراسیون هم بهره برد. تنوع استیکرهای امروزی آنقدر زیاد است که شما می‌توانید برای تزئین در و دیوار یا هر نوع سطح عمودی یا حتی افقی مثل کمد، آئینه، پنجره و... از این استیکرها استفاده کنید. بعضی از این استیکرها علاوه بر تزئین سطح، کاربردی هم هستند. نمونه‌های مختلفی از آنها را در این دو صفحه ببینید.

قاب نقاشی

اگر فرزندتان به نقاشی علاقه زیادی دارد و به هر مناسبتی به شما نقاشی هدیه می‌دهد، آنها را به قاب‌های برچسب‌دار به دیوار اتاق خواب و یا حتی گوش‌های از اتاق نشیمن بزنید. برچسب‌های مختلفی در قالب قاب، در بازار به فروش می‌رسند که برای این کار مناسبند.

هم استیکر هم ساعت

شما می‌توانید با استفاده از استیکرها برای خانه‌تان ساعت هم درست کنید و به دیوار بزنید. کافی است یک موتور ساعت و دو عقربه تهیه کنید و مرکز یک دایره فرضی روی دیوار فضای مورد نظرتان نصب کنید جای اعداد ساعت هم استیکرهای مربوطه را تهیه کنید و روی محیط همان دایره فرضی نصب کنید و استیکرهای اعداد را هم در جای خودشان بچسبانید.

جایی برای علائق شخصی

بعضی از بچه‌ها به یک شخصیت خاص کارتون علاقه دارند بعضی‌ها ورزش و ویزهای را دوست دارند. مهم این است که با وجود تنوع در طرح و نقش دست شما باز است. شما می‌توانید با توجه به علائق فرزندتان طرح و یا طرح‌های خاصی را انتخاب کنید و روی دیوار اتاقش بچسبانید.

تزئینی برای پنجره‌ها

بعضی از انواع برچسب‌ها مخصوص تزئین پنجره هستند و اصولاً برای



شاید برای همه‌ی ما پیش آمده باشه روز هایی که قبل از اینکه همه کار هایی که برایش برنامه ریزی کرده بودیم که این ماه یا این هفته انجام می‌دهم کفگیر به ته دیگ خورده و پولی نمونده و کلی کار باقی مونده داریم که بعضی‌هایش هم خیلی به نظر مهم و ضروری به نظر می‌رسه. از پول اجاره خونه و دفتر گرفته تا حتی پول بنزین ماشین و خرجی بچه‌ها و ما موندیم که حقوق این ماه کی اومد و کی خرج شد؟ اما چیزی که این وسط مهمه اینه که این بی پولی و کمبود بودجه تا چه حدی هست؟ گاهی در حد لغو کردن برنامه تفریح آخر هفته و دور زدن توی مال‌ها باشه یا بی پولی در حد کم آوردن پول تاکسی. شاید یکی از مهمترین کار هایی که آدم‌های موفق تو زمینه مالی کردن همین اداره پولشون هست از اداره پول توی جیب تا بودجه برنامه ها و پروژه‌هایی که شروع کردن اگر شما هم به دنبال موفقیت توی زندگی در زمینه اقتصادی هستید با ما در بخش پول توجیبی همراه باشید.



راه کارهای اقتصادی

اینجاست که مدیریت مالی خانواده بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. برای اینکه خانواده از لحاظ مالی به مشکلی برخورد و به عبارتی به مشکلات کمتری برخورد باید به موارد زیر توجه کرد.

● مرحله گام، تعیین اهداف

برای این کار باید هدف‌های بلند مدت مانند: خرید خانه و ماشین و کوتاه مدت مانند خرید لباس و کفش را تعیین کنید. در تعیین اهداف باید واقع بین باشید. باید درآمدها و سایر شرایط را در نظر بگیرید و آن‌ها را اولویت بندی نمایید، سپس بودجه‌ای برای هر یک از نیازهای اعضای خانواده اختصاص دهید. یادتان باشد که هدف‌های بلندمدت را به اهداف ریزتر تقسیم کنید. به عنوان مثال اگر هدف‌تان خرید خانه است، تعیین کنید که هر ماه چه مبلغی را می‌توانید برای آن کنار بگذارید.

● مرحله دوم منابع درآمدتان را مشخص کنید

برای این کار فهرستی از منابع درآمدی خود مانند حقوق، دستمزد، سود سهام، اجاره خانه و... تهیه کنید، سپس درآمدهای خود را به سالانه و ماهانه تقسیم کنید. سرمایه و موجودی نقدی و غیر نقدی خود را یادداشت کنید و برای افزایش درآمدهای خود برنامه ریزی کنید. مهم‌ترین کاری که باید انجام داد این است که تکنیک پول خرج کردن را یاد بگیرید. کالاهای مورد نیاز را بخرید و به برنامه‌ریزی ماهانه خود توجه کنید. به عبارتی وقتی وارد بازار می‌شوید با دیدن هر وسیله و کالایی دست و دل‌تان نلزد و برنامه ریزی مالی خود را فراموش نکنید.

● چرا دخل و خرجمان با هم نمی‌خواند

از قدیم گفته‌اند که پول درآوردن کار سخت و پول خرج کردن کار آسانی است. ما مردم زیادی را می‌بینیم که خوب پول در می‌آورند، اما همیشه از مشکلات مالی می‌نالند. آن‌ها با وجودی که می‌دانند هر ماه باید مبلغی را برای قسط منزلی که خریده‌اند کنار بگذارند، اما باز هم به تعویض میلمان منزل می‌پردازند و ماشین ظرف‌شویی می‌خرند. این افراد دخل و خرج‌شان با هم یکی نیست، برای زندگی خود برنامه ریزی مالی ندارند و به همین دلیل همیشه شکایت می‌کنند که چرا این مشکلات مالی تمام نمی‌شود.

پول خرج کردن هنر و مهارت خاصی می‌طلبد که اگر کسی از این هنر بهره‌مند باشد وسائل رفاه خود و خانواده‌اش را فراهم کرده است. از طرفی در زندگی هیچ مصیبتی رنج‌آورتر از بی‌لیاقتی مالی نیست. افرادی هستند که تمام تلاش خود را برای کسب درآمد بیشتر به کار می‌گیرند، اما به دلیل نداشتن مدیریت اقتصادی هرگز طعم رفاه را نچشیده و حتی اطرافیان خود را نیز دچار خسران می‌کنند.

باید گفت خانواده مانند هر واحد اقتصادی دیگری نیاز به تنظیم و کنترل بودجه دارد. برنامه‌ریزی نه تنها به توازن تعادل اقتصادی و روانی خانواده کمک می‌کند، بلکه با توجه به وسعت نیازهای افراد و انتخاب‌هایی که پیش رو دارند امری ضروری به نظر می‌رسد. دین مبین اسلام نیز، مسلمانان را به اعتدال و میانه روی در امور اقتصادی تشویق می‌کند.

نکته مهم این است که برنامه‌ریزی مالی خانواده فقط مربوط به خانواده‌های مرفه و ثروتمند نیست. این موضوع برای افراد کم‌درآمد که دخل و خرج‌شان یکی نیست بیشتر کاربرد دارد. در بسیاری مواقع افزایش درآمد افزایش هزینه‌ها را به دنبال دارد و

در ادامه راهکارهایی ارائه می‌شود تا افراد بر حافظه خود تسلط بیشتری داشته باشند.

علاقه‌مند باشید

نسبت به مطالبی که باید به ذهن بسپارید، علاقه‌مند باشید. یادآوری اتفاق خاص با جزییات به علاقه افراد و میزان اهمیتی که به آن اتفاق یا جزییات می‌دهند، بستگی دارد. افراد، مکان‌ها و موضوعاتی که برای فرد جالب توجه است بیشتر به خاطر سپرده می‌شود. هنگامی که اشتیاق به انجام کاری باشد، بیشتر به آن توجه کرده و لذا آن مطلب در ذهن ماندگارتر می‌شود.

توجه خود را بیشتر کنید

اگر می‌خواهید چیز بیشتری در ذهن باقی بماند، باید بیشتر به آن توجه کرد. مشکل از حافظه نیست، مشکل ممکن است از توجه باشد. افرادی که حافظه خوبی دارند به اتفاقاتی که روی می‌دهد توجه بیشتری دارند.

تفکر کنید

فراموش نکنید که حافظه یک فرآیند فعال است. توجه مضاعف افراد، مشاهده جزییات بیشتر، تفکر بیشتر در باره دلایل رویدادها، درک ارتباط بین آنچه که فرد می‌داند با آنچه سعی می‌کند بیاموزد، آنچه به خاطر سپرده می‌شود و فرد می‌تواند آن را به یاد آورد، همگی فرآیندی فعال است.

خونسرد باشید

داشتن ذهن آرام به حافظه کمک می‌کند. با ذهن آرام بیاموزید. موارد آموخته را با ذهن آرام باز خوانی کنید. برای مثال اگر وسیله را در محل کارتان جا گذاشته‌اید، به جای آشفتگی سعی کنید خود را آرام و خونسرد نگهدارید و با آرامش اتفاقات را مرور کنید. در این صورت یادآوری با موفقیت بیشتری صورت می‌گیرد.

مضطرب نباشید

اضطراب زیاد هنگام امتحان در به خاطر آوردن مواد درسی خلال جدی ایجاد می‌کند و مدیریت این اضطراب کمک شایان توجهی به این دست دانش آموزان می‌کند. این خانم هم مشکلی مشابه دارد و به علت بحران هایی که پشت سر گذاشته است احتمالاً بسیار مضطرب و مشوش است و همین مساله باعث ضعف جدی وی در فرآیند بازیابی مطالب می‌شود.

افسردگی ممنوع

برای تقویت حافظه باید افسردگی را کنترل کرد. افسردگی علاقه و لذت بردن از اتفاقاتی را که افراد را احاطه کرده است، تضعیف می‌کند. در نتیجه انرژی کمی برای یادآوری باقی می‌ماند. افراد افسرده بیشتر مضطرب می‌شوند و افکار توأم با افسردگی دارند مثلاً «ذهنم قفل شده است»، «مغزم درست کار نمی‌کند» و... وقتی احساس افسردگی می‌کنید برای درمان آن اقدام جدی کنید، چون درمان افسردگی باعث می‌شود که حافظه به کارکرد طبیعی خود باز گردد.

آنچه دوست دارید، ببینید

از راه های حسی مورد علاقه خود باید استفاده کرد. برخی با دیدن، چیزی را بهتر به حافظه می‌سپارند یعنی «حافظه تصویری» خوبی دارند و برخی دیگر با شنیدن بهتر به خاطر می‌آورند یعنی «حافظه شنیداری» در آنها قوی تر است. اگر با گوش دادن چیزی را بهتر به خاطر می‌سپارید به جای خواندن کتاب و جزوه آموزشی، CD یا برنامه‌های صوتی گوش دهید. فراموش نکنید تا وقتی که حالات روحی تان نامناسب است تمام مسائل و وظایف مهم زندگی تان را یادداشت کنید و دائماً آن را مرور کنید تا فعالیت های کاری و درسی و زندگی تان به طور جدی مختل نشود.



ذهنم قفل شده است



اخیرا حافظه تان خوب کار نمی‌کند حتی نشانه گذاری‌ها هم دیگر دردی را دوا نمی‌کند. احساس می‌کنید، زندگی پرتنشی که دارید، ذهن تان را درگیر کرده است و دچار فراموشی شده‌اید. به حافظه سپردن مطالب یکی از مهم ترین توانایی های انسان است. حافظه و توانایی بازیابی مطالب از آن اساس و ابزار کار کسانی است که فعالیت های ذهنی زیاد دارند. با این حال اشتباه نکنید حافظه فقط استعدادی فطری نیست بلکه می‌توان با استفاده از فنون و روش های خاص حافظه را کارآمدتر و قوی تر ساخت. بسیاری از افراد از حافظه خود ابراز ناخرسندی می‌کنند. بویژه افرادی که شرایط سخت و اضطراب آوری را پشت سر می‌گذارند در بازیابی جزییات بسیار ناتوان می‌شوند. از جمله آدرس، شماره تلفن، اسم افراد، زمان ملاقات و ... را فراموش می‌کنند.

شما را نمی‌دانم اما من که هر وقت اسم «تابستان» را می‌شنوم، یاد شرشر عرق‌هایی می‌افتم که در روزهای داغ و آفتابی از سر و رویم می‌ریزد. بوی عرق را هم که نگو... اگر چه عرق کردن و بوی بدن جزئی از زندگی آدم‌هاست ولی گاهی اوقات این بوی بد عرق حتی با عوض کردن مکرر لباس، حمام کردن‌های روزانه و استفاده از دئودورانت‌ها و خوشبوکننده‌ها هم قابل کنترل نیست و نه تنها دیگران را آزار می‌دهد، خود فرد را هم از این مشکل عاصی می‌کند! اینجا می‌خواهیم ببینیم چرا بوی بدن و میزان تعریق بعضی‌ها شدیدتر از دیگران است و برای کنترلش از چه راه‌های خانگی و سنتی می‌توانند استفاده کنند؛ با ما همراه باشید.

ایمان از شر شر و چکچک!

این چند توصیه را جدی بگیرید

تا می‌توانید آب بنوشید
مصرف کافئین‌ها را کاهش دهید
از دئودورانت و صابون‌های قوی استفاده نکنید
دوش آب داغ نگیرید
خوراکی‌های قندی، تند و فرآوری شده نخورید
لباس‌های الیاف طبیعی و گشاد بپوشید
سعی کنید وزن اضافیتان را کاهش دهید
با مصرف عرق کاسنی، شاه‌تره، خارشتر و خاکشیر دمای بدنتان را پایین بیاورید.
سرکه درمانی کنید: سه بار در روز، دو قاشق چایخوری سرکه طبیعی را با یک قاشق چای‌خوری سرکه سیب مخلوط کرده و میل کنید.
آب گوجه‌فرنگی میل کنید: هر روز یک لیوان آب تازه گوجه‌فرنگی میل کنید.
استفاده از این روش برای درمان تعریق کودکان هم مناسب است.
درمان با سیب‌زمینی: برای درمان تعریق زیادی؛ کافیت چند برش سیب‌زمینی را زیر بغل‌ها و سایر نواحی که بیشتر عرق می‌کنند، بمالید.
یک درمان گازدار: مقداری نشاسته ذرت را با بکینگ سودا مخلوط کرده و بعد از تمیز کردن زیر بغل‌ها، به این نواحی بمالید و نیم ساعت بعد بشویید.
بفرمایید چای: چند چای کیسه‌ای را در آبجوش بخیسانید و وقتی خنک شد، کف دست‌هایتان را در چای فرو ببرید. این روش، درمانی عالی برای کاهش تعریق کف دست‌ها به خصوص برای بچه‌هاست.
انگور درمانی: هر روز انگور میل کنید تا میزان عرق کردن‌تان به مقدار عادی برگردد. انگور دمای بدنتان را تنظیم می‌کند.
«نمک» در «آب و نمک»: عرق مخلوطی از آب و نمک است و جالب اینکه می‌توانید از نمک برای درمان تعریق زیادتان به خصوص کف دست‌ها کمک بگیرید. پس یک قاشق چای‌خوری نمک را با آب لیموترش مخلوط کرده و کف دست‌هایتان را با این مخلوط ماساژ دهید. این محلول فعالیت غدد عرق را کاهش داده و میزان تعریق را کاهش می‌دهد.

این خیسگی از کجا می‌آید؟

بدن ما دارای دو نوع غده تعریفی به نام‌های اکرین و اپوکرین است که دو نوع کاملاً متفاوت از عرق را تولید می‌کنند. هر دو نوع بیبو هستند، اما عرقی که در زیر بغل و کشاله‌ران‌ها تولید می‌شود، به خاطر ترکیب با باکتری‌هایی که به طور طبیعی روی پوست این نقاط زندگی می‌کنند، بوی بد می‌گیرد!
غدد اکرین تقریباً در تمام بدن وجود دارند و مستقیم به روی سطح پوست راه دارند. غدد اپوکرین بیشتر در فولیکول‌های مو مثل زیر بغل‌ها و کشاله‌ران‌ها قرار دارند و در فولیکول‌های مو تخلیه می‌شوند. وقتی دمای بدن افزایش می‌یابد، غدد اکرین عرق را به سطح پوست ترشح می‌کند و همزمان با خشک شدن عرق، بدن خنک می‌شود.

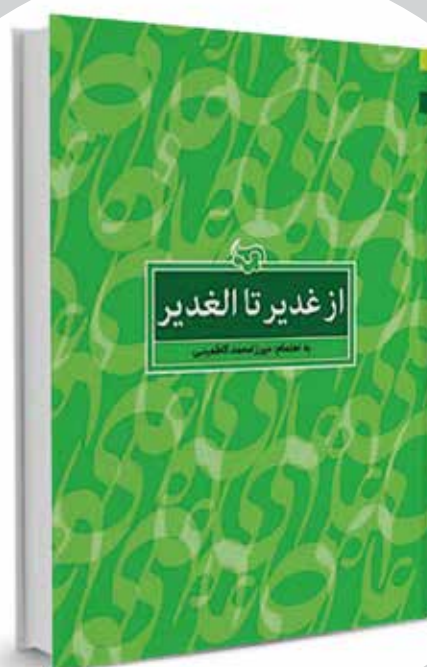
تغییر در میزان تعریق شامل بیش از حد عرق کردن، کم شدن عرق یا عرق نکردن، همگی می‌توانند باعث نگرانی باشند. میزان تعریق و بوی بدن هر فرد با دیگری متفاوت است ولی اگر به طور ناگهانی میزان تعریق‌تان خیلی زیاد یا کم شد، یا احساس کردید بوی بدنتان عوض شده، حتماً باید به پزشک مراجعه کنید.

ایمان از باکتری‌ها!

روی پوست بدن هر فرد باکتری‌هایی وجود دارد که نوع و مقدار آن در افراد مختلف متفاوت است؛ بنابراین با افزایش میزان باکتری‌ها یا افزایش تعریق، بوی بد بدن هم بیشتر می‌شود.

عوامل تعریق زیاد

تعریق زیاد معمولاً به خاطر وزن بسیار زیاد بدن، نوسان هورمون‌ها، مشکلات خلقی، افسردگی، خشم، دیابت، بیماری قلب یا ریه، پارکینسون، مشکلات تنفسی، زونا، پرکاری تیروئید، نقرس، آسیدیدگی نخاع، بارداری و یائسگی رخ می‌دهد.



در روزگاری جریان‌های سلفی و وهابی در هر گوشه از جهان اسلام با سرمایه گذاری جریان‌های قدرتمند مالی وهابی از یک سو و دشمنان ایران اسلامی از دیگر سو، به اشکال گوناگون برای گمراه ساختن جوانان مسلمان و به ویژه شیعیان مشغول توطئه چینی هستند، ضرورت انتشار کتاب‌هایی نظیر «از غدیر تا الغدیر» بیش از هر زمانی احساس می‌شود.

به ویژه اگر این کتاب‌ها از زبانی قابل درک برای مخاطبان برخوردار بوده و در عین حال به لحاظ علمی نیز آثاری مستدل و محکم باشند. کتاب «از غدیر تا الغدیر» که به کوشش میرزا محمد کاظمینی توسط انتشارات دلیل ما به زیور چاپ آراسته شده نمونه بسیار خوبی ست که می‌توان به علاقمندان این حوزه مطالعه آن را پیشنهاد داد.

میرزا محمد کاظمینی نویسنده کتاب «از غدیر تا الغدیر» نیز مهمترین هدف خود را در راستای آشنایی جوانان و علاقه‌مندان با موضوع غدیر، و سپس مسلح شدن آنها در مقابل سیل عظیم تهاجم فرهنگی غرب و وهابیت قرار داده است. این کتاب با مقدمه‌ای درباره آخرین حج پیامبر (ص) که منجر به توقف در منطقه غدیر شد و سپس سخنان رسول خدا (ص) در خطبه غدیر و اعلام علنی وصایت و خلافت امیرالمومنین (ع) آغاز می‌شود. این مقدمه به سخی اجمالی درباره آثار غدیر به مضمون کتاب «الغدیر» علامه امینی می‌پردازد.

کتاب «از غدیر تا الغدیر» متشکل از مجموعه مقالات است که چند مقاله آن درباره غدیر از شئون متفاوت و تعدادی مقاله درباره «الغدیر» علامه امینی به عنوان مهم‌ترین کتاب در زمینه غدیر نوشته شده‌اند.

از ژرفای غدیر با محوریت سوره مائده آخرین سوره نازل شده به پیامبر (ص)، غدیر و خطری که مسلمین را تهدید می‌کرد، در موضوع علت عدم تحویل خلافت به علی (ع) غدیر خم، در پاسخ به شبهه پیش آمده در معنای مولا و اقدام رسول خدا (ص) در تعیین مولای مردم، عید ولایت، طرحی برای آینده مسلمانان، حماسه غدیر، غدیر در تاریخ و حدیث و ادبیات، غدیر در پرتو کتاب و سنت، غدیر، گزارشی مفصل از واقعه غدیر با استنادات به آن، الغدیر و وحدت اسلامی، تطور مذهب شیعه و امینی مجدد مذهب، علامه امینی، محقق طباطبایی و حدیث غدیر، درنگی در کتاب الغدیر، کتاب شناخت غدیر و همچنین غدیره‌های فارسی و غدیر در شعر فارسی، عناوین برخی از مقالات این کتاب را تشکیل می‌دهند.

از غدیر تا الغدیر

به کوشش: میرزا محمد کاظمینی
انتشارات دلیل ما
چاپ اول ۱۳۹۲
شمارگان ۱۰۰۰ نسخه
۴۲۰ صفحه، ۱۵۰۰۰ تومان

کسب رتبه نخست «کافه اسپریس» در مسابقه بین المللی ARCHITIZER کافه اسپریس در مسابقات ARCHITIZER در بخش رستوران از بین ۵ فینالیست به انتخاب داوران رتبه نخست را کسب کرد.



مشخصات پروژه کافه اسپریس
معمار: هومن بالا زاده ■ مساحت: ۲۸ متر مربع
محل اجرا: تهران ■ مدیر طراحی: الهام سیفی آزاد
تیم طراحی: نیلوفر اله طاهرا - نوشین عطروش
تصویر سازی سه بُعدی: مونا رضوی ■ کارفرما: امیر درخشی
عکاس: پرهام تقی اف ■ مجری برق: مهندس فرد
سرپرست اجرایی: علی اکبری، نصرت الله منصوری

آینده مانند در نظر گرفتن مکانی برای آویزان کردن تابلوها و.. در روند طراحی پیش بینی شد.

نورپردازی پروژه توسط چراغ های کار شده در شکاف ها و در بین مفصل آجرها با الهام از معماری سنتی ایران، به زبانی مدرن طراحی و ارائه شد. با توجه به وجود بافت آجری به عنوان پوشش فضا امکان نورپردازی به این شکل به وجود آمد که توانست جلوه ای متفاوت و خاص به فضا ببخشد. در نورپردازی ترکیبی از لامپ ها با پلکسی گلاس اجرا شد تا در آینده نصب و تغییر مکان آنها به راحتی و صورت دستی امکان پذیر باشد. مواد و مصالح دیگری که در طراحی داخلی کافه اسپریس مورد استفاده قرار گرفت چوب تیره ای بود که به عنوان کف پوش، پوشش دیوار پشت آشپزخانه و در مبلمان می توان آن را دید.



کافه اسپریس فضایی با ۲۸ متر مربع در خیابان نجات الهی در مرکز تهران است، که توسط مغازه های صنایع دستی احاطه شده و ساختمان سازمان صنایع دستی ایران در همسایگی و رو به روی این کافه قرار دارد. کافه اسپریس توسط هومن بالا زاده معمار ایرانی که کافه ام و پروژه های برجسته زیادی در کارنامه کاری اش دارد انجام گرفته است. هدف از این پروژه بازسازی یک مغازه کارت فروشی و تبدیل آن به یک کافی شاپ بود. با توجه به اندازه کوچک این پروژه و محل قرارگیری آن ایده اصلی با الهام از بافت شهری، تبدیل عناصر سنتی معماری ایرانی به یک فضای داخلی معماری مدرن بود. با چیدانه همراه شوید و با ایده های طراحی در این کافی شاپ و روند آن بیشتر آشنا شوید.

با توجه به قرارگیری بنا رو بروی ساختمان مرکزی صنایع دستی ایران که نمایی آجری دارد. از آجر برای شکل دهی فضا استفاده شد. به عبارت دیگر: طراحی کلی پروژه، بر اساس به کارگیری ایده و کانسپتی بر پایه مواد و مصالح سنتی در هندسه های یکپارچه شکل گرفت است، که با آغاز آن در فضای بیرونی و امتداد دادن آن به فضای داخلی وحدت و هماهنگی در کل پروژه ایجاد شده است. با این کار مشتری های کافه در مسیری که طراح آگاهانه ایجاد کرده قرار خواهند گرفت.

با توجه به فضای کوچک این پروژه، آجرها با ابعاد $5 \times 10 \times 20$ به هشت تکه کوچکتر با اندازه $5 \times 5 \times 5$ سانتی متر تقسیم شدند. که یک طرف آنها با لعاب فیروزه ای به رنگ آبی در آمدند و این آجرهای قرمز مایل به قهوه ای همگی با لایه بهداشتی ضد باکتری پوشانده شده اند.

یکی از مسائل اصلی در طراحی داخلی کافه اسپریس ایجاد تنوع بصری در فرم بود. در یک فضای کوچک با انتخاب این کانسپت، حس و حال و درک بازدید کنندگان در ارتباط با طراحی فرم این پروژه نکته مهمی بود که با تغییر و ترکیب رنگ در آجرها و پس و پیش نشاندن آنها ایجاد شد. سمت فیروزه ای رنگ جداره آجرها رو به جنوب قرار گرفت و با هندسه یکپارچه از پیاده رو آغاز شده و داخل کافه ادامه پیدا است.

روند طراحی به گونه ای شکل گرفت که در نهایت ساخت و ساز آن به راحتی توسط هر سازنده ای قابل اجرا باشد. به همین دلیل تمهیداتی برای پیش برد روند ساخت و ساز نیز صورت گرفت. از جمله تهیه نقشه جزئیات کار در مقیاس های بزرگ و در نظر گرفتن اتصالات قابل اجرا و ساده برای آجرها.

بنا قبل از بازسازی یک سقف کوتاه حدود دو متر و یک نیم طبقه کوتاه تر داشت. نیمی از نیم طبقه مغازه تخریب شد تا ارتفاع مغازه از سطح همکف بلندتر شود و آشپزخانه و سرویس بهداشتی در بالا قرار گرفت.

دیوارهای فضایی از نظر مصالح و عملکرد، پروژه را به دو بخش اصلی تقسیم می کند. بخش درونی آشپزخانه که از طریق دیوار انتهایی به کف کافی شاپ می رسد و تعریف کننده در ورودی کافه است که تاسیسات دمنده فضای کافه را بالای ورودی مخفی کرده است. آشپزخانه که در سطح بالاتر قرار دارد به وسیله راه پله و یک آسانسور کوچک به طبقه همکف متصل می شود.

بخش بیرونی با سطح آجری که از کف پیاده روی جلوی کافه شروع می شود و به نما و نهایتا به فضای داخلی انتقال پیدا می کند. همچنین تمام نیازهای



قسمت

نانو تکنولوژی علم ابعاد خیلی کوچک



تاریخچه نانو تکنولوژی در دنیا

بعد از دهه ۹۰ که فناوری اطلاعات هیاهوی بسیاری در جهان به پا کرد، در آغاز قرن بیست و یکم دانشمندان تمرکز خود را بر فناوری نوینی معطوف کردند که به عقیده عده‌ای می‌تواند آینده بشر را متحول کند. نانو تکنولوژی دارای سابقه زیادی نیست. این موضوع برای نخستین بار حدود ۴۰ سال پیش، در سال ۱۹۵۹ توسط ریچارد فیمن، دانشمند کوانتوم نظری و دارنده جایزه نوبل، مطرح شد. او گفت: «اگر دانشمندان ترانزیستورها را ساخته‌اند، ما با علم اتمی می‌توانیم همین ترانزیستورها را با مقیاس بسیار کوچک بسازیم». او قصد داشت با قرار دادن اتم‌ها در کنار یکدیگر کوچکترین مصنوعات بشری را بسازد.

بعدها اریک درکسلر، دانشجوی رشته کامپیوتر برای پروژه فارغ التحصیلی خود، دانشمند بزرگ هوش مصنوعی دکتر مینسکی پدر علم هوش مصنوعی را به عنوان استاد راهنما برگزید. درکسلر علاقه زیادی به نظریه‌های فیمن (ساخت سیستم‌ها در ابعاد نانو) داشت. وی بعد از اخذ درجه استادی علوم کامپیوتر، نظریه نانو تکنولوژی را بنا نهاد. نخستین مقاله وی در زمینه نانو تکنولوژی در سال ۱۹۸۱ و با موضوع نانو تکنولوژی مولکولی به چاپ رسید. درکسلر نخستین کسی بود که در سال ۱۹۹۱ از دانشگاه MIT مدرک دکتری نانو تکنولوژی را دریافت کرد. وی هم اکنون رئیس انیستیتو Foresight و Research Fellow است. بعدها کشورهای توسعه یافته، برنامه ریزی‌های گسترده‌ای را برای فعالیت‌های تحقیقاتی و صنعتی در زمینه نانو تکنولوژی تدوین کردند.

نانو تکنولوژی در ایران

در ایران بیش از یک دهه است که تکنولوژی نانو به عنوان یکی از مهمترین تحقیقات زیر بنایی کشور مورد توجه قرار گرفته است.

در کشور ما نیز برای برخورداری از فناوری‌های نوین تلاش‌هایی صورت گرفته است. در سال ۱۳۶۲ هجری شمسی نخست وزیر وقت با توجه به اهمیت فناوری روز دنیا «دفتر بررسی‌ها و مطالعات علمی و صنعتی» را تاسیس کرد. هدف این دفتر، مشاوره علمی و صنعتی در زمینه تکنولوژی‌های نوین بود. این دفتر در زمان آقای هاشمی رفسنجانی نیز به کار خود ادامه داد، تا اینکه در زمان محمد خاتمی به «دفتر همکاری تکنولوژی» تغییر نام یافت. این دفتر علاوه بر مطالعه و تحقیق در زمینه تکنولوژی‌های نوین و مدیریت تکنولوژی در ایران، با دستگاه‌های کشور در زمینه بسط و گسترش فناوری روز دنیا همکاری می‌کند.

در چند سال اخیر برنامه ریزان کشور بنا بر اهمیت بسیار زیاد نانو تکنولوژی، سیاست‌های تشویقی خوبی را برای حمایت از تحقیقات در این بخش به کار گرفته‌اند. شاید آخرین اقدام دولت برای حمایت از نانو تکنولوژی، اختصاص بودجه‌ای برای تشویق محققان این بخش باشد. جشنواره خوارزمی نیز نشان می‌دهد که برخی مواقع تحقیقات بسیار موثری در این زمینه در ایران صورت می‌گیرد که البته با توجه به نقش این فناوری نوین در توسعه بافتگی کشورها، بسیار حائز اهمیت خواهد بود.

نانو تکنولوژی علم ابعاد خیلی کوچک نانو تکنولوژی (NANOTECHNOLOGY)

در ترجمه لفظ به لفظ به معنی تکنولوژی بسیار کوچک است. نانو به معنی بسیار بسیار کوچک است (مقیاس ۱۰ به توان ۹ - بار کوچک تر نیز معنی می‌شود). اما این تعریف نمی‌تواند معنای واقعی نانو تکنولوژی را برساند، زیرا از این ترجمه لفظ به لفظ چنین برمی‌آید که علم نانو تنها به ساخت اشیای بسیار بسیار کوچک می‌پردازد؛ در حالی که پیش از این هم اشیای بسیار کوچک ساخته می‌شدند، اما آن فرآیند نانو تکنولوژی نامیده نمی‌شد. باید گفت که ساخت وسایلی با مقیاس چند میلیارد واحد کوچک تر، تنها یکی از ابعاد نانو تکنولوژی به شمار می‌رود.

ترجمه علمی «نانو تکنولوژی» که در میان دانشمندان این فناوری بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد، دریچه‌های مرموز نانو تکنولوژی را بر ما آشکار می‌کند. «نانو تکنولوژی» تازه‌ترین فناوری است که بشر به آن دست یافته است. در این تکنولوژی سعی می‌شود با استفاده از خواص مولکولی مواد موجود در طبیعت، وسایلی ساخته شود تا از مشکلات وسایل فعلی بکاهد و در ضمن کارایی آنها را نیز چندین برابر کند. برای نمونه، لباسی را که به تن می‌کنید در نظر بگیرید، بعد از مدت کوتاهی کثیف می‌شود، آن را می‌شوید و در نتیجه به اتو احتیاج پیدا می‌کنید؛ یا اینکه ترجیح می‌دهیم لباسمان در تابستان خنک و در زمستان گرم باشد. حال نقش نانو تکنولوژی در این میان چیست؟ با استفاده از فناوری جدید نانو، دانشمندان توانسته‌اند پارچه‌ای تولید کنند که هیچ وقت کثیف نشود، یعنی هیچ نوع آلودگی روی آن ننشیند جالب تر آنکه اگر چروک شود، فقط با یکبار تکان دادن صاف می‌شود. استفاده محققان از تکنولوژی نانو در تولید چنین پارچه‌ای، به معنای آن نیست که ما پارچه‌ای در مقیاس کوچک تولید کرده ایم، بلکه فناوری نانو، تغییراتی در خواص مولکول‌های تشکیل دهنده پارچه صورت می‌دهد و به این ترتیب پارچه هیچگاه کثیف نمی‌شود. با استفاده از نانو، خواص مولکول‌ها تغییر می‌یابد، اما ماده‌ای که از این مولکول‌ها ساخته می‌شود، تمام خواص مولکول‌ها را در خود دارد.

علم یا تکنولوژی

در نگاه اول این گونه به نظر می‌رسد که نانو یک علم باشد، زیرا با استفاده از آن در خواص مولکولی مواد تغییراتی ایجاد می‌کنیم. اما آیا نانو به واقع علمی نوین در قرن ۲۱ است؟

هنرمندان عصر ما بر این عقیده‌اند که دوره خلق آثار تازه به پایان رسیده است و باید با نگاهی مجدد به آثار هنرمندان پیشین، هنر آنها را از زاویه دیگری به مردم نشان داد، احتمالاً شما هم برخی از این آثار هنری مدرن را که بسیار عجیب هم به نظر می‌رسند، مشاهده کرده‌اید.

دانشمندان نیز به تازگی به این نتیجه رسیده‌اند که دوره کشف علوم جدید پایان یافته است و شاید موقع آن رسیده باشد تا از زاویه‌ای دیگر به علوم مختلف نگاه شود. آنها معتقدند که می‌توانند با تغییر در خواص مولکولی مواد، کارایی آنها را بهبود دهند. به همین دلیل از نانو به عنوان یک تکنولوژی یا فناوری نوین بهره می‌برند. «نانو تکنولوژی» در واقع می‌کوشد با نگاهی مجدد به وسایل، سیستم‌ها و موادی که تاکنون ساخته شده است، عیوب آنها را برطرف کند.



بزرگترین تبلت جهان

به گفته کارشناسان، این نخستین رایانه لوحی در جهان محسوب می‌شود که با نمایشگر ۲۷ اینچی ساخته شده است و از این نظر می‌توان آن را از رایانه‌های شخصی هم بزرگتر دانست.

بزرگترین رایانه لوحی که هم‌اکنون در بازار جهانی فروخته می‌شود IPAD اپل است که با نمایشگر ۱۰ اینچی، بدنه باریک و ظاهر زیبا عرضه می‌شود البته تبلت‌های مشابه و هم‌اندازه آن ساخت دیگر شرکت‌ها هم به‌وفور در بازار یافت می‌شوند.

اما آیا تاکنون در مورد اندازه‌های دیگر این محصول هم فکر کرده‌اید؟ در دنیای رایانه‌های لوحی اندازه نمایشگر تنها با یک یا دو اینچ تغییر می‌کند، اما شرکت لنوو محصول جدیدی در این زمینه تولید کرده است که HORIZON نام دارد و از اواخر ماه جاری میلادی با قیمت ۱۵۰۰ دلار وارد بازار می‌شود و با تمامی تبلت‌های موجود در بازار جهانی متفاوت است.

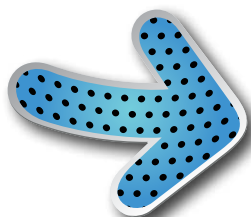
به همراه این رایانه لوحی یک موشواره و صفحه‌کلید بی‌سیم هم به کاربر داده می‌شود و از دیگر قابلیت‌های در نظر گرفته شده برای آن می‌توان به سیستم‌عامل ویندوز ۸ با قابلیت اجرای بیش از ۴ میلیون ابزار و برنامه، دو ورودی USB، چهار اسپیکر باکیفیت، یک وبکم در قسمت بالا، یک ترابایت حافظه داخلی، پشتیبانی از کارت حافظه، ورودی هدفون و میکروفون، رم ۸ گیگابایتی و خروجی HDMI اشاره کرد.

برای این رایانه لوحی غول‌پیکر از پردازنده I5 اینتل استفاده شده است که در لپ‌تاپ‌ها نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

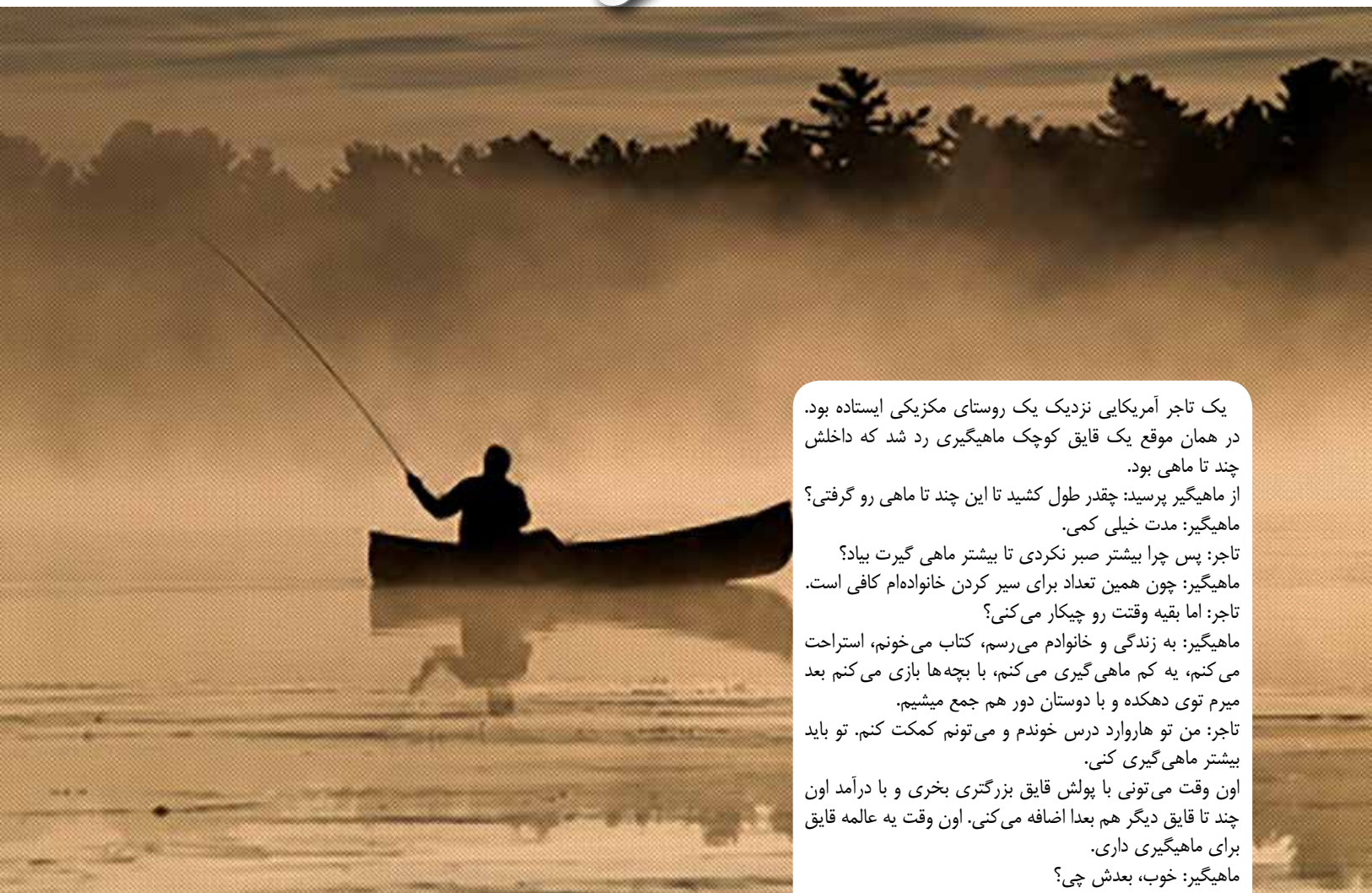
همچنین اگر کاربران ۲۰۰ دلار بیشتر پرداخت کنند می‌توانند آن را با پردازنده 17 در اختیار بگیرند.



پیراهن وصله داری بر تن امام بود شخصی پرسید: چرا پیراهن وصله دار می پوشی؟
فرمود: دل با آن فروتن و نفس رام می شود و مومنان از آن سرمشق می گیرند.



ماهیگیر عاقل



یک تاجر آمریکایی نزدیک یک روستای مکزیکی ایستاده بود. در همان موقع یک قایق کوچک ماهیگیری رد شد که داخلش چند تا ماهی بود.

از ماهیگیر پرسید: چقدر طول کشید تا این چند تا ماهی رو گرفتی؟ ماهیگیر: مدت خیلی کمی.

تاجر: پس چرا بیشتر صبر نکردی تا بیشتر ماهی گیرت بیاد؟ ماهیگیر: چون همین تعداد برای سیر کردن خانواده‌ام کافی است. تاجر: اما بقیه وقت رو چیکار می‌کنی؟

ماهیگیر: به زندگی و خانواده‌ام می‌رسم، کتاب می‌خونم، استراحت می‌کنم، یه کم ماهی گیری می‌کنم، با بچه‌ها بازی می‌کنم بعد میرم توی دهکده و با دوستان دور هم جمع میشیم.

تاجر: من تو هاروارد درس خوندم و می‌تونم کمکت کنم. تو باید بیشتر ماهی گیری کنی.

اون وقت می‌تونی با پولش قایق بزرگتری بخری و با درآمد اون چند تا قایق دیگر هم بعدا اضافه می‌کنی. اون وقت یه عالمه قایق برای ماهیگیری داری.

ماهیگیر: خوب، بعدش چی؟

تاجر: به جای اینکه ماهی‌ها رو به واسطه بفروشی اونا رو مستقیماً به مشتری‌ها می‌فروشی و برای خودت کارو بار درست می‌کنی... بعدش کارخونه راه می‌اندازی و به تولیداتش نظارت می‌کنی... این دهکده کوچک رو هم ترک می‌کنی و می‌روی مکزیکوسیتی! بعد از اون هم لوس آنجلس! و از اونجا هم نیویورک... اونجاست که دست به کارهای مهم‌تری می‌زنی...

ماهیگیر: این کار چقدر طول می‌کشه؟

تاجر: پانزده تا بیست سال!

ماهیگیر: اما بعدش چی آقا؟

تاجر: بهترین قسمت همین، در یک موقعیت مناسب که گیر اومد سهام شرکت رو به قیمت خیلی بالا می‌فروشی! این کار میلیون‌ها دلار برات عایدی داره.

ماهیگیر: میلیون‌ها دلار! خوب بعدش چی؟

تاجر: اون وقت بازنشسته میشی! میری یه دهکده‌ی ساحلی کوچیک! جایی که می‌تونی تا دیر وقت بخوابی! یه کم ماهیگیری کنی، با بچه‌ها بازی کنی! بری دهکده و تا دیروقت با دوستان خوش بگذرونی.

ماهیگیر: مگه من الان همین کار رو نمی‌کنم؟

حق آموزگار

حق کسی که عهده‌دار تعلیم تو است، آن است که او را بزرگ شماری و مجلس او را سنگین بداری و نیکو به وی گوش فرادهی و روی خود را بر او کنی و با او بلند سخن نگویی و کسی را که از او چیزی می‌پرسد، تو پاسخ ندهی و بگذاری که خود او پاسخ‌گو باشد و در مجلس او با هیچ کس به صحبت ننشینی و در محضر او بدگویی از کسی نکنی؛ و اگر از او در نزد تو بدگویی شد، از او دفاع کنی و عیب‌پوشش باشی و فضایل و مناقب او را آشکار کنی و با دشمنش هم‌نشینی نکنی و با دوستش دشمنی نورزی؛ پس چون چنین کردی، فرشتگان خدای -تعالی- به سود تو گواهی خواهند داد که مقصد و مقصود تو از او و فراگرفتن دانش او، فقط برای خدا بوده، نه به خاطر مردم.

حق دانشجو

و اما حق پیروان تو در علم و دانشجویانت آن است، بدانی خداوند -عزوجل- با علمی که عطایت فرموده و خزائن آن را بر تو گشوده، تو را سرپرست آن‌ها نهاده است. پس اگر در آموختن به مردم به نیکی عمل کنی و آنان را سرگشته نسازی و میازاری، خداوند فضلش را بر تو افزون خواهد کرد؛ و اگر علمت را از مردم بازداری یا چون از تو علم طلب کنند حیران سازی، بر خداوند است که علم و درخشش آن را از تو گیرد و تو را از دل‌های مردم بیندازد.

رساله‌ی حقوق امام سجاد(ع)



سال‌های مدرسه

گرچه دورم سال‌ها از سال‌های مدرسه
باز گاهی می‌تپد دل در هوای مدرسه

گوش من نشنیده هرگز در تمام زندگی
خوشر از آوای زنگ آشنای مدرسه

یاد باد از آن معلم‌ها که دیگر نیستند
هست آهنگ صدایشان در فضای مدرسه

یاد باد آن لحظه‌های درس و مشق و امتحان
یاد باد آن روزهای با صفای مدرسه

یاد باد از آن دوات و آن قلم‌های نیین
ترکه‌های ناظم و فراش‌های مدرسه

آن ستون‌های بلند و سقف‌های ریخته
آن حیاط پر درخت دلگشای مدرسه

آه آن بابای پیر خنده رو یادش بخیر
می‌نشست او پشت در، در سر سرای مدرسه

باز شیدا، جان من خرم شد از یاد کلاس
جان فدای لحظه‌های جان فزای مدرسه

حسن شیدا

یادش بخیر یاد مدرسه

...یادش بخیر
شعرهم آوای مدرسه
یاد سرود ملی و غوغای مدرسه
یادش بخیر زنگ شروع کلاس درس
صوت بلند بخش الفبای مدرسه
یادش بخیر بچه زرنگی که می‌نوشت
شاگردهای تنبل و بدهای مدرسه
این روزها بدورم از آن جوامتحان
از گریه‌های هرسب و املاي مدرسه
یادش بخیر زنگ ریاضی و ترس ولرز
عشق هوای ورزش و بلوای مدرسه
تاخیرهای عذرموجه و راه دور
لبخندهای خسته‌ی بابای مدرسه
یادش بخیر فصل خزان و هوای سرد
تهدیدهای ناظم و دعوای مدرسه
دیگر گذشت شیطنت وقت امتحان
آموزگارو نمره و انشای مدرسه
یادش بخیر شور و هوایی که داشتیم
دراضطراب بازی فردای مدرسه
.....

با این که روزها سپری می‌شود ولی
جا مانده دل؛ در آن دل دنیای مدرسه
دیگر گذشت سن من از قیل و قال‌ها
شیرین گذشت قصه‌ی غم‌های مدرسه

پیشان

گلشن راز شرح



معرفی گلشن راز شیخ محمود شبستری؛ محتوا و خطوط کلی



شهرت شبستری به واسطه گلشن راز است که آن را در سال ۷۱۷ ه. ق در قالب مثنوی و در پاسخ به سؤالات امیر حسینی هروی، مشتمل بر ۱۰۰۴ بیت سروده است.

امیر حسینی هروی^۱ (متوفی ۷۱۸ ه. ق) که خود از فاضلان و عارفان خراسان بود، نامه‌ای کوتاه به نظم که شامل هجده پرسش درباره معرفت الهی، سیر و سلوک بود، برای عارفان تبریز فرستاد. هر پرسش در یک بیت بیان شده بود. قاصد نامه را با صدای بلند خواند. در آن مجلس نگاه همه به شیخ محمود خیره می‌شود. در میان حاضران مرد کار دیده‌ای بود که ده‌ها بار تحلیل و شرح این مطالب را از شیخ محمود شنیده بود. از این رو شیخ محمود را تشویق به پاسخ دادن به پرسش‌های هجده گانه می‌کند. شبستری در اجابت وی دست به کار شد و متناسب با سؤال‌ها که به نظم بود پاسخ منظوم هر یک از این پرسش‌ها را در همان مجلس بیان کرد.

درباره علت فرستادن سؤالات از سوی هروی، نظریات مختلفی داده شده است. برخی علت این کار را تمایل داشتن امیر حسینی به افشای اسرار عرفانی از زبان دیگری تشخیص داده و بعضی هم طرح سؤالات را برای فتح باب آشنایی ذکر کرده‌اند، نه آزمایش مشایخ تبریز و نه حاجت واقعی به جواب آن‌ها. زیرا هروی خود با این مباحث آشنا بوده و بارها آن‌ها را در آثار عرفانی خویش مطرح کرده است.^۲

از قرائن چنین بر می‌آید که حسینی هروی سؤالات را برای مشایخ تبریز فرستاده است و مشایخ تبریز نیز به علت شهرت و تبحر شبستری در مباحث عرفانی به او رجوع کرده‌اند. شیخ ابتدا از پاسخ با سؤالات طفره می‌رود و بهانه تراشی می‌کند که: «بدو گفتم چه حاجت کاین مسائل / نوشتم بارها اندر رسائل».^۳

پس از فراهم شدن پاسخ‌های اجمالی، قاصد باز می‌گردد. مدتی می‌گذرد تا دوباره پیشنهاد «عزیزی کارفرما» به تکمیل جواب‌ها می‌پردازد و این بار هزاران دُر شهوار از قعر دریای فکر به ساحل نطق می‌آید و بر لب می‌نشیند و بدین ترتیب منظومه گلشن راز سروده می‌شود.

نگاهی گذرا به مهم‌ترین اندیشه‌های عرفانی شبستری در گلشن راز

جلوه‌های تأثیرپذیری شیخ محمود از دو جریان عمده عرفانی (عرفان عاشقانه عطار و مولوی) در گلشن راز به چشم می‌خورد. دانشمند عرفان پژوه معاصر، استاد زرین کوب، در اینباره نکات مهمی را یادآور شده است: این منظومه تقریباً کوچک اما بسیار مهم با توجه و علاقه‌ای که گوینده‌اش به شیوه شعر عطار داشت به سرچشمه معنویت مولانا جلال الدین هم نزدیک است و اینکه تعدادی از شارحان این کتاب که گاه در تبیین مقاصد و مطالب وی نیز به ابیات مثنوی مولوی استشهاد کرده‌اند در عین حال نشان می‌دهد که فهم درست تمام مندرجات آن کتاب نیز بی مدد مثنوی میسر نیست و این رشته که در آثار تعداد دیگری از صوفیه - مثل اوحدی، شاه داعی و پیر جمالی اردستانی - نیز دنبال شده است حضور و استمداد میراث روحانی مثنوی مولانا را در قسمت عمده‌ای از شعر تعلیمی صوفیه نشان می‌دهد. گلشن راز در حقیقت منظومه‌ای صوفیانه بود که با زبان اشارات آراء و اقوال صوفیه را در مسایل مختلف مربوط به فکر، نفس، معرفت، وحدت و کثرت عوالم، اطوار^۵ وجود، سیر و سلوک، قرب و بعد، سیر در انفس با نهایت دقت و ایجاز تفسیر می‌کرد ولیکن به سبب لطف و دقتی که در بیان آن به کار رفته بود، چنان در نزد صوفیه مقبول شد که در عصر صفویه گاه به منزله زبده تمام تعالیم صوفیه تلقی می‌شد و بسیاری از اهل معرفت اهتمام در شرح و تفسیر مطالب و نکات مبهم و مشکل آن را وجهه همت ساختند.^۶

نکته‌ای نباید از آن غافل شد این است که اساساً فهم گلشن راز در گرو درک عرفان محی الدین عربی است. به عبارت دیگر گلشن راز در حکم تبیین و گزارشی است از اندیشه‌های عرفانی محی الدین که با ذوق و ذهن و زبان شیخ محمود بیان شده است. اگرچه این اندیشه‌ها پیچیدگی‌های خاص خود را دارد، اما می‌کوشیم تا حد امکان این مطالب را با زبان ساده‌تر و قابل فهم تر بازگو کنیم. ابتدا نظری کوتاه به پرسش‌ها و چکیده پاسخ‌های شیخ می‌افکنیم.^۷

سؤال اول

نخست از فکر خویشم در تحیر
چه چیز است آنچه گویندش تفکر؟
پاسخ؟

تفکر رفتن از باطل سوی حق
به جزو اندر به دیدن کل مطلق^۸
حکیمان^۹ کاندین کردند تصنیف.
چنین گفتند در هنگام تعریف
که چون در دل شود حاصل تصور.
نخستین نام وی باشد تذکر^{۱۰}
و زو چون بگذری هنگام فکرت.
بود نام وی اندر عرف عبرت^{۱۱}
تصور کان بود بهر تدبّر.
به نزد اهل عقل آمد تفکر^{۱۲}

سؤال دوم

کدامین فکر ما را شرط راه است.
چرا که طاعت و گاهی گناه است؟^{۱۳}
پاسخ:
در آلا فکر کردن شرط راه است.
ولی در ذات حق محض گناه است^{۱۴}
بود در ذات حق اندیشه باطل.
محال محض دان تحصیل حاصل^{۱۵}
رها کن عقل را با حق همی باش.
که تاب خور ندارد چشم خفاش^{۱۶}
در آن موضع که نور حق دلیل است.
چه جای گفت و گوی جبرئیل است^{۱۷}

سؤال سوم و چهارم

که باشم «من» مرا از «من» خبر کن.
چه معنی دارد اندر خود سفر کن؟^{۱۸}
پاسخ:
چو هست مطلق آید در اشارت.
به لفظ من کنند از وی عبارت^{۱۹}
حقیقت کز تعین شد معین.
تو او را در عبارت گفته‌ای «من»^{۲۰}
تو گویی لفظ «من» در هر عبارت.
به سوی روح می‌باشد اشارت^{۲۱}
چو کردی پیشوای خود خرد را.
نمی‌دانی ز جزو خویش خود را^{۲۲}
برو ای خواجه خود را نیک بشناس.
که نبود فربه‌ای مانند آماس^{۲۳}
تو آن جمعی که عین وحدت آمد.
تو آن واحد که عین کثرت آمد^{۲۴}
کسی این سر شناسد کو گذر کرد.
ز جزوی سوی کلی یک سفر کرد^{۲۵}

سؤال پنجم و ششم

مسافر چون بود رهرو کدام است.
که را گویم که او مرد تمام است؟^{۲۶}
پاسخ:
دگر گفتی مسافر کیست در راه.
کسی کو شد ز اصل خویش آگاه^{۲۷}
مسافر آن بود کو بگذرد زود.
ز خود صافی شود چون آتش از دود^{۲۸}
سلوکش سیر کشفی دان ز امکان.
سوی واجب به ترک شین و نقصان^{۲۹}
به عکس سیر اول در منازل.
رود تا گردد او انسان کامل^{۳۰}
کسی مرد تمام است کز تمامی.
کند با خواجه‌گی کار غلامی^{۳۱}

سؤال هفتم و هشتم

که شد بر سر وحدت واقف آخر.
شناسای چه آمد عارف آخر؟^{۳۲}
پاسخ:
کسی بر سر وحدت گشت واقف.
که او واقف نشد اندر مواقف^{۳۳}
دل عارف شناسای وجود است.
وجود مطلق او را در شهود است^{۳۴}

سؤال نهم

اگر معروف و عارف ذات پاک است.
چو سودا در سر این مشت خاک است؟^{۳۵}
پاسخ:
جز از معروف و عارف نیست دریاب.
ولیکن خاک می‌یابد ز خور تاب^{۳۶}
عجب نبود که ذره دارد امید.
هوای تاب مهر و نور خورشید^{۳۷}
کلام حق بدان گشته است منزل.
که با یادت دهد آن عهد اول^{۳۸}

سؤال دهم

کدامین نقطه را نطق است انا الحق.
چه گویی هرزه‌ای بود آن مزبّق؟^{۳۹}
پاسخ:
انالالحق کشف اسرار است مطلق.
بجز حق کیست تا گوید انا الحق^{۴۰}
همه ذرات عالم همچو منصور.
تو خواهی مست گیر و خواه مخمور.
در این تسبیح و تهلیلند دائم.
بدین معنی همی باشند قائم^{۴۱}
چو کردی خویشتن را پنبه کردی.
تو هم حلاج وار این دم برآری^{۴۲}
هرآن کو خالی از خود چون خلا شد.
انالالحق اندرو صوت و صدا شد^{۴۳}

سؤال یازدهم

چرا مخلوق را گویند واصل.
سلوک و سیر او چون گشت حاصل؟^{۴۴}
پاسخ:
وصال حق ز خلقت جدایی است.
ز خود بیگانه گشتن آشنایی است^{۴۵}
چو ممکن گرد امکان برفشاند.
بجز واجب دگر چیزی نماند^{۴۶}
نه مخلوق آن کو گشت واصل.
نگوید این سخن را مرد کامل^{۴۷}

سؤال دوازدهم

وصال ممکن و واجب به هم چیست.
حدیث قرب و بُعد و بیش و کم چیست؟^{۴۸}
پاسخ:
زمن بشنو حدیث بی کم و بیش.
ز نزدیکی تو دور افتادی از خویش^{۴۹}
چو هستی را ظهوری در عدم شد.
از آنجا قرب و بُعد و بیش و کم شد^{۵۰}

سؤال سیزدهم

چه بحر است آنکه نطقش ساحل آمد.
ز قعر او چه گوهر حاصل آمد؟^{۵۱}
پاسخ:
یکی دریاست هستی نطق ساحل.
صدف حرف و جواهر دانش دل^{۵۲}
به هر موجی هزاران دُر شهوار.
برون ریزد ز نقل و نص و اخبار^{۵۳}
وجود علم از آن دریای ژرف است.
غلاف دُر او از صوت و حرف است^{۵۴}



دل آمد علم را مانند یک ظرف.
صدف بر علم دل صوت است با حرف ^{۵۵}.

سؤال چهاردهم

چه جزو است آنکه او از کل فزون است.
طریق جستن آن جزو چون است؟ ^{۵۶}
پاسخ:

وجود آن جزو دان کز کل فزون است.
که موجود است کل وین باژگون است ^{۵۷}.

بود موجود را کثرت برونی.
که از وحدت ندارد جز درونی ^{۵۸}.
وجود کل ز کثرت گشت ظاهر.
که او را در وحدت جزو است ساتر ^{۵۹}.
چو کل از روی ظاهر هست بسیار.
بود از جزو خود کمتر به مقدار ^{۶۰}.

سؤال پانزدهم

قدیم و محدث از هم چون جدا شد.
که این عالم شد آن دیگر خدا شد؟ ^{۶۱}
پاسخ:
قدیم و محدث ^{۶۲} از هم خود جدا نیست.
که از هستی است باقی دائماً نیست؟ ^{۶۳}
همه آن است و این مانند عنقاست.
جز از حق جمله اسم بی مسماست.

سؤال شانزدهم

چه خواهد مرد معنی زان عبارت.
که دارد سوی چشم و لب اشارت؟
چه جوید از رخ و زلف و خط و خال.
کسی کاندر مقامات است و احوال؟ ^{۶۴}
پاسخ:
هر آن چیزی که در عالم عیان است.
چو عکسی از آفتاب آن جهان است ^{۶۵}.
تجلی که جمال و که جلال است.
رخ و زلف آن معانی را مثال است ^{۶۶}.

سؤال هفدهم

شراب و شمع و شاهد را چه معنی است.
خراباتی شدن آخر چه دعوی است؟
پاسخ:
شراب و شمع و شاهد عین معنی است.
که در هر صورتی او را تجلی است.
شراب و شمع ذوق و نور عرفان.
ببین شاهد که از کس نیست پنهان ^{۶۷}.
خراباتی شدن از خود رهایی است.
خودی کفر است اگر خود پارسایی است ^{۶۸}.

سؤال هجدهم

بت و زنار و ترسایی درین کوی.
همه کفر است و گر نه چیست برگوی؟ ^{۶۹}
پاسخ:
بت اینجا مظهر عشق است و وحدت.
بود زنار بستن عقد خدمت ^{۷۰}.
ز ترسایی غرض تجرید دیدم.
خلاص از رتبه تقلید دیدم ^{۷۱}.

پی نوشت

۳۶. جز خدا عارف و معروف وجود ندارد، اما وجود خاکی این انسان ضعیف به برکت ثوابت خورشید الٰهی، درخشش و تابندگی پیدا می کند.
۳۷. و عجیب نیست که او به خود اجازه می دهد که به خورشید تابان وجود الٰهی و وصال و نزدیکی به او امیدوار باشد.
۳۸. چون این انسان در روز الست با خدا عهد بست که جز او را نپرستد، خداوند با نازل کردن کتاب آسمانی این عهد و قرار را به او یادآوری می کند تا انسان جایگاه و مقام آسمانی خود را به خاطر بیاورد.
۳۹. این سخن به ظاهر کفر امیر حلاج که گفت «انالاحق» از چه مقامی حکایت می کند و چرا عده ای او را بیهوده گو و هرزه سخن معرفی کرده اند؟ (یعنی کسی که از سر هوا و هوس سخن گفته است).
۴۰. «انالاحق» گفتن حلاج، افشا کردن اسرار الٰهی است و به جز حق چه کسی است که بتواند «انالاحق» بگوید.
۴۱. فقط حلاج نبود که انالاحق گفت بلکه ذرات عالم به زبان وجودی خود دائماً به تسبیح و ذکر گفتن مشغولند.
۴۲. تو هم اگر وجود مادی خود را از هوا و هوس پاک کنی، مانند حلاج سخن خواهی گفت.
۴۳. هر موجودی که از غیر خدا پاک شود فریاد «انالاحق» سر می دهد چون در این صورت به جز خدا موجود دیگری باقی نمانده است.
۴۴. چگونه مخلوق می تواند به وصال الٰهی برسد و سیر و سلوک او چگونه است؟
۴۵. وصال با خدا مستلزم دوری از غیر اوست و فراموش کردن خود و پای نهادن بر خودخواهی ها، که قرب خدا را به دنبال دارد.
۴۶. وقتی الٰهی خود را از آلودگی های عالم فانی و جهان مادی پاک کرد به بقای عالم روحانی و وجود الٰهی جاودانه می گردد.
۴۷. کسی که به وصال الٰهی می رسد چون قطره ای در دریای وجود الٰهی فانی و جزئی از آن می گردد، پس خاکی مخلوق جدا از خالق یا قطره دور مانده از دریا نیست به قول شاعر:
قطره دریاست اگر با دریاست.
ورنه او قطره و دریا دریاست.
و انسان کامل به این حقیقت کاملاً واقف است و بنده واصل را از خدا جدا نمی داند.
۴۸. چگونه وصال موجود ممکن (که وجودش وابسته به وجود علت یا واجب الوجود است) باشد؟ یا وجود واجب (که وجودش متکی به غیر نیست) امکان پذیر است.
۴۹. انسان از فرط و شدت نزدیکی با خدا، خود را دور می پندارد. (انسان از وجود الٰهی خود با اینکه انقدر به آن نزدیک است، احساس دوری می کند).
۵۰. وقتی به اقتضای ظهورش در عدم تجلی کند (اعیان ثابته، درباره این مفهوم به تفصیل توضیح خواهیم داد) به میزان شدت و ضعف تجلی مفاهیمی مانند قرب و بعد، کم و بیش ایجاد می گردد.
۵۱. آن کدام دریاست که ساحل آن نطق (گویایی) است؟ و از ژرفای این دریاچه گوهری به دست می آید؟
۵۲. آن دریا هستی است که ساحل آن نطق و صدف آن حرف و گوهرش معرفت قلبی است.
۵۳. با هر موجی که از این دریا بر می خیزد هزاران گوهر گرانبها و کم یاب معرفت از جنس آیات و اخبار و احادیث ظاهر می گردد.
۵۴. علم و معرفت از این دریا (هستی الٰهی) نشأت می گیرند. این گوهرهای علم و معرفت و پوشش کلمات پنهان می گردند.
۵۵. قلب برای علم معنوی مانند ظاهر است که این علم و معرفت قلبی در صدف کلام جای می گیرد.
۵۶. آن کدام جزء است که از کل بزرگتر است؟ و چگونه می توان آن جزء را یافت؟
۵۷. آن جزء که از کل بزرگتر است، وجود است. چرا که موجود عبارت است از کل و این امری عجیب و آواگونه به نظر می رسد.
۵۸. کثرت جنبه بیرونی و ظاهری موجودات است و جنبه درونی آن ها وحدت است.
۵۹. پس ظهور وجود کل مستلزم پذیرش کثرت است (چون تا موجود نشود ظهور نمی کند)، اما همین کل که در شکل موجودات ظهور کرده و متکثر شده در بعد باطنی که دیگر ظهور و کثرتی در کار نیست، وحدت دارد و در اینجا به آن وجود می گوئیم.
۶۰. چون کل ظاهراً متعدد و متکثر است از جزء خود که وجود است کمتر است (دقت کنیم که وجود+تین= موجود پس وجود، جزئی از موجود است).
۶۱. قدیم (موجود ازلی) است و محدث (آنکه بعداً به وجود آمده) را چگونه باید از هم جدا دانست که در نتیجه آن به قدیم خدا و به محدث عالم می گوئیم؟
۶۲. درباره قدیم و محدث (حادث) توضیح داده ایم.
۶۳. اساساً در عالم بیش از یک وجود که آن هم خداست، وجود و موجود دیگری نداریم. چون همه موجودات هستی خود را از وجود حق می گیرند. به این دلیل دیگر حادث و قدیم را نمی توان از هم جدا کرد.
۶۴. اهل دل از به کار بردن اصطلاحاتی مانند چشم و لب و رخ و زلف و خط وخال چه منظوری دارند؟ یا توجه به اینکه این جماعت اهل سیر و سلوک و مجاهده با نفس هستند، نباید منظور ظاهری و مادی از این اصطلاحات داشته باشند.
۶۵. هر آنچه در این عالم ظاهر شده است، مانند عکسی از آفتاب عالم معنی است.
۶۶. عارفان برای بیان حقایق عرفان و تجربه های معنوی و درونی خود از این اصطلاحات استفاده می کنند. مثلاً مراد آن ها از «رخ» تجلی جمالی و «زلف» تجلی جلالی است.
۶۷. منظور از شراب و شمع، شور و مستی عرفان و نور توحید و مراد از شاهد یا زیابروی، تجلی جمالی خداست.
۶۸. خراباتی شدن یعنی به وادی طریقت رهسپار شدن و از خودپرستی رها شدن. چرا که خودبینی در این وادی مانند کفر است. حتی اگر کسی به پارسایی و زهد و تقوای خود تقاضا کرد یا هم به نوعی گرفتار خودبینی شده است.
۶۹. بت و زنار (کمربندی که مسیحیان و زرتشتیان بر کمر می بستند) و امثال آن، همه از نشانه های کفر است. این چه زاری است که اهل عرفان از این تعابیر استفاده می کنند.
۷۰. در اینجا «بت» مظهر عشق است. یعنی جایی که همه عشق و محبت عاشق بر آن متمرکز و بدین ترتیب با معشوق یگانه شده است. از زنار بستن هم مراد خدمت به خلق و اطاعت از پیر طریقت است.
۷۱. از «ترسایی» هم مراد اهل معنی، مجرد و پاک شدن از هواهای نفسانی و خلاصی از تبعیت جاهلانه از دیگران است. چون در این وادی سالک باید به یقین قلبی و معرفت شهودی برسد و تقلید دردی از او دود نمی کند.

۱. امیر حسینی هروی در آغاز جوانی به تحصیل علوم مرسوم زمان پرداخت. او پس از انقلابی روحی روی به تصوف آورد و دست ارادت به شیخ رکن الدین ابوالفتح مولتانی (متوفی ۷۳۵ ه. ق) که نواده شیخ بهاءالدین زکریای مولتانی بود، داد. مقام علمی و معنوی او مورد احترام هم عصران او بود. شیخ محمود او را بزرگی از بزرگان خراسان برشمرده است، که در اقسام هنر مشهور بوده و همگان جایگاه بلند او را به درستی می شناخته اند. جامی درباره او نوشته است که به علوم ظاهری و باطنی عالم بوده است. شیخ محمد لاهیجی، شارح گلشن راز، او را «قطب فلک سیادت و مرکز دایره ولایت» خوانده و آثار منثور و منظوم او را ستوده است. از آثار او می توان به کنز الرموز، زاد المسافرین و سی نامه اشاره کرد. (برای اطلاع بیشتر از او و آثارش، نگاه کنید به: مثنوی های عرفانی امیر حسینی هروی، به تصحیح و توضیح دکتر سید محمد ترابی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱).
۲. نگاه کنید به: مقدمه شرح گلشن راز لاهیجی، محمد رضا برزگر و غنث کرباسی، ص ۷.
۳. گلشن راز.
۴. شیخ یا به کار بردن تعبیر «طوطی نطق» قصد دارد که بگوید او همچون طوطی از پس آینه آنچه استاد ازلی به او تلقین کرده، تکرار می کند. این معنی یادآور این شعر خواجه شیراز است:
در پس آینه طوطی صفتی داشته اند.
آنچه استاد ازل گفت بگو، می گویم.
۵. انواع، گونه ها، مراتب.
۶. زین کوب، جستجو در تصوف ایران، ص ۳۱۳.
۷. مفاهیم اصلی و محوری عرفان گلشن راز را به طور مفصل باید مورد بررسی قرار داد.
۸. تفکر در تعریف عرفانی حرکت از باطل به سوی حق است یا به عبارت دیگر حرکت از غیر خدا به سوی خدا. تفکر حقیقی این است که در هر جزء بتوان کل مطلق را دید.
۹. منظور اهل فلسفه و منطق است.
۱۰. حکیمان در تعریف تفکر می گویند که وقتی یک تصور در ذهن ایجاد شود به آن تذکر یا یادآوری گفته می شود.
۱۱. به گذر از تصور در جریان تفکر، عبرت گفته می شود.
۱۲. اهل استدلال و فلسفه به تصویری که برای تدبیر و ژرف اندیشی صورت می پذیرد، تفکر می گویند.
۱۳. کدام نحوه تفکر است که شروا درست طی طریق کردن است و چرا گاهی تفکر عبادت و گاهی معصیت تلقی می شود.
۱۴. تفکر در نعمت ها و مخلوقات خدا درست و صحیح است اما اندیشیدن در ذات خدا گناه است.
۱۵. اندیشیدن در ذات حق باطل و نادرست است چرا که وجود حق بدیهی و حاصل است و بدست آوردن چیزی که هست؛ از لحاظ عقلی محال است.
۱۶. عقل را که در این وادی (شناخت خدا) چون خفاشی کور است و طاقت دیدن خورشید تابان الٰهی را ندارد، رها کن و با دل و جان به خدا بپیوند.
۱۷. در این مقام حتی جبرئیل، فرشته مقرب الٰهی راه ندارد، و تنها نور الٰهی است که هادی و راهبر آدمی است.
۱۸. منظور ما از بکار بردن «من» چیست و سفر کردن در خویشستن چه معنایی دارد؟
۱۹. هنگامی که بخواهیم وجود را مورد اشاره قرار دهیم و از آن سخن بگوییم با ضمیر «من» یا هر ضمیر اشاره دیگری استفاده می کنیم.
۲۰. پس حقیقتی که به واسطه محدود شدن در وجود آدمی تعیین می پذیرد، «من» نامیده می شود.
۲۱. بنابراین وقتی «من» را بکار می بریم در واقع به روح که حقیقت انسان است، اشاره می کنیم.
۲۲. اگر در مسیر و سلوک به سوی خدا به عقل (که در این وادی راه ندارد) تکیه کردی حقیقت وجود خدا را نخواهی شناخت.
۲۳. ای طالب حق باید اول خود را بشناسی و بدانی حقیقت وجود تو چیست. چون ورم کردن که چاقی کاذب است با فریبی اهل فرق دارد.
۲۴. انسان (روح و حقیقت وجود او) در واقع مجموعه ای از همه حقایق عوالم هستی است که در هیئت یگانه و وجودی واحد جلوه گر شده است که در عین این وحدت، از کثرت برخوردار است. چون از هر یک از عوالم هستی در وجود انسان نمونه ای قرار دارد.
۲۵. کسی از راز (حقیقت وجود آدمی و عوالم هستی) با خبر خواهد شد که بتواند از این عالم محدود جزئیات به عالم بی نهایت حقایق (مراتب وجود الٰهی) سفر کند.
۲۶. مسافر (سالک- کسی که عزم سیر و سلوک به سوی خدا کرده است) کیست؟ به چه کسی انسان کامل می گوئیم؟
۲۷. سالک حقیقی کسی است که از اصل و حقیقت الٰهی خویش آگاه گردد.
۲۸. سالک کسی است که به سرعت از وجود مادی و نفسانی خود مانند آتش از دود جدا شود.
۲۹. سلوک حقیقی سالک دوری از دنیای پر از عیب و نقص و نزدیکی به خدا از طریق کشف و شهود است.
۳۰. سالک باید همانطور که از عالم حقیقت و مرتبه الٰهی به این جهان مجازی و مادی نزول کرده است این سیر را به طور معکوس طی کند تا به آن جایگاه اولیه و اصلی خود بازگردد.
۳۱. انسان کامل کسی است که با اینکه به مرتبه حقیقی خویش دست یافته و به مقصود و کمال نهایی رسیده است همچنان پایبند آداب شریعت است و می کوشد که به دیگران برای رسیدن به فلاح و رستگاری کمک کند.
۳۲. چه کسی به سر «وحدت وجود» آگاه می شود و عارف به چه چیزی شناخت پیدا می کند؟
۳۳. کسی موفق به درک راز وحدت وجود می گردد که در مسیر سلوک خویش با هیچ مرحله ای متوقف نشود.
۳۴. دل عارف به حقیقت وجود معرفت پیدا می کند و او وجود مطلق را با چشم بصیرت مشاهده می کند.
۳۵. اگر عارف (شناونده) و معروف (آنکه باید شناخته شود) ذات پاک الٰهی است، پس این انسان ضعیف خاکی چه آرزویی در سر می پروراند؟



عید ولایت اش مبارک	۸ مهر روز بزرگداشت ... مبارک باد	عید اضحی که باز هم مبارک باد ناگهانی خودمان	برنامه ای در دنیای مجازی در آن خیانت نیست	صفحه ای اینترنتی	مربی جامعه ستایش	۱۳ مهر روز نیروی ... است اتحادیه فوتبال اروپا
			همیشگی لانه پرنده		پوستین	
مفرد مواهب در شمال تهران است				۲۰ مهر روز بزرگداشت ... است تحلیل گران		
نابیدا سنگ	صبحانه نخوردن شهید زنده			حرف ۱۲ فارسی نیک	یازده	
		عدد هندسی کار لج باز	قیمت ۸ مهر روز ... است			۲۹ مهر روز ... است
	خاندان عملی برای غذا	عدد هندسی کار لج باز		وصیت شهید شماره		
۲۵ ذی الحجه سوره انسان در شان ... نازل شد						۱۵ مهر را نامیده اند
مخفف خوب نوعی پارچه	نامه دخترانه ۹ ذی الحجه روز ... است				موارید درشت	
		مسخ درهم ریخته و مقابل پیش			چهره ارگان	
			مخالف نشر	یک قرن	همراه برگ و آواز می آید	
سلول زنده تولید می کند ۲۳ مهر روز ... است	سوره توحید نخستین				ماده بیهوش کننده	
					جمع رای	غزوه پیامبر (ص)
		سوره ۷۲ قرآن پیامک				
نوعی دامن کار روی جدول	حرف ۶ فارسی		غمگین			
۷ مهر روز آتش نشانی و ... است				حرف یازدهم الفبای یونانی		



هر کسی گمان کند بر حسب اتفاق یا بر این جهان نهاده
در محدوده‌ی تولد جسمی خودش می‌ماند.
پیر می‌شود و می‌میرد.
برایش بلوغی در کار نیست.
میلیاردها انسان در جهان متولد شده‌اند.
اما هیچ یک اثر انگشت مشابه نداشته‌اند.
اثر انگشت تو، امضای خداوند است.
که اتفاقی به دنیا نیامده‌ای و دعوت شده‌ای.
تو منحصر به فردی. مشابه یا بدل نداری.
تو اصل هستی و تکرار نشدنی.
وقتی انتخاب شده بودن و منحصر به فرد بودن را یاد آوری کنی،
دیگر خودت را با هیچ کس مقایسه نمی‌کنی.
و احساس حقارت یا برتری که حاصل مقایسه کردن است
از وجودت محو می‌شود ...